



۱۷۳

۳۰ مجلس

ضيافت الهي

مباحثي پيرامون ماه مبارك رمضان
به ضميمه خطبه شعبانیه پیامبر اعظم
و اعمال ماه رمضان



صنوبر فلاحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ضيافت الهی

نویسنده:

صفر فلاحي

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
ضيافت الهی	۱۱
مشخصات کتاب	۱۱
اشاره	۱۲
فهرست	۱۶
پیش گفتار	۳۰
مهمانی خدا	۳۰
ماه رحمت	۳۱
قرآن نعمت الهی	۳۲
زیور بندگی	۳۳
روح لطیف	۳۳
کلاس انسان سازی	۳۴
به اندازه وسع	۳۵
تذکار	۳۶
حلول ماه	۳۸
ریزش گناهان	۳۹
رسیدن به خدا	۴۱
وجوب روزه	۴۵
اقسام روزه	۴۶
صفای درون	۵۰
پاکی عمل	۵۴
درخواست تقرب	۵۵
دوری از دنیا	۵۶
ماه فضیلت	۵۷

۵۹	مراحل مهم
۶۳	باطن اوامر
۶۵	دلسوزترین طبیب
۶۸	حکمت و عبادت
۷۰	عمده ترین مسأله
۷۱	مخلوق اول
۷۲	گوش شنوا
۷۲	ولایت، روح عبادت
۷۴	عبادت، طهارت روح
۷۷	روزه یا صبر
۷۸	ثمره شجره طیبه
۷۹	محضر استاد
۸۰	تأثیر خودسازی
۸۲	برنامه ای برای حرکت
۸۴	خلقت احسن
۸۵	انسان و دو جنبه مهم
۸۸	حکایت
۸۹	نعمت و شکر آن
۹۱	خدا یا پاکم نما
۹۱	توجه به خودسازی
۹۳	هدف خلقت
۹۶	نفس و الهام الهی
۹۷	بیداری
۹۸	چرا تکبر؟
۱۰۰	خدا یا عقابم مکن
۱۰۲	اسوه اخلاق

۱۰۶	غنایم بخش
۱۰۸	با صادقین
۱۱۰	عروج به سوی او
۱۱۲	کنترل نفس
۱۱۳	یک سؤال
۱۱۴	گوهر وجود
۱۱۶	همراهی با خوبان
۱۱۷	بدترین دشمن
۱۱۸	شاگرد قرآن
۱۱۹	پرهیز از بد اخلاقی
۱۲۱	زنده واقعی
۱۲۳	شب رهایی
۱۲۶	معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم
۱۲۷	وفای به عهد
۱۳۰	موعظه ای مهم
۱۳۳	بدترین مرض
۱۳۴	مانع حق گویی
۱۳۶	نمونه ای از تاریخ
۱۳۸	شب قدر
۱۴۰	تربیت الهی
۱۴۱	نزدیک و نزدیکتر
۱۴۵	شناخت مشکلات
۱۴۶	شهادا زنده اند
۱۴۸	قلمهای پاک
۱۴۸	مبارزه در دو جبهه
۱۵۱	مؤمنان واقعی

۱۵۲	ساعات چهارگانه
۱۵۴	محاسبه نفس
۱۵۷	ساعت تفکر
۱۵۸	بهره حلال
۱۶۱	خورشید دوم
۱۶۲	نصب امام
۱۶۳	چهار دوره زندگانی امام مجتبی
۱۶۵	پیامبر معلم انسانها
۱۶۷	خانواده در قرآن
۱۶۹	ایمان آسیه
۱۶۹	غرور فرعون
۱۷۱	آسیه الگوی دینداری
۱۷۲	تاج بندگی
۱۷۴	بزرگترین افتخار
۱۷۵	حماسه اخلاص
۱۷۶	سلام بر خوبان
۱۷۷	خانه زاد خدا
۱۷۹	برخی معانی قدر
۱۸۰	شب قدر در احادیث قدسی
۱۸۲	امام صادق و شب قدر
۱۸۴	بنیان خانواده
۱۸۵	تأثیر اعضای خانواده
۱۸۶	ویژگی های حضرت خدیجه
۱۸۷	زینب قهرمان کربلا
۱۹۰	اساسی ترین بنا
۱۹۲	همسر شایسته

۱۹۳	وداع با دوست
۱۹۴	سلام وداع
۱۹۵	دوستان دانا
۱۹۶	زندگی پسندیده
۱۹۸	سود معنوی
۲۰۰	سرمایه بزرگ
۲۰۱	فراق سنگین است
۲۰۳	عید اولیا
۲۰۴	رفیق همراه
۲۰۵	آرزوی مؤمنان
۲۰۷	نیروی معنوی
۲۰۹	راههای خوبی
۲۱۰	به رحمت وجودم بپوشان
۲۱۲	نیاز به موعظه
۲۱۲	سعادت مندان این ماه
۲۱۳	میقات امت پیامبر
۲۱۵	مسجد دریای رحمت
۲۱۸	ماه فیض، کرامت و ضیافت
۲۱۹	آثار تربیتی و اخلاقی روزه برای بشر
۲۲۱	مزد افطاری
۲۲۳	شیاطین در زنجیر
۲۲۳	بهترین اعمال
۲۲۴	یا علی تو جان منی
۲۲۶	ارزش روزه و روزه داری
۲۳۰	فضیلت شیهای قدر
۲۳۲	بعضی اعمال ماه رمضان

۲۳۲	 اشاره
۲۳۲	 غسل های ماه رمضان
۲۳۳	 نمازهای ماه مبارک رمضان
۲۳۵	 اعمال دیگر ماه رمضان
۲۳۶	 صدقه و افطاری دادن در ماه رمضان
۲۳۷	 آداب سحر ماه رمضان
۲۴۰	 شب قدر
۲۴۰	 الف: فضیلت شبهای قدر
۲۴۱	 ب: سیره اهل بیت علیهم السلام در شب قدر
۲۴۲	 ج: اعمال مشترک شب قدر
۲۴۴	 د: اعمال مخصوص شبهای قدر
۲۵۰	 درباره مرکز

سرشناسه : فلاحی، صفر، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : ضیافت الهی : مباحثی پیرامون ماه مبارک رمضان به ضمیمه خطبه شعبانیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اعمال ماه رمضان / نویسنده صفر فلاحی.

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۲۳۲ ص.

فروست : : آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر؛ ۱۱۳.

شابک : ۱۵۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۸۵۶۷-۹۲-۲

یادداشت : عنوان روی جلد: ۳۰ مجلس ضیافت الهی: مباحثی پیرامون ماه مبارک رمضان به ضمیمه خطبه شعبانیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اعمال ماه رمضان.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : ۳۰ مجلس ضیافت الهی: مباحثی پیرامون ماه مبارک رمضان به ضمیمه خطبه شعبانیه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و اعمال ماه رمضان.

موضوع : دعای شعبانیه

موضوع : رمضان

موضوع : روزه (اسلام)

رده بندی کنگره : BP۱۸۸/ف۸۳ص۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۵۱۰۴۶۱

ضيافت الہی

مباحثی پیرامون ماہ مبارک رمضان

بہ ضمیمہ

خطبہ شعبانیہ پیامبر اعظم صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم

و

اعمال ماہ رمضان

ص: ۴

پیش گفتار ۱۳۰۰۰

مهمانی خدا ۱۳۰۰۰

ماه رحمت ۱۴۰۰۰

قرآن نعمت الهی ۱۵۰۰۰

زیور بندگی ۱۶۰۰۰

روح لطیف ۱۶۰۰۰

کلاس انسان سازی ۱۷۰۰۰

به اندازه وسع ۱۸۰۰۰

تذکار ۱۹۰۰۰

(۱)

حلول ماه ۲۱۰۰۰

ریزش گناهان ۲۲۰۰۰

رسیدن به خدا ۲۴۰۰۰

(۲)

وجوب روزه ۲۸۰۰۰

اقسام روزه ۲۹۰۰۰

ص: ۵

(۳)

صفای درون ... ۳۳

پاکی عمل ... ۳۷

درخواست تقرّب ... ۳۸

دوری از دنیا ... ۳۹

(۴)

ماه فضیلت ... ۴۰

مراحل مهم ... ۴۲

(۵)

باطن اوامر ... ۴۶

دلسوزترین طیب ... ۴۸

قرآن، بیان حقیقت ... ۴۹

(۶)

حکمت و عبادت ... ۵۱

عمده ترین مسأله ... ۵۳

مخلوق اول ... ۵۴

گوش شنوا ... ۵۵

ولایت، روح عبادت ... ۵۵

(۷)

عبادت، طهارت روح ... ۵۷

روزه یا صبر ... ۶۰

ثمره شجره طیبه ... ۶۱

ص: ۶

(۸)

محضر استاد ... ۶۲

تأثیر خودسازی ... ۶۳

برنامه ای برای حرکت ... ۶۵

(۹)

خلقت احسن ... ۶۷

انسان و دو جنبه مهم ... ۶۸

حکایت ... ۷۱

تزکیه ... ۷۲

نعمت و شکر آن ... ۷۲

خدایا پاکم نما ... ۷۴

توجه به خودسازی ... ۷۴

(۱۰)

هدف خلقت ... ۷۶

نفس و الهام الهی ... ۷۹

بیداری ... ۸۰

چرا تکبر؟ ... ۸۱

خدایا عقابم مکن ... ۸۳

(۱۱)

اسوه اخلاق ... ۸۵

غنایم بخش ... ۸۹

با صادقین ... ۹۱

ص: ۷

(۱۲)

عروج به سوی او ... ۹۳

کنترل نفس ... ۹۵

یک سؤال ... ۹۶

گوهر وجود ... ۹۷

همراهی با خوبان ... ۹۹

(۱۳)

بدترین دشمن ... ۱۰۰

شاگرد قرآن ... ۱۰۱

پرهیز از بد اخلاقی ... ۱۰۲

زنده واقعی ... ۱۰۴

(۱۴)

شب رهایی ... ۱۰۶

معجزه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ... ۱۰۹

وفای به عهد ... ۱۱۰

(۱۵)

موعظه ای مهم ... ۱۱۳

بدترین مرض ... ۱۱۶

مانع حق گویی ... ۱۱۷

نمونه ای از تاریخ ... ۱۱۹

شب قدر ۱۲۱۰۰۰

ص: ۸

تربیت الهی ... ۱۲۳

نزدیک و نزدیکتر ... ۱۲۴

شناخت مشکلات ... ۱۲۸

(۱۷)

شهدا زنده اند ... ۱۲۹

قلمهای پاک ... ۱۳۱

مبارزه در دو جبهه ... ۱۳۱

مؤمنان واقعی ... ۱۳۴

(۱۸)

ساعات چهارگانه ... ۱۳۵

محاسبه نفس ... ۱۳۷

ساعت تفکر ... ۱۴۰

بهره حلال ... ۱۴۱

(۱۹)

خورشید دوّم ... ۱۴۴

نصب امام ... ۱۴۵

چهار دوره زندگانی امام مجتبی ... ۱۴۶

پیامبر معلم انسانها ... ۱۴۸

(۲۰)

خانواده در قرآن ... ۱۵۰

ایمان آسیه ... ۱۵۲

غرور فرعون ... ۱۵۲

آسیه الگوی دینداری ... ۱۵۴

ص: ۹

(۲۱)

تاج بندگی ... ۱۵۵

بزرگترین افتخار ... ۱۵۷

حماسه اخلاص ... ۱۵۸

سلام بر خوبان ... ۱۵۹

خانه زاد خدا ... ۱۶۰

(۲۲)

برخی معانی قدر ... ۱۶۲

شب قدر در احادیث قدسی ... ۱۶۳

امام صادق و شب قدر ... ۱۶۵

(۲۳)

بنیان خانواده ... ۱۶۷

تأثیر اعضای خانواده ... ۱۶۸

ویژگی های حضرت خدیجه ... ۱۶۹

زینب قهرمان کربلا ... ۱۷۰

(۲۴)

اساسی ترین بنا ... ۱۷۳

همسر شایسته ... ۱۷۵

(۲۵)

وداع با دوست ... ۱۷۶

سلام وداع ... ۱۷۷

دوستان دانا ... ۱۷۸

زندگی پسندیده ... ۱۷۹

ص: ۱۰

سود معنوی ... ۱۸۱

سرمایه بزرگ ... ۱۸۳

(۲۶)

فراقت سنگین است ... ۱۸۴

عید اولیا ... ۱۸۶

رفیق همراه ... ۱۸۷

آرزوی مؤمنان ... ۱۸۸

نیروی معنوی ... ۱۹۰

راههای خوبی ... ۱۹۲

(۲۷)

به رحمت وجودم پیوشان ... ۱۹۳

نیاز به موعظه ... ۱۹۵

سعادت مندان این ماه ... ۱۹۵

میقات امت پیامبر ... ۱۹۶

مسجد دریای رحمت ... ۱۹۸

خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در فضیلت ماه رمضان و روزه آن ... ۲۰۱

ماه فیض، کرامت و ضیافت ... ۲۰۱

آثار تربیتی و اخلاقی روزه برای بشر ... ۲۰۲

در گرو اعمال ... ۲۰۳

مزد افطاری ... ۲۰۴

ماه انسان سازی ۲۰۴۰۰۰

شیاطین در زنجیر ۲۰۶۰۰۰

ص: ۱۱

بهترین اعمال ۲۰۶۰۰۰

یا علی تو جانِ منی ۲۰۷۰۰۰

ارزش روزه و روزه داری ۲۰۹۰۰۰

فضیلت شبهای قدر ۲۱۳۰۰۰

بعضی اعمال ماه رمضان ۲۱۵۰۰۰

غسل های ماه رمضان ۲۱۵۰۰۰

نمازهای ماه مبارک رمضان ۲۱۶۰۰۰

اعمال دیگر ماه رمضان ۲۱۸۰۰۰

آداب افطار ۲۱۸۰۰۰

صدقه و افطاری دادن در ماه رمضان ۲۱۹۰۰۰

آداب سحر ماه رمضان ۲۲۰۰۰۰

شب قدر ۲۲۳۰۰۰

الف: فضیلت شبهای قدر ۲۲۳۰۰۰

ب: سیره اهل بیت علیهم السلام در شب قدر ۲۲۴۰۰۰

ج: اعمال مشترک شب قدر ۲۲۵۰۰۰

د: اعمال مخصوص شبهای قدر ۲۲۷۰۰۰

ص: ۱۲

بسم الله الرحمن الرحيم

پیش گفتار

«شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن هدى للناس و بينات من الهدى والفرقان» (۱) ماه رمضان است که قرآن در آن نازل شده تا هدایت مردم و بیاناتی از هدایت و جداسازنده حق از باطل باشد.

مهمانی خدا

بخشی از مسائل و معارف عالی اسلامی را علاوه بر اصول عقاید و... اخلاق، مسأله عبادات و احکام عبادی تشکیل می دهد. عبادتها یا واجب است یا مستحب. بعضی از عبادتها، در یک مکان خاص و در یک زمان معین باید صورت گیرد، مثل حج که با موجود بودن شرایطی واجب می گردد. از عبادتهای مهم، روزه است. هر چند روزه در طول سال به جز روزهایی که روزه گرفتن حرام است قابل انجام می باشد، لکن روزه واجب در طی ماه مبارک رمضان است. ماه مبارک رمضان تنها ماه قمری است که در قرآن کریم از آن نامی به میان آمده است. خدای متعال در سوره مبارکه بقره، ماه رمضان را ماه نزول قرآن کریم که کتاب

ص: ۱۳

هدایت و سعادت است قلمداد فرموده اند.

ماه مبارک رمضان طبق ادله نقلی فراوان ماه روزه گرفتن، عبادت و ماه نزول قرآن کریم می باشد.

این ماه، ماه مهمانی خدا، دارای شرافت، فضیلت، عظمت و کرامت است. پیرامون هیچ یک از ماههای سال به اندازه این ماه مطلب از اولیای دین به ما نرسیده است.

ماه رحمت

طبق روایات، لحظات و ثانیه های ماه رمضان با هیچ لحظه و ثانیه ای قابل مقایسه نیست. در خطبه شعبانیه پیامبر عظیم الشان اسلام آمده است: «قد اقبل الیکم شهر الله بالبرکه والرحمه والمغفره... و دعیتم فیه الی ضیافه الله».(۱)

ضیافت الهی چیست؟ و چگونه است؟ آیا این مهمانی به مهمانی های دنیایی شباهتی دارد؟ چه کسانی را در این مهمانی راه می دهند؟ غذای این مهمانی چیست؟ پذیرایی کنندگان چه کسانی اند؟ بالاخره این ضیافتگاه رحمانی کجاست؟

جواب این سؤالات در بخشی از سخنان امام خمینی رحمه الله آمده است که نقل می کنیم؛ سخنانی که در عین سادگی، از عمق و عرفان بالایی برخوردار است: و این دعوتی که خدای تبارک و تعالی به حسب آن چیزی که از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) منقول است که (دعیتم فیه الی ضیافه الله) ضیافت چی هست و کی پذیرفته است

ص: ۱۴

این ضیافت را، و برای مقدمات پذیرش، این زیارت، این ضیافت چی هست و خود ضیافت چی هست. باید عرض کنم که غیر از رسول اکرم _ صلی الله علیه و آله _ کسی به این ضیافتی که خدای تبارک و تعالی دعوت کرده است، آن طور که او اجابت کرده است کسی اجابت نکرده است.

دعوت مراتب دارد. اجابت هم مراتب دارد. آن مرتبه اعلاء اجابت آنی است که پس از حصول مقدمات و ریاضاتی که رسول خدا _ صلی الله علیه و آله _ کشیده اند منتهی شد به اینکه خدای تبارک و تعالی از او ضیافت کرد به نزول قرآن.

قرآن نعمت الهی

قرآن آن نعمتی است که در ضیافتی که از رسول خدا شده است، آن نعمتی است که در آن سفره ای که از ازل تا ابد پهن است پیغمبر اکرم برخوردار از آن بوده، و مقدمات، آن مقدماتی است که سالهای طولانی ریاضات معنوی کشیده است تا رسیده است به آنجایی که لایق این ضیافت شده است؛ و مهم قضیه اعراض از دنیا است.» (۱)

طبق بیان فوق، باید گفت این ضیافت و مهمانی هم از نظر زمان و مکان و از نظر سفره مهمانی مهم ترین و ارزشمندترین ضیافت است.

ص: ۱۵

بی تردید آنان که می خواهند به درگاه الهی بار یابند، باید به زیور بندگی و گوهر تقوا آراسته باشند. چرا که مهمترین خصوصیت اولیای الهی و پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، بنده خدا بودن است. ما هر روز حداقل ۱۰ مرتبه در نماز، ابتدا به بندگی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سپس به رسالت ایشان شهادت می دهیم... بدون پاکی، طهارت و طی راه عبودیت امکان حضور وجود ندارد. آنان که عشق حضور و لقا در وجودشان شعله می کشد ابتدا رسم مهمانی می آموزند. سپس در مهمانی شرکت می جویند که میزبان رسم مهمان نوازی و ضیافت را خوب می داند.

عجب ماهی است ماه رمضان. ماه ساخته شدن، مهیا گشتن برای یک مهمانی آسمانی، عرشی و ملکوتی. بشنوید فرمایشی گهربار از صحیفه سجادیه امام زین العابدین علیه السلام در دعای هنگام ورود به ماه رمضان (۱): «ماه خدا، ماه روزه گرفتن و روزه داری، ماه اسلام [تسلیم]، ماه پاکی و طهارت، ماه قیام برای خدا و عبادت‌های شبانه، ماه نزول قرآن...».

روح لطیف

این ماه شریف در این دنیای پر تلاطم و عالم خاکی گویی قطعه ای است از بهشت و رضوان الهی.

ص: ۱۶

توصیف ماه مبارک رمضان در بسیاری از احادیث چنین آمده است: «ماه برکت، رحمت و مغفرت، ماهی که خواب بندگان روزه دار ارزش عبادت می یابد، سکوتشان چون تسبیح پروردگار است، دعای ایشان به استجاب نزدیک است و...» (۱).

انسانهایی که در طول سال، ماه و روزها از همه مواهب حلال الهی بهره می جستند، در ماه مبارک رمضان در ساعاتی حتی از حلال چشم می پوشند با آموزشهای الهی به تقویت جنبه معنوی و ملکوتی خویش می پردازند. چه روحها و روانهایی که در این ماه شریف لطافت می یابند، چه قلبهایی که رقت و شفقت را آموزش می بینند. چه بسیار چشمانی که از بخل دست برداشته، با جاری ساختن اشک، غبار غربت را با نوای «انی قریبٌ اجیب دعوہ الداع اذا دعان» می شویند.

اگر ماه رمضان را کلاس انسان سازی خدا، مرکز و محل تربیت رحمانی بنامیم سخن بی دلیل نگفته ایم.

کلاس انسان سازی

همه ما توجه داریم که در راه تعالی و رشد، همیشه، انسان با موانع بزرگی مواجه بوده است؛ وسوسه های درونی و بیرونی، احساس قدرت، خود برترینی، عجب ها و دهها مسأله دیگر از موانع سر راه رشد بشر بوده و هست.

زدودن غبارهای غفلت و رها شدن از بند دیو نفس زمینه و

ص: ۱۷

شرایطی می خواهد که انسان در آن از خواب غفلت برخیزد و زنگ خطر برای او به صدا درآید. مگر نه این است که ماه مبارک رمضان مجموعه ای است از آموزه های آموزنده، کارساز، دقیق، با ظرافت و بیدار کننده درون خفته انسان.

آموزه هایی چون توجه به مبدء هستی، حس نوع دوستی، توجه به دیگران، به یاد قیامت بودن، حساب و کتاب روز جزا، مجاهده با نفس اماره، ایشار، تلاوت کلام وحی، انس با قرآن، دعا، مناجات، خلوت با محبوب، و... بدون تردید مفاهیمی تربیت بخش هستند و می توانند انسان را به ضیافت الهی رهنمون سازد. آنان که با ماه مبارک رمضان همراه می شوند و دل به دلدار همیشه جاوید می سپارند اعراض از دنیا برای ایشان آسان و لذت بخش است.

به اندازه وسع

امام خمینی قدس سره که یکی از حجت های الهی برای ما بود، می فرماید: «آن چیزی که انسان را به ضیافتگاه خدا راه می دهد این است که غیر خدا را کنار بگذارد، و این برای هر کس میسر نیست؛ برای افراد انگشت شماری که در رأس آنها رسول الله است میسر بود. آن توجه قلبی به مبدء نور و اعراض از ماورای او، او را لایق کرد به ضیافت الله و لایق کرد بر اینکه قرآن یکمرتبه به طور بسیط در قلب او وارد می شود...».

امام _ رضوان الله علیه _ در بخش دیگری از سخنان خود، توجه

به غیر خدا نداشتن و غیر او ندیدن را مقدمه ورود به ضیافت الهی می داند.

سپس می فرمایند: «در اینجا باید عرض کنم که از همه مردم این معنا [اعراض از دنیا] مطلوب است، و اگر بخواهند در ضیافت خدا وارد بشوند به اندازه وسع خودشان باید از دنیا اعراض کنند و قلبشان را از دنیا برگردانند...» (۱).

عنایت و دقت در این کلمات برای همه ما مایه امید و دلگرمی است، به شرط آنکه زرق و برق دنیا و عیش بارگی بر ما مستولی نگردد. ان شاء الله.

مجموعه ای که با عنوان «ضیافت الهی» پیش روی شماست، بحثهایی است که در یکی از مراکز اداری برای جمعی از کارکنان آن مجموعه صورت گرفته است؛ ولیکن به نظر رسید بعد از یک بازنگری مختصر به همراه اضافات و ذکر منابع چاپ آن برای خوانندگان محترم مفید خواهد بود.

تذکار

۱_ بحثها حالت گفتاری داشته، و لذا در بازنگری سعی شده است به حداقل تصرف اکتفا شده شیرینی گفتار در متن باقی بماند؛

۲_ در ضمن بحث، تذکراتی احیانا به دوستان حاضر به عنوان کارکنان خدوم در نظام اسلامی داده شده است که برخی از آنها را

ص: ۱۹

در متن آورده ایم؛

۳_ مدت بحث حدود بیست دقیقه بوده است و بیشتر جنبه موعظه و تذکر اخلاقی داشته است، از بحثهای سلسله به صورت کلاس رسمی درس و طرح کردن بحثهای علمی و تخصصی پرهیز شده، ولذا چاپ آن را برای استفاده عموم مفید دانستیم؛

۴_ در پایان خطبه شعبانیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به همراه ترجمه جهت استفاده بیشتر آورده شده است؛

۵_ با توجه به اینکه بحث روزه از مباحث مهم و اساسی است و مبلغین بزرگوار در ایام ماه مبارک از کتب پیرامون آن استفاده می نمایند، در پایان روایت هایی درباره ارزش و جایگاه روزه به همراه مصادر و منابع و اعمال ماه رمضان و شبهای قدر جهت استفاده بیشتر آمده است.

در پایان لازم می دانم قدردانی و سپاس خود را از استاد بزرگوار جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر عابدی و همچنین برادر گرامی حجه الاسلام و المسلمین آقای ناصر باقری بیدهندی به خاطر ملاحظه اثر حاضر و راهنمایی جهت غنی تر شدن آن اعلام نمایم.

امید است مجموعه حاضر برای کلیه خوانندگان گرامی مفید فایده باشد.

الحمد لله رب العالمین

قم المقدسه

صفر فلاحی / ۱۳۸۴

ص: ۲۰

بسم الله الرحمن الرحيم «كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون». (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید روزه بر شما واجب شده همانطور که بر اقوام قبل از شما واجب شده بود شاید باتقوا شوید.

حلول ماه

حضرت ولی عصر علیه السلام انسان کامل، محل نزول برکات و اتصال دهنده بین مخلوق و خالق است. طلوع ماه مبارک رمضان را به محضر آن بزرگوار که ولی نعمت ما هستند و همگان تبریک باید گفت. شروع ماه مبارک رمضان همان بشارت رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: «قد اقبل اليكم شهر الله بالبركة والرحمة والمغفرة» (۲)؛ ماه مبارک رمضان با تمام برکات آسمانی که خدای متعال برای شما در نظر گرفته به شما روی آورد با مغفرت و رحمتش.

ص: ۲۱

۱- ۱. بقره، ۱۸۳.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۳۵۶، به نقل از «عیون اخبار الرضا علیه السلام».

شرح و بیان ماه مبارک رمضان از زبان امثال ما ناقص خواهد بود، زیرا ما ناقص هستیم و حال آنکه ماه مبارک رمضان منتسب به خدا و «شهر الله الاکبر» است. حضرت امام باقر علیه السلام از قول امام علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: «نگوید رمضان آمد و رمضان رفت، بلکه بگویند ماه رمضان آمد و ماه رمضان رفت؛ چون رمضان اسم خدا و یکی از اسماء الله است.»^(۱) در حدیثی دیگر از امام علی علیه السلام نقل است که «لا تقولوا رمضان و لکن قولوا شهر رمضان فانکم لا تدرون ما رمضان»^(۲) نگویند رمضان، لکن بگویند ماه رمضان به درستی که شما نمی دانید رمضان چیست و چه ارزشی دارد.

بیان ماه رمضان انسان کامل می خواهد، اما به همین اندازه که بتوانیم از برکات آن استفاده نمائیم غنیمت است.

ریزش گناهان

باید به اندازه وسع و توانمان این ماه را شناخته و بهره ببریم. لغت «رمضان»^(۳) به معنای ریزش برگ درختان در پاییز است. علت این نام برای ماه مبارک رمضان به این خاطر است که می فرمایند در ماه مبارک، گناهان بندگان، مسلمین و مومنین مانند ریزش برگ

ص: ۲۲

۱- ۱. «اصول کافی»، ج ۴، ص ۶۹ و ۷۰؛ «بحار الانوار»، ج ۲۴، ص ۳۹۶.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۳۷۷.

۳- ۳. در کتب لغت معانی دیگر هم برای «رمضان» گفته شده است.

درختان در پاییز می ریزد. (۱) به همین دلیل اسم این ماه را رمضان گذاشته اند... .

در این ماه یک عفو عمومی شامل حال همه می شود. همانطور که گاهی مثلاً می شنوید رئیس قوه قضائیه به مقام رهبری می نویسد که عده ای مشمول عفو عمومی قرار بگیرند، در ماه مبارک رمضان هم عفو عمومی شامل حال بندگان می شود. این عفو عمومی از راههای مختلفی تحقق می یابد: یکی از آن راهها غل و زنجیر شدن شیطان است که شیطان در این ماه به زنجیر کشیده می شود. (۲) عبادتهای گوناگون با اجر و مزد فراوان و... راه دیگر همان گرسنگی و تشنگی است که انسان را به یاد گرسنگی و تشنگی روز قیامت می اندازد. اینها همه زمینه ای است برای رشد و تربیت. امام صادق علیه السلام فرمود: «گرسنگی و تشنگی برای رقت قلب است؛ و انسان با همین حال گرسنگی و تشنگی به یاد گرسنگی و تشنگی قیامت می افتد». (۳)

اینها همه راههای پرورش، تربیت و ساخته شدن انسان است. آنچه موجب می شود انسان دچار خطا و اشتباه گردد غفلت از یاد و قدرت الهی است. ماه مبارک رمضان با شرایطی که دارد برای روزه دار حال ذکر است. در صورتی که انسان در حال ذکر و توجه

ص: ۲۳

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۵۸، ص ۳۴۱.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۶۳، ص ۲۰۵ / ۲۶۱ به نقل از اصول کافی، ج ۹۶، ص ۳۶۰.

۳- ۳. همان، ج ۹۶، ص ۳۵۶.

باشد از ساخته شدن و تهذیب غفلت نخواهد کرد، و این ماه شریف ماه عاقبت اندیشی هم هست.

رسیدن به خدا

هر کجا صحبت از ماه رمضان است نتیجه آن تقوی، به خدا رسیدن و رستگاری است. (۱) هر یک از ماه رمضان، ماه شعبان و ماه رجب به یکی از بزرگان منتسب است. ماه رمضان منتسب به خدای متعال است، ماه رجب منتسب به امیرمومنان علیه السلام و ماه شعبان منتسب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است. (۲) اما چرا ماه رجب و شعبان مقدم بر ماه رمضان هستند؟

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «انا مدینه العلم و علّی بابها؛ (۳) من شهر علمم و علی علیه السلام به منزله در این شهر است». باید از در ولایت وارد شهر نبوت شد و از راه نبوت وارد خانه توحید شد. و اگر از ماه رجب و شعبان که به عنوان مقدمه این ماه قرار داده شده اند بهره برده شود، از ماه رمضان منفعت و سود بیشتری حاصل خواهد شد.

در «عنوان الکلام» مرحوم فشارکی از «خلاصه الاخبار» نقل می کند: «عده ای از انسانها زمانی درختی را می پرستیدند. انسان

ص: ۲۴

۱- ۱. بقره، ۱۸۳.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۳۴۰؛ ج ۹۶، ص ۳۵۶ و ۳۶۴؛ ج ۹۷، ص ۸۰ و ۸۱؛ ج ۱۰۷، ص ۱۲۵.

۳- ۳. «مناقب ابن مغازلی»، ص ۸۰؛ «بحار الانوار»، ج ۱۷، ص ۴۱۹؛ ج ۳۸، ص ۱۸۹؛ ج ۴۰، ص ۲۰۶ و ۲۰۵؛ ج ۴۰، ص ۲۰۳ و ۷۰.

عابدی خواست این درخت را قطع کند. زمانی که عابد خواست درخت را قطع کند، شیطان آمد و جلوی عابد را گرفت و گفت: «این درخت را قطع نکن. اگر مادیات و دنیا می خواهی، من هستم و هر ماه دو دینار به تو می دهم».

عابد قبول نکرد. شیطان اصرار کرد. تا سرانجام عابد و شیطان با هم گلاویز شدند و انسان مؤمن، شیطان را به زمین زد. مجدداً شیطان اصرار کرد، و سوسه کرد و وعده مادیات داد تا سرانجام آن شخص قبول کرد که هر ماه دو دینار از شیطان دریافت کند. هر ماه چیزی می گرفت. طولی نکشید که دینارها قطع شد. دوباره انسان عابد آمد که درخت را قطع بکند، شیطان به همان صورت آمد و در مقابلش ایستاد و گفت: «این دفعه دیگر اجازه نمی دهم، مگر اینکه یک مصالحه یا جنگ و دعوایی با هم بکنیم. این بار در جنگ انسان عابد شکست خورد. شیطان به او گفت: «دفعه اولی که تو من را به زمین زدی مقصودت این بود که مردم را از شرک بیرون آوری تا مردم در مقابل درخت سجده نکنند. اما این بار چون دینارهایت دیر شده بود و به خاطر دینارها به جنگ من آمدی، شکست خوردی!»

این واقعیتی است که قیام کنندگان برای خدا، در میدان مبارزه پیروزند و خدا از ایشان حمایت می کند. در سوره حج آیه ۳۸ آمده است «إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا؛ خدا از بندگان مؤمنش دفاع می کند.» به هر تقدیر ماه مبارک رمضان سرشار از معنویت و اخلاص است. باید در این ماه به اندازه یک سال، تقوی و توشه

معنوی کسب کنیم. از معصوم علیه السلام راجع به این آیه شریفه سوره بقره که می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» سؤال کردند: «یا ابن رسول الله، شما فرمودید که افتخار شامل امت پیامبر است. پس امتهای قبل چی؟ و من قبلکم چه چیزی را می خواهد بیان فرماید؟» حضرت فرمود: «ماه رمضان به این صورت سی روز و با این همه برکات و فضایل فقط مختص به امت پیغمبر است. امتهای قبل چنین روزه ای نداشته اند.» خداوند در آخر آیه هم فرموده: لعلکم تتقون. شاید در نتیجه این روزه گرفتن به تقوی برسید. که خود این لعلکم تتقون هم بیانی دارد... .

توجه داشته باشیم که خدای متعال چهار چیز را در چهار چیز مخفی ساخته است: (۱) غضبش را در گناه، ولی خودش را در میان بندگان و... از کجا معلوم همان کس که به شما یا بنده مراجعه می کند، همان شخص محبوب خدا نباشد، و در پیش خدا آبرو نداشته باشد، احترام ماه مبارک رمضان و بندگان خدا را مدنظر

ص: ۲۶

۱- ۱. «الخصال»، ج ۱، باب الاربعه، ص ۲۰۹، روایت به طور کامل چنین است و از امیرالمومنین علیه السلام می باشد. قال: انّ الله تبارک و تعالی اخفی اربعه فی اربعه: اخفی رضاه فی طاعته فلا تستصغرنّ شیئا من طاعته. فریما وافق رضاه و انت لا تعلم، و اخفی سخطه فی معصيته فلا تستصغرنّ شیئا من معصيته. فریما وافق سخطه معصيته و انت لا تعلم، و اخفی اجابته فی دعوته فلا تستصغرنّ شیئا من دعائه. فریما وافق اجابته و انت لا تعلم. و اخفی ولیّه فی عبادته فلا تستصغرنّ عبدا من عییدالله، فریما یکون ولیّه و انت لا تعلم.

داشته باشیم. نکته ای که در پایان آیه آمده و قابل دقت است استفاده از کلمه «لعل» است. خداوند عالم با این بیان به مسأله بسیار مهم تربیتی اشاره دارد؛ روزه داران به واسطه گرفتن روز مغرور نگردند و کسانی هم که به هر دلیل تاکنون روزه نگرفته اند و یا نتوانسته اند از این فیض الهی بهره ببرند مأیوس و ناامید نگردند. این مطلب بسیار دقیقی است در باب تربیت که هرگز از خوف و رجاء نباید غافل شد. در راهنمایی و هدایت «تبشیر و انذار» یک اصل اساسی است، هر چند در قرآن واژه «انذار» بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است.

خداوند متعال ان شاءالله به ما توفیق بدهد که جهت خودسازی در این ماه بیشتر به خودمان پرداخته و تلاش نماییم.

ص: ۲۷

«يا ايها الذين آمنوا كتب عليكم الصيامُ كما كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».(۲)

وجوب روزه

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صِيَامَنَا فِيهِ صِيَامَ الصَّائِمِينَ وَ قِيَامَنَا فِيهِ قِيَامَ الْقَائِمِينَ.(۲)

خدایا قرار بده روزه ما را در ماه رمضان روزه داران واقعی و قیام ما را هم در آن چون قیام کنندگان حقیقی قرار بده.

آیه شریفه فوق نشان می دهد که روزه بر امتهای پیشین هم واجب بوده؛ اما نه به این صورت که بر امت پیغمبر واجب شده است. موسی کلیم علیه السلام چهل شبانه روز به میقات رفت و در روزهای میقات روزه می گرفت. در کتاب شریف انجیل وارد است که حضرت عیسی روزه می گرفته است. در حالات داود پیغمبر

ص: ۲۸

۱- ۲. «مفاتیح الجنان»، کلیات اعمال ماه رمضان به نقل از «بحار الانوار»، ج ۹۸، ص ۴.

۲- ۱. بقره، ۱۸۳.

آمده که تمام عمرش را روزه می گرفته است... (۱).

«یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم الصیام». روزه بر شما نوشته شد و البته فکر نکنید که شما در این امر تنها هستید. امتهای قبل هم مثل شما روزه می گرفته اند و این عبادت مختص به شما نیست؛ هرچند روزه امتهای پیشین به این کیفیت روزه شما نبوده است. (۲).

خطاب «یا ایها الذین آمنوا» یعنی ای کسانی که ایمان آورده اید، شریفترین لفظ برای خطاب است. در روایتی فرمودند که خطاب «یا ایها الذین آمنوا» مشکلات و زحمات حاصل از عبادات را از بین می برد. از بس زیبا و لطیف است. خدایا، ایمان آورندگان را به خودش منتسب می کند و می گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید». اینجا دیگر خطاب «یا ایها الناس» نیست و درباره عموم انسانها صحبت نمی شود؛ بلکه صحبت درباره مومنان است؛ آنان که از ماده و ظاهر دنیا گذشته به ورای آن یعنی غیب ایمان و یقین دارند.

اقسام روزه

روزه را سه قسم گفته اند: (۳) یک قسم روزه عام است. قسم دوم

ص: ۲۹

۱- ۱. «سفینه البحار»، ج ۲، ص ۶۶.

۲- ۲. برای اطلاعات بیشتر به کتب تفسیر ذیل آیه مورد بحث مراجعه فرمایید.

۳- ۳. درباره اقسام روزه مراجعه شود به کتاب «المراقبات» اثر مرحوم ملکی تبریزی قدس سره بحث روزه.

روزه خاص و سومین نوع روزه، روزه خاص الخاص است.

روزه عام، روزه ای است که انسان روزه دار از مبطلات روزه و مفطرات آن از جمله خوردن، آشامیدن، غبار غلیظ به حلق رسانیدن، عداقی کردن و سایر مبطلات و مفطرات روزه پرهیز کند.^(۱)

روزه خاص آن است که شخص روزه دار علاوه بر مفطرات و مبطلات که خوردن و آشامیدن و... است از غیبت، حسد، تهمت و حتی چیزهایی که ثواب را کم می کند، نیز پرهیز می کند. نقل است رسول اکرم صلی الله علیه و آله وقتی بانویی را دیدند که به کنیزش دشنام می دهد و فحش و بدگویی می کند، فرمود: «برایش غذا آماده کنید». زن از این تصمیم پیامبر خیلی ناراحت شد و گفت: «یا رسول الله، من روزه ام». حضرت فرمود: «شما روزه نیستید. اگر روزه بودی، دشنام نمی دادی و فحاشی نمی کردی. روزه شما در حقیقت با این عمل باطل است».

روزه سوم روزه خاص الخاص است. ما نباید از خداوند روزه عام را بخواهیم؛ چرا که روزه عام که همان پرهیز از مبطلات و مفطرات است، خیلی مهم نیست. کسی که در زندان است و دست رسی به خوردنیها و آشامیدنیها ندارد، یا کسی که دست و پایش را بسته اند نیز نمی تواند بخورد و بیاشامد، بلکه مهم روزه خاص الخاص است که روزه توجه است. روزه ای که علاوه بر

ص: ۳۰

نخوردن و نیشامیدن و مرتکب مبطلات و مفطرات نشدن و غیبت نکردن، غفلت هم در آن نیست. روزه ای که در آن قلب و فکر هم متوجه خداست. دل حالت ذکر دارد و متذکر خداست. روزه ای که انسان را سالم می کند، می سازد و صحت می بخشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «صوموا تصحوا»^(۱) البته این روایت نظر به صحت مزاج و سلامت مزاج هم دارد، اما مهمترین سلامت، همان سلامت روح و جان انسان است و این نتیجه روزه خاص الخاص است. وقتی درهای گناه و دروازه های معصیت بسته شد و زمینه انجام حرام ها و معصیتهای از بین برود، توبه آسان می شود. باز پیامبر اکرم فرمود: «یذوب الحرام فی جسدِه» روزه گرفتن موجب می شود که حرام در بدن ذوب شده و از بین برود. این روزه خاص الخاص است که چنین مؤثر واقع می شود. نتیجه می دهد. نتیجه اش تقوی، حصار و مصونیت است. روزه یکی از موثرترین عوامل برای سازندگی فردی و اجتماعی است. روزه حصن و پناهگاه و محکمترین حصار در مقابل شیاطین جنی و انسی است.

روزه خاص الخاص است که در دعاها و ائمه از خدا خواسته می شود. اگر امام معصوم می فرماید: «اللّٰهُمَّ اجعل صیامی فیه صیام الصائمین»^(۲) یعنی روزه خاص الخاص، نه روزه عام و خاص تنها.

... از خدا بخواهیم و به خدا عرضه بداریم: ای خدا، ای رب من، خودت کمک کن تا تو را فراموش نکنیم، تو هم ما را فراموش

ص: ۳۱

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۶۲، ص ۲۶۷؛ ج ۶۹، ص ۲۵۵.

۲- ۲. مفاتیح الجنان، دعای روزهای ماه مبارک.

نکنی که قرآن می فرماید: «ولا تكونوا كالذين نسوا الله فأنسيهم أنفسهم» (۱).

در ماه مبارک رمضان یک برنامه خودسازی طرح شده. دعاهاى مختلف، برنامه هاى عبادى، اجتماعى و سياسى ویژه... اگر در این يك ماه، و در این سی روز با شبهای قدرش انسان توجه خالص به خدا داشته باشد، به خدا نزدیک می شود و قلبش خاشع خواهد شد.

رسیدن به خدا، خاشع شدن، خالص شدن همه اینها از آثار روزه خاص الخاص است. اکتفا به روزه عام نباید بشود این نشانه کم همتی است.

خدایا همه ما را موفق به گرفتن روزه خاص الخاص بفرما!

ص: ۳۲

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : «الصوم يُميتُ مواد الشهوات و شهوه الطبع و فيه صفاؤه القلب و طهاره الجوارح و فيه عماره الظاهر و الباطن» (۱).

پیامبر خدا فرمود: روزه مواد شهوات را از بین می برد میل های

ص: ۳۳

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۹۶ ص ۲۵۴ حدیث ۲۸، این حدیث شریف را مرحوم علامه مجلسی از «مصابح الشریعه» نقل نموده است: قال الصادق علیه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله : الصوم جنّه. ای ستر من آفات الدنیا، و حجاب من عذاب الآخرة فاذا صمتَ فانو بصومك كفّ النفس من الشهوات، و قطع الهّمّه عن خطوات الشيطان، و انزل نفسك منزله المرضی لا تشتهی طعاما و لا شرابا. متوقّعا فی کل لحظه شفاک من مرض الذنوب و طهر باطنک من کل کدر، و غفله و ظلمه تقطعک عن معنی الاخلاص لوجه الله تعالى قال رسول الله صلى الله عليه وآله : قال الله عزّوجل: الصوم لی و انا اجزی به. فالصوم یمیت مواد النفس و شهوه الطبع الحيوانی، و فيه صفاء القلب، و طهاره الجوارح و عماره الظاهر و الباطن، والشکر علی النعم والاحسان الی الفقراء و زياده التضرع و الخشوع و البكاء، و جعل الالتجاء الی الله، و سبب انكسار الهّمّه، و تخفيف السيئات، و تضعيف الحسنات و فيه من الفوائد ما لا يحصى و كفى ما ذكرناه منه لمن عقل و وفق لاستعماله.

درونی را می میراند و در آن صفای قلب هست و پاکی اعضا و جوارح و با روزه، ظاهر و باطن آدمی ساخته و آباد می شود.

علمای اخلاق می فرمایند که اگر کسی می خواهد تزکیه نفس کند، پاک شود و از آلودگیها نجات یابد، اولین مرحله اش تخلیه است. (۱) تخلیه به این معناست که انسان خود را از صفات بد و رذیله و زشتیهای اخلاق خالی و درون را طاهر بکند. وقتی که درون طاهر شد، در مرحله بعد انسان به تخلیه و زینت کردن پردازد. مثل نقاش ماهری که می خواهد یک ساختمان را رنگ بزند؛ رنگی که براق و ماندنی باشد. این نقاش در اولین مرحله ساختمان را صیقل می دهد و آماده می کند. سپس آن را نقاشی و رنگ آمیزی می کند.

جسم و روح انسان هم باید صیقل بشود. حضرت فرمود: هر چیزی زنگ می زند. قلب شما هم زنگ می زند و زنگار قلب را فقط با ذکر خدا می توان از بین برد و آن را معالجه کرد. هر چیزی از جنس خودش اثر پذیرفته، قدرت پیدا می کند و با ضد خودش از بین می رود. مواد از مواد. آب اگر بخواهد قدرت پیدا کند، با اضافه کردن جنس خودش یعنی آب قدرتش افزایش می یابد و با ضدش از بین می رود. آتش ضد آب است و آب هم ضد آتش. با تقلیل مواد، قدرت مواد هم کم می شود. نفس انسان از امر خداست. از ماده خلق خدا نیست که وجود خارجی داشته باشد، از مجردات

ص: ۳۴

۱- ۱. به کتب اخلاق علمای بزرگوار مراجعه شود، کتاب «اربعین امام خمینی رضوان الله علیه» مطالب سودمند دقیق و عمیقی در این باره دارد.

است. لذا اگر بخواهد تقویت بشود، باید با جنس خودش تقویت بشود.

حقیقت ماه رمضان از همان جنس است. نفس انسان را قوی می کند و روح و جان انسان را جلا می دهد. همه اش معنویت است.

از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: «برای چه خداوند روزه را واجب کرد؟» آن حضرت فرمود: (۱) «برای اینکه اغنیاء هر چیزی که در زندگی می خواسته اند، برایشان میسر بوده و به هر چیزی که دست می برده اند، برایشان آماده بوده. اینها برای اینکه در ماه رمضان یک سنجیت با دیگران پیدا کنند و فکر نکنند که همه آن گونه هستند روزه برایشان واجب شده است. لذا خداوند روزی فقرا را در مال اغنیاء قرار داده و اینها در ماه رمضان می فهمند که فقرا چه می کشند... و این یک مسأله اجتماعی است.

اصولاً از حکمت‌های ماه مبارک رمضان تساوی و مساوات بین مردم است.

محترمت‌ترین و بهترین مردم نزد خدا، با تقوایان آنها هستند. (۲) تقوا یک اصل و معیار قرانی است. در اینجا پست و مقام مهم نیست همه مساوی هستند. نمره و مرتبه بستگی، به میزان تقوا و خداترسی دارد. بنابراین اول تخلیه از صفات بد و سپس تخلیه به

ص: ۳۵

۱- ۱. «من لا یحضره الفقیه»، ج ۲، ص ۴۳، حدیث ۱، باب عله فرض الصیام. نک «الوسائل» ج ۴، ص ۳ و ۲، کتاب الصوم، حدیث ۱.

۲- ۲. حجرات، ۱۳.

صفات عالی است. ماه مبارک رمضان این ویژگی را دارد. حضرت رسول صلی الله علیه و آله در روایتی که ابتدای بحث مطرح شد، به همین مطلب اشاره می کند.

الصوم یمیت مواد الشهوات؛ روزه ماده شهوتها را از بین می برد. و شهوه الطَّبع. روزه این خواهش نفسانی شهوت و هوای نفس و خواستن را کم می کند. و فیه صفاوه القلب. در ماه رمضان صفای دل پیدا می شود. و فیه طهاره الجوارح. در ماه رمضان پاکی اعضاء و جوارح تأمین است. دست، پا، زبان و سایر اعضای انسان باید کنترل شوند. اینکه حضرت فرمود غیبت هم نکنید و در روایت به روزه خاص الخاص اشاره فرمودند، برای همین است. در دعای روز سوم ماه مبارک، همین را می خواهید و می گوئید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ. واجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ؛ خدایا مرا در این روز از استغفار کنندگان قرار بده.» استغفار گناه را از بین می برد. ندامت و پشیمانی از گناه، باعث تقلیل گناهان انسان می شود؛ و اگر توبه، توبه واقعی باشد، به کلی باعث محو گناهان می شود. حضرت فرمود: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ؛ (۱) کسی که از گناه توبه کند مانند کسی است که اصلاً گناهی مرتکب نشده است.» واجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَانِتِينَ. استغفار همان مرحله تخلیه است و مرحله خارج شدن از بدیها. درخواست وارد شدن به حلقه بندگان صالح و مطیع خدا، مرحله تخلیه است و قانتین همان مطیعین هستند. صالحین همان

ص: ۳۶

کسانی اند که پاک عمل می کنند، همراه با صلح و خیرخواهی اقدام می نمایند.

پاکی عمل

در روایتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «اذا رأيت الناس يشتغلون بكثرة العمل فاشتغل أنت بصفوه العمل؛^(۱) اگر دیدی که مردم به زیادی عمل مشغولند، ولی عبادت آنها مغز ندارد، اخلاص ندارند. تو به صفوه العمل مشغول شو و به پاکی عمل پرداز. اگر به همان فرایض پردازی، در مقابل این نوافلی که دیگران انجام می دهند و خیلی هم زیاد است ولی روح ندارد فرائض بهتر است.

واجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین. پس از مرحله تخلیه، مرحله تحلیه است که این تحلیه، مراحل زیادی دارد. یک وقت عبادک الصالحین است و یک موقع واجعلنی فیه من عبادک المقربین. که این بالاترین درجه است. ... در قرآن هم اولیاء، صالحان و انبیاء مدنظر هستند. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^(۲) در دعای روز سه شنبه آمده است که امام معصوم علیه السلام می فرماید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ جُنْدِكَ فَإِنَّ جُنْدَكَ هُمُ الْغَالِبُونَ. وَاجْعَلْنِي مِنْ حَزْبِكَ فَإِنَّ حَزْبَكَ هُمُ الْمَفْلُحُونَ. وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَائِكَ فَإِنَّ أَوْلِيَاءَكَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ...» اینها

ص: ۳۷

۱- ۱. «المواعظ العددية».

۲- ۲. یونس، ۶۲.

مصدق این روایت هستند که فرمود: **أَلَا إِنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ لَا يَمُوتُونَ بَلْ يُنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ** (۱). ... اولیاء و انبیاء مرگ ندارند، انتقال از یک خانه ای به خانه دیگر. انتقال از خانه ای تنگ، ضیق و تاریک به یک خانه روشن و نورانی.

درخواست تقرب

«واجعلنی فیہ من عبادک الْمُقَرَّبِينَ بِرَأْفَتِکَ یا ارحم الراحمین؛ خدایا مرا در این روز از بندگان مقرب خودت قرار بده که این به دست تو است ای ارحم الراحمین». امید است که همه به این مرحله برسیم و در این ماه مبارک رمضان به همان جنبه ای پردازیم که پیغمبر و اولیای خدا می پرداختند.

حکایت نقل کرده اند عبدی پشت سر مولایش راه می رفت. به کیسه زری رسیدند. مولا این کیسه زر را برنداشت. عبد وقتی دید که مولا کیسه را برنداشت، او هم برنداشت. از او سؤال کردند: «تو چرا کیسه زر را برنداشتی؟» گفت: «او مولای من است و وقتی آقا و مولا کاری و عملی را انجام نمی دهد، پس عبد هم نباید انجام بدهد».

اینها برای تربیت یافتن انسان است. اینکه در جماعت می گویند اطاعت از امام جماعت واجب است، برای این است که می خواهد برای اطاعت از امام انسان را آماده و تربیت بکند.

ص: ۳۸

۱- ۱. در احادیث بسیاری آمده است «أَلَا إِنَّ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ لَا يَمُوتُونَ...» نک: «بحار الانوار»، ج ۵۸، ص ۲۰۷ و ج ۵۸، ص ۷.

اطاعت از امام و تبعیت از امام جماعت وجوبش برای این است که می خواهد شخص را برای اطاعت بسازد. در حقیقت وجوب اطاعت از امام جماعت یک نوع آموزش و تمرین است... از عبد پرسیدند: «چرا کیسه زر را برنداشتی؟ تو دیدی که مولایت برنداشت؟» گفت: «او مولای من است و کاری را که او انجام نداد من نباید انجام بدهم».

دوری از دنیا

امیرالمؤمنین علیه السلام که این ماه متعلق به اوست فرمود: «یا دُنْیَا غُرِّیْ غِیْرِیْ لَا حَاجَہَ لِیْ فِیکَ کَ قَدْ طَلَّقْتُکَ ثَلَاثًا (۱)؛ ای دنیا از من دور شو و برو سراغ دیگری، من تو را سه بار طلاق داده ام.» رجوع و توجه من به تو امکان ندارد، قابل برگشت هم نیست. و این کار برای کسانی که الگو دارند و به حرف مولای خود توجه می کنند، بسیار آسان خواهد بود. آنچه طبق این جمله امام علیه السلام باید انجام داد اعراض و دوری از دنیا و دلبستگی به آن است.

امیدواریم که خداوند ما را هم جزو کسانی قرار بدهد که در این ماه از آتش جهنم نجات یافته و آزاد می شوند.

اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِیْ فِیْهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِیْنَ. واجْعَلْنِیْ فِیْهِ مِنْ عِبَادِکَ الصَّالِحِیْنَ الْقَانِتِیْنَ. واجْعَلْنِیْ فِیْهِ مِنْ اَوْلِیَائِکَ الْمُقَرَّبِیْنَ بِرَأْفَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ.

ص: ۳۹

قال رسول الله صلى الله عليه وآله : مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاكبر. فقليل يا رسول الله ما الجهاد الاكبر؟ فقال: جهاد النفس! (۱)

قبل از بعثت پیامبر مکرم اسلام، امت های پیشین و اولیاء و پیامبرانشان دارای ایام ریاضت، عبادت، میقات و خلوتی بوده اند که با خدای خود به راز و نیاز می پرداختند. قرآن به یکی از موارد، که میقات حضرت موسی است اشاره می کند. امت پیغمبر امت مرحومه است و به ناجیه و محققه معروف شده. شاید یکی از علت‌هایش این باشد که خدای متعال نعمت را بر امت پیغمبر تمام کرد. آن زمان برای اولیاء و مقربین و پیامبران ایام میقات وجود داشت که به خودسازی پردازند. اما ماه رمضان را برای امت پیغمبر معین فرموده که همه بتوانند از این ماه با فضیلت استفاده کنند و همه به همان میقات پروردگار بروند. (۲) در ماه مبارک رمضان خداوند متعال چند عمل را انجام داده که یکی از آنها، نزول قرآن

ص: ۴۰

۱- ۱. «اصول کافی» ج ۱/۳۳۰ و نک: «بحار الانوار» ج ۱۹/۱۸۲ حدیث ۳۱.

۲- ۲. «الوسائل»، ج ۴، ص ۲۲۹، حدیث ۲۷.

شریف است. قلب نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محل نزول این آیات شریفه و این مفهوم لایتناهی است. همان گونه که زبور هم در ماه رمضان نازل شده. تورات و انجیل هم در ماه رمضان نازل شده اند. اما قرآن هم در ماه رمضان نازل شده و هم در شب قدر. اگر انسانی در این ماه بتواند از برکاتی که در آن هست، استفاده کند به نجات نزدیکتر خواهد بود. یکی از برکات این ماه شریف ادعیه است؛ ادعیه ای که ما را با معارف بسیاری آشنا می سازد، و حتی دیگران را هم به خاطر ما می آورد، از اجتماع مسلمین با داشتن گروههای متفاوت یاد می کند. دعاها و مناجاتهای ماه مبارک رمضان را ببینید. هر کجا که دعایی در ماه رمضان وارد شده دعای جمعی و توجه به جمع و همگان است، مثل: **اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ. اللَّهُمَّ اصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ سُدِّ فُقْرُنَا بِغْنَاكَ. اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَرِيَانٍ (۱)** و امثال آن که به همه جوانب زندگی و نیازهای آن توجه دارد.

به هر حال اگر انسان بخواهد ساخته شود، اول باید تخلیه بشود و بعد هم تخلیه. اما تخلیه از چی و تخلیه به چی؟ تا برسیم به موردی که آن را تلبیه می گویند.

ص: ۴۱

۱ - ۱. «بحار الانوار»، ج ۹۸، ص ۱۲۰، دعا به نقل مرحوم علامه مجلسی قدس سره چنین است. **اللَّهُمَّ ادْخُلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السَّرُورِ. اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ. اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ. اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عَرِيَانٍ، اللَّهُمَّ اقْضِ دِينَ كُلِّ مَدِينٍ، اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَنْ كُلِّ مَكْرُوبٍ، اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ، اللَّهُمَّ فُكِّ كُلَّ اسِيرٍ، اللَّهُمَّ اصْلَحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ، اللَّهُمَّ سُدِّ فُقْرُنَا بِغْنَاكَ. اللَّهُمَّ غَيِّرْ سَوْءَ حَالِنَا بِحَسَنٍ حَالِكَ، اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ وَ اغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.**

این مرحله خیلی حساس است. رکن اصلی و اساس بندگی خدا را دو چیز تشکیل می دهد:

۱_ عبادات و اوامر خدا

۲_ نواهی و محرمات

مراعات محرمات و نواهی خداوند به مراتب دارای سختیهایی است. چون اوامر خدا حرکت کردن، رفتن، پرواز کردن و از خود جدا شدن است. اما ارتکاب محرمات و نواهی خدا افتادن و سقوط کردن است و سقوط کردن از جایی راحت تر از صعود و بالاتر رفتن است. حرکت کردن، نیرو می خواهد، قوه دید و ژرف نگری می خواهد، اما افتادن و سقوط خیلی راحت صورت می گیرد. اوامر و نواهی خدای متعال از دستورالعمل های مهم خدای متعال هستند که باید به آنها توجه کرد. باید اوامر را انجام داد و نواهی را ترک کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مقابل گروهی که از جنگ باز می گشت. قرار گرفت و فرمود: *مرحبا بَقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَ بَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ فَقَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ (۱).* وقتی

ص: ۴۲

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۱۹، ص ۱۸۲، حدیث ۳۱. به نقل از «فروع کافی»، ج ۱، ص ۳۳۰ و «بحار الانوار»، ج ۷۰، ص ۶۵، حدیث ۷ به نقل از «معانی الاخبار» و «امالی مرحوم صدوق»، روایت کافی را سکونی نقل می کند از امام صادق علیه السلام و در روایت «معانی الاخبار» دارد که عن موسی بن جعفر علیهما السلام عن آبائهم علیهم السلام قال: قال امیرالمؤمنین علیه السلام: انَّ رسول الله. البته این دو نقل تفاوت مختصری نیز در متن روایت با هم دارند.

رزمندگان وارد شهر شده بودند، پیغمبر در برابر آنها قرار گرفت. این در حالی بود که لباسها گرد و خاکی بود و آثار تشنگی و گرسنگی باقی و صدای شهدا در گوشها طنین انداز بود. خلاصه هنوز حال و هوای جبهه وجود داشت که پیامبر به رزمندگان فرمود: «مرحبا به شما که جهاد اصغر را به پایان رساندید و جهاد بزرگتر بر عهده شما باقی است». اصحاب خیلی تعجب کردند. این چه جهادی است که اصغر و کوچک است. ما این همه جانباز دادیم. شهید دادیم. فرض کنید مصاف با این همه توپ و تانک و از دست دادن پدر و مادر و اعضاء و جوارح باز هم جهاد اصغر است؟! با تعجب پرسیدند: «آن جهاد اکبری که باقی مانده چه جهادی است؟» حضرت فرمود: «جهاد با نفس». مهاجر آن است که از خودیت هجرت کند و مبارز آن است که با نفس مبارزه کند.

... اینکه قرآن مثل زده و دربارۀ عده ای فرموده: «اولئک کالانعام بل هم اضل» بعد از این آیه شریفه است که می فرماید: «وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ کَثِيرًا مِّنَ الْجِنَّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا. لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا. لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا. أولئک کالانعام بل هم اضل سیلا اولئک هم الغافلون» (۱) چرا در اینجا حیوان ترجیح بر انسان داده می شود؟ فرق انسان و حیوان در اینجاست که حیوان ها وقتی گرسنه اند، حمله ور می شوند و دیگری را می درند. حتی مثل است که گرگ گرسنه بچه خودش را هم می خورد. اما انسانها برعکس اند. وقتی سیر می شوند، به هم حمله می کنند.

ص: ۴۳

«إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ» (۱). مقصداری استغنا پیدا کرد و مقصداری ثروت جمع شد طغیان می کند. فرعون جمله «انا ربکم الاعلی» را زمانی گفت که قشونی و ثروتی جمع کرد. آن موقع بود که کم کم ندای «انا ربکم الاعلی» را سر داد. لذا قرآن می فرماید: «اولئک کالانعام؛ آنها از چهار پایان هم بدترند». «بل هم اضل سیلا» افرادی که با دارا بودن قدرت فهم و درک شبانه روز برای مردم خدعه می کنند و برای رسیدن به امیال و هوسهای بی پایان خود تلاش می کنند.

ماه مبارک رمضان ماه کنترل انسان است. در این ماه انسان از نگاه، به عیوب دیگران، تجسس، سوء ظن و تهمت نسبت به آنها پرهیز می کند. کم کاری از بین می رود. هیچ نیرویی نمی تواند انسان را پشت میز کارش، میز مغازه اش، در کلاس درسش و... این چنین حفظ کند. منقلب شدن درون، کار ماه رمضان است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یمیت مواد الشهوات؛ روزه ماده شهوت ها و میل های خوار کننده را می میراند». در ادامه فرمود: و عماره الظاهر و الباطن. روزه ظاهر را هم می سازد و انسان روزه دار ظاهرا هم ساخته و آراسته می گردد. و به ظاهرش هم عمارت می دهد. علاوه بر ظاهر، باطن هم با ظاهر هماهنگ می شود.

انسان ممکن است برای امور دنیایی مثل گزینشهای شغلی نماز خود را ترک نکند؛ ولی روزه چیزی است که دیده نمی شود و نمی شود گفت که آقا من روزه هستم. جز خدا هیچ کس نمی داند.

ص: ۴۴

در روزه اخلاص نهفته است. در مورد نماز سفارش داریم که: «الصلاه لا تترك بحال؛ نماز در هیچ موقعیتی نباید ترک شود.» اما روزه هم از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا؟ چون روزه سرّ خداست. سر خدا چیست؟ الاخلاص سرّ من اسراری؛(۱) اخلاص سری از اسرار خدا است.

این اخلاص و سرّ در دل روزه داران است. بعد حضرت فرمود: «والشكر على النعم؛ روزه شکر نعمت هاست. شکر نعمت چشم، شکر دست، شکر وجود سالم. شکر خدمت به نظامی که درختش با خون شهیدان سیراب شده است. این ها خیلی با ارزش است. در تاریخ می خوانیم زهیر بن قین مقابل امام حسین آمد علیه السلام و گفت: «ایکاش من چند جان داشتم تا در راه شما می دادم.» او این معنی را می فهمید که در مقابل چه کسی قرار گرفته است. یا دیگری که می آید و می گوید: دعا کنید من در راه اسلام شهید بشوم.

امروز یکی از مصادیق ولایت مداری خدمت کردن صادقانه است که ان شاءالله خداوند ما را جزو خدمتگزاران به اسلام و قرآن قرار بدهد و کمک کند تا با خودسازی، قلب، اعضا و جوارحمان را با یاد و با نام خدا و با آیات کریمه خدا طاهر و طیب نماییم.

خدایا ما را اهل امر به معروف و نهی از منکر قرار بده! خدایا لذت عبادت و ذکر خودت به ما کرامت فرما! خدایا اخلاص در عمل و گفتار نصیب ما بفرما!

ص: ۴۵

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۷۰، ص ۲۴۹، حدیث ۲۴، بخش پایانی روایت چنین است. استودعته قلب من احببت من عبادی.

و بعد قال الصادق علیه السلام : **وَلَا يَتُّنَا التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا. وَلَا يَتُّنَا التَّسْلِيمُ لِسِرِّنَا بِأَنَّ عَيْنَ اللَّهِ وَ لِسَانَ اللَّهِ وَ نَفْسَهُ. نَفْعَلُ مَا نَشَاءُ وَ نَحْكُمُ مَا نَرِيدُ.** (۱)

گفتیم که انسان باید اولاً خود را از صفات بد تخلیه کند و بعد تخلیه. تخلیه مرحله دور کردن رذایل و تخلیه آراسته شدن به فضایل اخلاقی است. گفته شد که رکن اساسی دین را اوامر و نواهی خداوند تشکیل می دهد. انجام اوامر الهی سخت است. همچنین اشاره شد که برای حرکت به نیرو احتیاج است و این کار مشکل تر از افتادن و سقوط کردن است. روزه و نماز و همه عبادات و احکام هم باطنی دارند. در این زمینه مخبر صادق و خزینه علم رسول علی علیه السلام فرموده است: «أَنَا صِيْلَةُ الْمُؤْمِنِينَ وَ صِيَامُهُمْ؛ مَنْ نَمَازَ وَ رُزِزَ مُؤْمِنِينَ هَسْتُمْ». این از باب حمل مصدر بر ذات است مثلاً می گوئیم علی علیه السلام عین عدالت است. عین نماز است.

ص: ۴۶

۱- ۱. مراجعه شود به «اصول کافی»، ج ۴، ص ۴۳۷ / ۴۳۰. روایت های به این مضمون در «بحار الانوار»، ج ۴۶، ص ۲۵۵، ج ۲۶ ص ۲۴۶.

حضرت می فرماید: انا صلاه المؤمنین و صیامهم مَنْ اقام الصلاه فقد اقام بولایتی. اگر کسی نماز اقامه کند به ولایت من ایمان آورده است، اشاره به همین معنا دارد. نماز ظاهرش همین رکوع، سجود و ارکان مخصوصه است، اما باطنش پذیرش ولایت ولی الله است.

اگر انسان نماز بخواند، اما ولایت نداشته باشد، اخلاص نباشد، روزه بگیرد، ولی معرفت به رسول الله نباشد و آن ایمانی که در «یا ایها الذین آمنوا» قید شده تحقق نیابد، آن نماز و روزه بی فایده است. کسی که ایمان به خدا دارد؛ اما به رسول خدا ایمان ندارد، یا ایمان به رسول خدا دارد؛ ولی ایمان به کتاب رسول ندارد، یا ایمان به رسالت دارد، اما ایمان به دوازده امام ندارد و به هر حال آن «یا ایها الذین آمنوا» کاملاً محقق نشده، چنین کسی حرکت نمی کند؛ هرچند که قصد حرکت کردن را داشته باشد. در امثال و حکم مناقشه نیست. اینکه می نویسند مجنون وقتی می خواست برود پیش لیلی سوار بر مرکبی می شد که آن مرکب بچه ای داشت. آنقدر مجنون از خود بی خود می شد که توجهی به مرکب نداشت. مقداری که با مرکب راه می رفت و به فکر لیلی بود مرکب می دید هیچ کس نیست که لجامش را بکشد. دوباره برمی گشت عقب و به سراغ بچه اش می آمد. باز به همان پله اول و مجنون یک دفعه متوجه می شد هنوز سر جای اول خودش است و دارد دور خودش می چرخد. نماز هم این گونه است. ولایت که نباشد حرکتی انجام نمی گیرد. باطن الصلاه ولایتنا، و باطن الصوم معرفه جدنا؛ باطن نماز، [معرفت و پذیرش] ولایت ماست و باطن روزه شناختن [دین و آیین] جد ماست.

علی علیه السلام درباره پیغمبر اکرم بیانی دارند که: «طیبٌ دَوَّارٌ بطَّبه» (۱). پیغمبر اکرم طبیب است، اما طبیبی که با طبابت خودش یکجا قرار ندارد؛ بلکه می رود و مریض را پیدا می کند. به دنبالش می گردد و آنها را یکی یکی معالجه می کند. اما اهل بیت پیامبر «مثل اهل البیت کمثل الکعبه». مثل اهل بیت پیامبر، مثل کعبه است. کعبه سراغ دیگران نمی رود. این دیگران هستند که باید بروند به سوی کعبه و دور کعبه بگردند و طواف کنند. حالا چرا گفت: «باطن الصوم معرفه جدنا؛ باطن روزه شناختن و شناساندن جد ما است؟»

شاید بشود چنین تقریر کرد که رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره روزه فرموده اند: «صوموا تصحوا» (۲). روزه بگیرید تا سالم شوید. ظاهراً در اینجا تنها سالم شدن جسم منظور این روایت نیست. البته سلامت جسم در روزه هم هست، اما عمده هدف، سالم شدن روح و جان آدمی است. سلامت نفس و روان آدمی است. اگر روزه طبیب جسم و جان انسان است، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله هم طیبٌ دَوَّارٌ بطَّبه است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «باطن الصوم معرفه جدنا؛ باطن روزه شناختن جد ماست». این جد ائمه چه کسی است؟ همان پیامبری است که طیبٌ دَوَّارٌ بطَّبه است. کسی که آمده شما را بسازد و به سوی حقیقت راهنمایی کند. کسی است

ص: ۴۸

۱- ۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۱۰۸، ۴، نک: «بحار»، ج ۳۴، ص ۲۴۰.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۶۲، ص ۲۶۷؛ «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۲۵۵.

که وظیفه اش دستگیری از شما انسانهاست، مأمور است برای هدایت، به تکامل رساندن بشر، رهایی انسان از ولایت غیر خدا، تعلیم کتاب، تزکیه، تهذیب و رساندن بشر به سعادت در دنیا و آخرت.

قرآن، بیان حقیقت

پیرامون حقیقت اعمال قرآن کریم می فرماید: کسانی که مال یتیم را می خورند، حقیقت این مال یتیم، آتش است. (۱) اینها آتش می خورند. حقیقت شهوت، آتش است، حقیقت غیبت و سایر معاصی آتش است؛ ولی دنیا محل بروز حقیقت آنها نیست. دعای روز هفتم ماه رمضان می گوئیم: «اللهم اعنی فیه علی صیامه و قیامه و جنبی من هفواته و آثامه؛ خدایا من امروز روزه و قیام ماه رمضان را می خواهم. خدایا مرا از لغزشها و گناهان این روز و ماه نگهدار». این نمی شود، مگر اینکه زمینه آماده شود و مرحله گذر و پاکسازی رذایل اخلاقی و تخلیه از صفات زشت صورت گیرد. بعد وقتی تخلیه انجام شد، مرحله تخلیه انجام شود که این تخلیه و آراستن به صفات حسنه هم مراحل برای خودسازی دارد؛ عمده هم این است که انسان اصل را درست کند و آن اصل، یکی ولایت است و شناخت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله. دیگر اینکه فرمود: باطن الزکاه معرفه شیعتنا؟ باطن زکات شناخت شیعیان ماست. زکات یعنی رسیدگی به مشکلات جامعه به ویژه افراد نیازمند نکته ای را لازم است

ص: ۴۹

اینجا به عنوان تذکر عرض کنم. این که خانواده ها و بچه هایی که بی بضاعت اند، باید شناسایی و به حالشان رسیدگی شود. این مطلب به درد کسانی که با مراکز آموزشی چون آموزش و پرورش که با انواع و اقسام بچه ها سر و کار دارند می خورد. در بعضی از مدارس ممکن است دختر یا پسر دانش آموزی مشاهده شود که بگوید من از دیشب تا حالا چیزی نخورده ام. اینها باید شناسایی و رسیدگی بشوند. امیرالمؤمنین علیه السلام که این ماه متعلق به او است ببینید که چگونه عمل می کند. در مقابل یتیمان کوفه صورتش را روی آتش می گیرد و می گوید: «ببخشید علی را که از حال شما خبر نداشت». شیعه علی باید این گونه حرکت کند، و الا اگر حرکت جسمی و مادی باشد، خیلی چیزها این نوع حرکت را دارند...

امام سجاد علیه السلام در دعای ابی حمزه ثمالی می گوید: «اللّهُمَّ لَا تَسْلُطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي؛ (۱) خدایا کسی را که به من رحم نمی کند بر من مسلط مکن». نفس اماره را به من مسلط مکن. گناه را بر من مسلط مکن. پس نتیجه ماه رمضان باید تقوا باشد. معرفت، شناختن اصول و فروع از دیگر نتایج این ماه شریف است، شناختن اهل بیت که ایشان معدن خوبی هستند. و إِنَّ ذَكَرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَ أَصْلَهُ وَ فِرْعَهُ وَ مَعْدَنَهُ وَ مَآوِيَهُ وَ مَنْتَهَاهُ... (۲)

اللّهُمَّ اجْعَلْ عَوَاقِبَ أُمُورِنَا خَيْرًا، وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَ لَا تَكِلْنَا إِلَى أَنْفُسِنَا طَرَفَهُ عَيْنٍ أَبَدًا، وَ وَفَّقْنَا لِمَا تَحَبُّ وَ تَرْضَى.

ص: ۵۰

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، دعای ابو حمزه ثمالی رحمه الله .

۲- ۲. «همان»، زیارت جامعه کبیره.

«إِسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَنْهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۱) از صبر و نماز کمک بجوئید و آن بسی سنگین است مگر برای خشوع پیشگان.

گفتیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: «حقیقت نماز ولایت ما هست». بیان دیگر این است که حقیقت نماز و نماز حقیقی مختص به انسان کامل است و بالاترین صفت انسان کامل هم عبودیت است. آنچه که در عبودیت مطرح هست، عبارت است از معرفت، خشوع، تواضع و خاکسازی برابر معبود حقیقی یعنی خدای یگانه.

هر عبادتی که خداوند متعال قرار داده از روی حکمت است. روایت به این مضمون داریم که حضرت موسی علیه السلام (۲) به میقات آمد و به خدای تعالی عرضه داشت که: خدایا من مریضم و می خواهم

ص: ۵۱

۱- ۱. بقره، ۴۵.

۲- ۲. «جامع السعادات»، ج ۳، ۹ و ۲۲۸، ط نجف.

بدون مراجعه به دیگری یا دکتر خوب شوم. وحی شد که یا موسی ما هر چیزی را که خلق کردیم بر اساس حکمت است». درمان درد با دواست و با درخواست تو معالجه نمی شود... مقصود در عبادات خداست. کعبه رفتن، روزه گرفتن و... منظور خداست. میان عبادات آن عبادتی که همه اعضا و جوارح مشغول اند، فقط نماز است. در نماز است که قلب با حضور، زبان مشغول ذکر و قرائت، چشم مشغول نظر به سجده گاه و تمام اعضا و جوارح مشغول اند. لذا حضرت فرمود: حقیقت نماز ولایت ماست و حقیقت روزه هم شناخت پیغمبر اکرم است؛ شناخت چیزی که خدای متعال به پیامبر نازل کرده است.

قرآن خودش را دو گونه معرفی می کند: «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن»^(۱) و در جای دیگر لفظ «فرقان» به کار می برد. آنجا که لفظ قرآن استعمال شده اشاره دارد به مجموعه قرآن که در شبی با عظمت شب قدر به قلب نازنین پیامبر اکرم نازل شده است، و آنجا که لفظ فرقان به کار می برد که جدا کننده حق از باطل است به الفاظ قرآن اشاره دارد که یک سری از الفاظ قرآن در مکه نازل شده اند و یک سری در مدینه. یک سری هم شأن نزول و سبب نزول دارند. قابل توجه اینکه قرآن و فرقان معانی دیگری نیز دارد که در بحث تفسیر و علوم قرآنی آمده است.

صبر در آیه قرائت شده به روزه تفسیر شده است. سؤال این

ص: ۵۲

است که صبر چیست؟ صبر عصاره تمام نیروهاست؛ فشردن نیرو و عصاره نیروها برای مقابله با تهدیدها. اینکه در قرآن کریم فرموده: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَأَنْهَا لَكَبِيرَةً أَلَا عَلَى الْخَاشِعِينَ» (۱) قبول این مسئولیت و حقیقت نماز و قبول صبر و حقیقت آن و معرفت نسبت به آن مهم است. مگر برای آنهایی که بنده خاشع اند. بندگان که در حقیقت تسلیم و سلم محض هستند و این مسأله ای مهم است که باید به آن توجه نمود.

عمده ترین مسأله

پس عمده ترین مسأله ولایت است. لذا حضرت فرمود: «مَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ فَقَدْ أَقَامَ وِلَايَتِي؛ هَر كَسْ نَمَاز رَا اِقَامَه كَنْد مِثْل اَيْنِ اِسْت كِه وِلَايَت مَرَا اِقَامَه كَرْدَه اِسْت.» اینها دست خدا «يَدُ اللَّهِ» و چشم حضرت حق «عَيْنُ اللَّهِ» هستند. در زیارت رجبیه می خوانیم: «لَا فَرْقَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ؛ خَدَايَا هِيْجْ فَرْقِيْ بَيْنِ تُو وَ بَيْنِ اَيْنِهَا نِيْسْت مَكْر اَيْنَكِه اَيْنِهَا بَنْدْگَانِ تُو هِسْتَنْد.» تو خالق و اینها مخلوق تو. البته به قول شاعر: میان احد و احمد يك ميم فرق است و عالمی در اين يك ميم غرق است. اين است كه حضرت فرمود: «نَفْعَلْ مَا نَشَاءُ؛ هَر كَارِي رَا كِه بَخَوَاهِيْمْ اَنْجَامِ مِي دَهِيْم.» البته باذن خدا. در ادامه روایت آمده: «وَلَايَتِنَا التَّسْلِيمُ لِأَمْرِنَا؛ وِلَايَتِ مَا تَسْلِيْمِ شَدْنِ بَه اَمْرِ مَاسْت» چرا؟ بَانِنَا عَيْنِ اللَّهِ، بَانِنَا سِرُّ

ص: ۵۳

اللّٰه. برای اینکه ما چشم خداییم. برای اینکه ما سر خداییم. انسان وسیله می خواهد که به خدا تقرب یابد وسیله همین شناخت پیغمبر و ائمه معصومین و عبادات است. نماز است، روزه است و... همان گونه که در آخر حدیث آمده، زکات است. در دعای روز هشتم ماه رمضان می خوانیم که امام معصوم می فرماید: «اللّٰهُمَّ ارزقنی فیهِ رحمه الایتام و اطعام الطعام؛ خدایا به من در این روز رحمت و عطوفت به یتیمان را عنایت کن.» خدایا به من کمک کن تا در این روز اطعام طعام بکنم. بتوانم غذا به دیگران و مخصوصا به فقرا بدهم. وَافشاء السلام؛ خدایا در این روز آشکار ساختن سلام را روزی من کن.

مخلوق اول

طبق بعضی روایات، اولین چیزی که خدا خلق کرد، قلم بود که بعد از خلق به قلم امر کرد که بنویس: «اشهد ان لا اله الا الله، و اشهد ان محمدا رسول الله». قلم گفت: «خدایا، این چه کسی است که اسم او مقرون اسم تو است؟ و اسمش همراه اسم تو ذکر شده است؟» خداوند فرمود: «او کسی است که تو به خاطر او خلق شدی.» قلم آمد خدمت رسول اکرم و فرمود: «السلام علیک یا رسول الله». حضرت در جواب فرمود: «سلام علیک» فرموده اند که سلام دادن تأسی به قلم است و مستحب است، اما جواب سلام تاسی به پیغمبر است و واجب است. من و شما هم وقتی نمازمان تمام می شود می گوییم: «السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته».

یعنی هر روز من و شما به پیامبر سلام می کنیم. این را بدانید که پیامبر اکرم ترک واجب نمی کند... اما آیا ما جواب پیغمبر را در نماز می شنویم؟ نمی شنویم. چرا؟ چون گوش ما معیوب است. چشم ما معیوب است. اعضا و جوارح ما معیوب اند و این به واسطه معصیت است. چون معیوب است، جواب سلام را نمی شنود، جواب سلام پیغمبر را نمی شنویم، والاّ او جواب سلام را می دهد.

گوش شنوا

در حالات یکی از علما آمده وقتی از نجف به شهر خود برگشت از او سؤال کردند: «آقا شما جواب سلام پیغمبر را می شنوی؟» گفت: «اگر من جواب سلام پیغمبر را نشنوم، نماز نمی خوانم». پس معلوم می شود که این دل، گوش، چشم و قلب های ما آمادگی ندارند. گفت من تسبیح درختان را می شنوم. من تسبیح سنگها را می شنوم. (یسبح لله ما فی السموات و ما فی الارض) آیا وقتی که تسبیح سنگ و درخت را می شنوم، سلام پیغمبر را نمی شنوم؟

ولایت، روح عبادت

به هر حال مهمترین مسأله ولایت است. در طول عمر اسلام از وقتی خسارت ها به ما وارد شد که مسأله ولایت را از مسیر الهی خارج کردند. و مردمان به جای پذیرش ولایت ائمه حق و تحت تربیت حجت حق قرار گرفتن ائمه باطل را پذیرفتند.

ص: ۵۵

مردمی که اقامه نماز حقیقی نکردند و ولایت ائمه حق را قبول نکردند. به جای اینکه اقامه ولایت کنند، کاری کردند که دختر پیغمبر اکرم به کنار قبر پدرش می آمد و در سایه بیت الاحزان با حسن و حسین علیهما السلام می نشست و به گریه و شکایت از بعضی امت می پرداخت. مگر انقلاب را چه چیزی ایجاد می کند، جز ولایت؟ انقلاب را نماز حقیقی ایجاد می کند. آمدند خدمت علی علیه السلام و گفتند: «به زهرا علیها السلام بگو این قدر گریه نکند.» آنها به جای اینکه از خود بپرسند چرا دختر پیغمبر چنین بی قراری می کند و پاسخگو باشند، می خواستند صورت مسأله را پاک کنند.

امیدواریم ما جزو اقامه کنندگان نماز، روزه داران حقیقی و متوسلین به ائمه اطهار باشیم. ان شاء الله.

قال الله تبارك و تعالی فی کتابه الکریم: «و ما یرید الله ليجعل علیکم من حرجٍ و لکن یرید لیطهرکم و لیتیم نعمته علیکم لعلکم تشکرون» (۱) خدا نمی خواهد شما دچار مشقت شوید، و لیکن می خواهد پاکتان کند و نعمت خود را بر شما تمام سازد، باشد که شکر به جای آرید.

عبادات و تمام اوامر و نواهی حضرت حق براساس حکمت و در حقیقت به اراده او و با حکمت او است. بعضی از عبادات ها و مناسبتها خصوصیت بارزی دارند، در طول سال قابل تکرارند. مثل اینکه ما در سال، یک مرتبه ایام حج داریم. بعضی از عبادات و مناسبتها در ماه قابل انجام هستند مثل فضیلت نماز اول ماه، وسط ماه و آخر ماه، پنج شنبه اول ماه، پنج شنبه آخر ماه، و چهارشنبه دهه وسط ماه که روزه اش دارای اجراست. اما آن عبادتی که هر روز در میان عبادات تکرار می شود و دارای فضیلت

ص: ۵۷

خاص نیز می باشد، نماز است. نماز پیوند معنوی با خداست. این ارتباط حتی در عرصه های دیگر نیز انسان را روحیه و جسارت می بخشد. نماز دارای پنج وقت و هر روز تکرار می شود. در همین پنج وقت، دارای مقدمات و مقارناتی هم هست. ابتدای آن طهارت جسم است و آخر نماز طهارت روح. اگر اول نماز طهارت جسم باشد و آخر نماز هم طهارت جسم باشد، نماز گزار حظ و بهره ای از نماز نبرده است. طهارت جسم در اول قرار می گیرد، ولی عمده طهارت روح است که در آخر و بعنوان نتیجه قرار گرفته. لذا نماز با تکبیر شروع می شود و با تسلیم و شهادت تمام می شود. یعنی با سلام به پیغمبر و آل او که در واقع ختم به ولایت و نبوت است. در سوره عنکبوت آمده که «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (۱) از امام صادق علیه السلام سؤال کردند که منظور از صلاه چیست؟ امام علیه السلام فرمود: «نحن الصلاه و نحن الزكاه؛ ما ییم نماز و ما هستیم زکات». باطن و حقیقت این است. آن چیزی هم که مهم است و باعث صحت اعمال و عبادات می شود، همین ولایت است.

در آیه شریفه ای که در ابتدا بحث قرائت شد دقت کنید. «و ما یرید الله لیجعل علیکم من حرج؛ خدا هیچ زمانی نخواسته در دینش حرجی برای شما قرار دهد». اهل فن می دانند که «من حرج» مطلق است و نکره. یعنی هیچ گونه حرجی در دین برای شما قرار ندادیم. پس اگر حرجی در دین نیست، این عبادات و اعمال برای چیست؟

ص: ۵۸

«ولكن يُريدُ ليطهرکم و لیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون»؛ اراده ما بر این قرار گرفته که شما را طاهر کنیم و نعمت را برای شما تمام کنیم شاید شکرگزار شوید.

این آیه درباره نماز، وضو و غسل است که وقتی آب گیرتان نیامد، باید به خاک پاک تیمم کنید. می فرماید: «و ما یریدُ الله لیجعل علیکم من حرج...» (۱) خداوند برای شما سختی و حرج در دین خود قرار نداده. پس نمی توان گفت آب گیرمان نیامد وضو و غسل هم نباشد پس چرا باید تیمم کرد؟ آیا این زحمت نیست؟ باید گفت که زحمت نیست «ولکن یرید لیطهرکم». خدا می خواهد شما را طاهر و پاکیزه کند. ظاهر این مطلب این است که ما می خواهیم شما را از کثافات جسم و ظاهری پاک کنیم. جمله «لیتم نعمته علیکم» در مقام بیان چه مطلبی است؟ این آیه حقیقتی را می خواهد بیان کند. در سوره مائده پیرامون اتمام نعمت می فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیتُ لکم الاسلام دینا» آن نعمتی که می خواهیم بر شما تمام کنیم، نعمت ولایت است و تمام نعمت، همین نعمت ولایت است. در زیارت جامعه کبیره آمده است: وجعل صلواتنا علیکم؛ دعا و صلوات ما را بر شما قرار داده است. ما خصنا من ولایتکم. و آنچه که تخصیص داده ما را به آن ولایت شما. طیباً لخلقنا و طهارهً لانفسنا، و تزکیهً لنا، و کفارهً لذنوبنا. (۲) این بیان همان مطلب است که

ص: ۵۹

۱- ۱. مائده، ۶.

۲- ۲. خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم بودند که موجب شدند دامن ما از شرک و بت پرستی که بزرگترین آلودگی و ظلم است پاک شود.

شیعه از نور شما ائمه است که خلقت او پاک است و شما ائمه باعث پاکی ما شدید.

اینکه فرمود باطن الصلاه ولایتنا، و باطن الصوم معرفه جدنا تصور نشود که باطن نماز یک چیزی می خواهد بگوید و باطن صوم چیز دیگری را؛ چرا که (کلهم من نور واحد) است. همان گونه که باطن نماز ولایت ائمه اطهار است، باطن روزه هم ولایت ائمه است. باطن روزه هم معرفت پیغمبر است و هم معرفت ائمه معصومین علیهم السلام این ها همه نور واحدند. منتها امام صادق علیه السلام در این روایت به ابعاد و جوانب مختلف اشاره نموده است.

روزه یا صبر

ذیل آیه شریفه از ائمه نقل شد که: این روزه همان صبر است. قرآن می فرماید: «واستعينوا بالصبر والصلاه و انها لكبيره إلا على الخاشعين». اشاره ما بر اساس همین عنوان است؛ چرا که در قرآن کریم خود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیامبران خدا به عنوان نمونه صبر معرفی شده اند. صبر وقتی به نهایت درجه می رسد، اجر صابرين هم به غیر حساب است.

وقتی جابر بن عبدالله انصاری مریض شد، امام باقر علیه السلام به ملاقات ایشان آمد. جابر گفت: «من از جوانی، پیری؛ از سلامتی، مریضی و از زندگی، مرگ را دوست دارم». امام باقر علیه السلام فرمود: اگر خدا پیری را بدهد، پیری را، اگر جوانی را بدهد جوانی را؛ و اگر سلامتی را بدهد، سلامتی را دوست دارم و اگر هم بیماری را بدهد، مریضی را دوست دارم و در میان مرگ و زندگی اگر زندگی

عطا کند، زندگی را و اگر مرگ را نصیب کند، مرگ را خواهانم. جابر دارای مقام تسلیم بود. گفت: «من تسلیم هستم اگر مریضی باشد، مرض را و الاذن که در حال پیری هستم، پیری را دوست می دارم. تسلیم همین امرم». ولی مقام امام باقر علیه السلام مقام رضا بود. از مرحله تسلیم بودن گذشته، و به نهایت درجه رسیده بود... در ماه مبارک رمضان صبر عارفانه خوابیده است. لذا انسان باید در این ماه به بزرگترین صبر که صبر در مقابل گناه است دست یابد و آن را بخواهد.

ثمره شجره طیبه

تمام فروعاتی که هست، فرع شجره طیبه ولایت است. نماز فرع شجره ولایت است. زکات، روزه و خمس همگی فرع اند. که فرمود: اصلها ثابت و فرعها فی السماء. و تمام گناهان فرع شجره خبیثه طاغوت هستند که انسان باید خود را از این شجره خبیثه دور نگه دارد، توجه داشته باشد و در نگهداری آن شجره طیبه کوشش کند. این ماه در واقع هنگامه محکم کردن این ریسمان، یعنی ولایت است.

امیدواریم که خدای متعال ما را جزو والیان این حضرات علیهم السلام قرار بدهد و حضرت حق توفیقی بدهد که تحت توجهات ولی عصر خادم این نظام، مملکت و دین خدا باشیم.

... «و نفس و ما سویها * فالهمها فجورها و تقویها * قد افلح من زکیها * و قد خاب من دسیها» (۱۲) سوگند به جان آدمی و آن کس که آن را با چنان نظام کامل بیافرید و در اثر داشتن چنان نظامی خیر و شر آن را به آن الهام کرد، هر کس جان خود را از گناه پاک سازد رستگار می شود و هر کس آلوده اش سازد زیانکار خواهد گشت.

محضر استاد

اگر در زندگی حضرت امام رحمه الله مطالعه ای کنیم، می بینیم امام رحمه الله ، هفته ای یک روز برای طلبه ها درس اخلاق داشته اند. از استاد شهید مطهری درباره درس اخلاق و تاثیرات آن جمله ای به این مضمون نقل شده است: «هفته ای که درس امام را درک می کردم تا هفته بعد و در طول یک هفته ما واکسینه می شدیم. تا می خواست آن حالت ذکر و توجه ناشی از درس اخلاق امام از بین

ص: ۶۲

برود، دوباره نوبت درس می رسید».

این سخن کسی است که مدت ۱۲ سال از درس و محضر امام استفاده کرده و خودش اهل دل و اهل سیر و سلوک است. مسأله خودسازی خیلی مهم است و عمده مسأله این است که انسان ساخته بشود.

تأثیر خودسازی

امام رحمه الله از کسانی است که با خودسازی توانست این کار سترگ را به انجام برساند. ایشان وقتی وارد بحث اخلاق و عرفان می شود، حتی صحبتش نسبت به استادش با اساتید دیگرشان کانه فرق می کند. امام، لفظ روحی له الفداء را به کار می برد و می گوید: «شیخ ما، آن پیر ما روحی له الفداء».(۱)

بدون تردید هر کدام از بزرگان هم که به این درجه رسیدند، یکی از این اساتید بزرگ را داشتند و توانستند به خودسازی پردازند و به این مرحله برسند؛ به مرحله ای که نفس ایشان هم گرم و گیر است تا جایی که اگر قلم به دست گرفتند آن قلم موثر است و یک جمعیت سی و شش میلیونی را متحول می کند. نفس او لشکر صد هزار نفری را به سوی جبهه ها به راه می اندازد و یا وقتی به گوش دیگران می رسد، باعث تأثیر می شود. ناگفته نماند

ص: ۶۳

۱- ۱. علاقه مندان به کتب مختلف اخلاقی امام از جمله «چهل حدیث» مراجعه فرمایند. در جای جای کتاب علاقه امام به استاد خود، موج می زند.

که در هر دوره ای عده ای هستند که می خواهند این راه بدون پیرو بماند، اصولاً مردانِ الهی با دشمنان فراوانی روبه رو بوده اند که سعی داشته اند از پیوستن مردم به دین، اسلام و قرآن جلوگیری نمایند.

به این آیه که بسیار تکان دهنده است دقت کنید: «يوم يعرض الظالم على يديه. يقول يا ليتني اتخذت مع الرسول سبيلاً»؛ (۱) عجیب است مثل اینکه روز قیامت کافرین وقت به دندان گرفتن انگشت خود را پیدا نمی کنند، بلکه پشت دست خود را به دندان می گیرند و می گویند: «ای کاش ما هم یک راه مسالمت آمیزی با پیغمبر تو در پیش می گرفتیم». در دنباله آیه می فرماید: «يا ويلتا ليتني لم اتخذ فلانا خليلاً». خدایا ای کاش با فلانی دوست نمی شدم و رسول تو را دوست خودم قرار می دادم.

این آیه شأن نزولی دارد. می گویند درباره فردی به نام عقبه و عبید است که این دو نفر خیلی با هم دوست صمیمی بودند. در عالم دوستی باید دقت کرد؛ چون خیلی موثر واقع می شود و خیلی اتفاق می افتد که یک دوست می خواهد عین رفیقش حرف بزند، راه برود، لباس بپوشد و از حرکات دوستش تقلید کند. عبید عجیب به پیامبر علاقه داشت. هر زمانی که مهمانی تشکیل می داد یا از سفر برمی گشت و مراسمی داشت پیغمبر را دعوت می کرد. در یکی از مهمانی ها پیغمبر به عبید فرمود: «تا تو شهادت به وحدانیت خداوند ندهی، من از سفره تو لقمه ای بر نمی دارم و

ص: ۶۴

چیزی نمی خورم؛ چون این سفره، سفره ای است که به دست یک مشرک پهن شده است.» عیید شهادتین را گفت و به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر اقرار کرد. فردای آن روز عیید به دوستش عقبه رسید و گفت: «شنیده ام که به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر ایمان آوردی؟» عیید گفت: «بلی. من راضی نبودم که کسی از سر سفره من بدون بهره بلند بشود. پیامبر مهمان من بود و من هم به او احترام گذاشتم». دوست عیید اصرار و تهدید کرد که اگر قرار است ما باز هم با هم دوست باشیم و رفاقت کنیم، باید بروی و به آن شخص (پیامبر) اهانت بکنی. این شخص برگشت و این آیه درباره او نازل شد: «یوم یعض الظالم علی یدیه یقول یالیتنی اتخذت مع الرسول سیلاً». ای کاش ما هم قبول می کردیم و با رسول تو این راه را می رفتیم. این ظلم بزرگی است بر خودش که از وجود رسول و این انقلاب عظیم پیغمبر بی بهره شد و از قافله انسانیت عقب افتاد.

برنامه ای برای حرکت

هر کاری اگر بخواهد نتیجه بخش باشد باید طبق نظم و برنامه صورت گیرد.

به عنوان یک انسان در همه مراحل زندگی باید با یک برنامه حرکت کنیم و طبق آن برنامه به خصوص به خودمان پردازیم. ماه رمضان بهترین وقت و زمان برای خودسازی است.

در حالات حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم می نویسند که: یدأب فی

صیامه و قیامه و لیالیه و ایامه. وقتی که ماه شعبان می شد، حضرت بساط رختخواب را جمع می کرد و اصلاً دأبش و روشش این بود که هم روز، هم شب و هم سحرگاهان همیشه در حال ذکر و توجه به خدای متعال بود... ما هم از خدای متعال بخواهیم که ما را جزو انقلابیون پیروان پیامبر و جزو آنهایی که این آیه در حالاتشان آمده، باشیم. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». امام صادق علیه السلام فرمود: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا يَمُوتُونَ بَلْ يَنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ»؛ (۱) آنهایی که با حیات طیب و پاکیزه زندگی کردند هرگز مرده نیستند، بلکه آنها از یک حیات به حیات، از یک خانه به خانه دیگری انتقال پیدا می کنند.

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: بزرگترین سرور و لذت مؤمن، همین حالت است که انسان لفظ «یا ایتها النفس المطمئنه» را بشنود که آخرین مرحله نفس است.

آرزو می کنیم که ما قدرشناس این انقلاب عظیم و کسانی که این راه را رفتند و آن را برای ما هموار کردند، باشیم. هر قدمی که شما روی خاک سرزمین اسلام و مرزهای آن برمی دارید، خون شهید ریخته شده باید مراقب بود و حرمت این خونهای گرانبها را نگه داشت.

پروردگارا ما را اهل تزکیه، تهذیب و اخلاق قرار بده؛ خدایا همه ما را جز بهترین دوستان اهل بیت مقرر فرما.

پروردگارا زندگی ما را زندگی همراه با پاکی و صداقت قرار بده.

ص: ۶۶

قال الله الحكيم: «وقد احسن كل شئ خلقه و بدأ خلق الانسان من طين ثم جعل نسله من سلاله من ماء مهين ثم سواه نفخ فيه من روحه و جعل لكم السمع و الابصار و الافئده قليلاً ما تشكرون».(۱)

[خدا] خلقت همه چیز را نیکو کرده، و خلقت انسان را از گلی آغاز کرد و نژاد او را از مایه ای از آب پست قرار داد، آنگاه وی را پرداخت، و از روح خویش در او بدمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفرید، اما شما چه کم سپاس می دارید!

هر کدام از مخلوقات خدای متعال برای خود اثر منحصر به فردی را دارد. خداوند برای هر دردی دوايي خلق کرده؛ خدا فیاض و خالق خیر است، هر چیزی هم که آفریده منشأ خیر است. چون منبع همه فیوضات خداست، هر چه که به اراده او لباس هستی پوشید نسبت به هستی خودش منبع خیر هم است. منتهی

ص: ۶۷

در تمام عالم امکان، آنچه که اشرف مخلوقات شد، انسان است. آنچه که مقصود و غایت برای خلقت انسان عنوان شد، شناخت و عبادت خداست. معنای (انا لله و انا اليه راجعون) همین است. رفتن به سوی او و قدم برداشتن به سوی الله. اما این رفتن راههای مختلفی دارد. شما اگر امروز زندگی صنفهای مختلف جامعه را مطالعه کنید، می بینید که فلاسفه از راه برهان و ادله، عارف از راه سیر و سلوک، مجاهدین فی سبیل الله با مجاهده و تلاش، محسنین با کار خیر و نیکو می خواهند به خدا برسند، هرچه هست، مقصد اوست. این رفتن و رسیدن به خدا بدون تهذیب و پاکی نفس نمی شود. مقدمه تهذیب نفس شناختن خود است که این شناخت نفس خود خیلی مهم است. این مسأله به عنوان بحث معرفت نفس در کتب اخلاقی ما مطرح شده است.

انسان و دو جنبه مهم

انسان دارای دو جنبه می باشد که در قرآن کریم هم به این دو اشاره شده است: ۱_ جنبه ملکوتی و الهی ۲_ جنبه ناسوتی و مادی.

در آیات شریفه ای که قرائت شد، اشاره به همان جنبه مادی و ناسوتی انسان دارد که خدای متعال انسان را از طین، از ماء مهین آب بی مقدار و بی ارزش آفرید. سپس (ثم سواه و نفخ فيه من روحه). از روح خودش هم در این جسم دمید. بعد فرمود: «و جعل

ص: ۶۸

علوم را از دو راه به خوبی می توان آموخت: یکی از راه چشم و گوش و دیگر از راه قلب. اشراقیونی که جزء فلاسفه هستند و به حکما هم مشهورند، می گویند که این ظرف و قلب باید تمیز و تزکیه بشود تا «یزکیهم» اتفاق بیفتد. هر وقت تزکیه حاصل شود، نور علم در قلب آدمی تجلی پیدا می کند. علم حقیقی هم همین است که در اثر تقوا و تزکیه پیدا می شود. «واتقوا الله - يُعلمکم الله» (۱) تقوا پیدا کنید که خدا شما را مورد تعلیم قرار می دهد. علم به عنوان نور معرفی شد: (لیس العلم بکثره التعلیم والتعلّم بل هو نورٌ یقذفه الله فی قلب من یشاء) (۲) علم به زیاد یاد دادن و یاد گرفتن نیست، بلکه علم نوری است که خدا در قلب هر که بخواهد قرار می دهد. در قرآن کریم، خدا خود را نور معرفی می کند و می فرماید: «الله نور السموات و الارض» (۳) در نتیجه انسان اگر تزکیه و پاک شد، نور خدا، معرفت خداشناسی و نور معرفت در دل او متجلی می شود. این علم و معرفت مهمترین علم است؛ چون انسان معجونی است که در یک سمت: «فدنی فتدلّی فکان قاب قوسین او ادنی» (۴) حتی فرشته به آنجا راه ندارد. البته اینجا تشبیه معقول به محسوس است، و الاّ خدا نه مکان دارد و نه در زمان

ص: ۶۹

۱- ۱. بقره، ۲۸۲.

۲- ۲. نک: «اصول کافی»، ج ۱، ص ۲۹.

۳- ۳. نور، ۳۵.

۴- ۴. نجم، ۹.

می گنجد و نه در وقت. «دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی». دو کمان یا کمتر از دو کمان مانده که پیغمبر به خدای متعال برسد. این تشبیه معقول به محسوس است، والا خدای متعال همه جا هست و پیغمبر اکرم همه جا به خدا نزدیک است. مقرب بودن به معنای نزدیکی مکانی نیست. وقتی اشاره کردند به جبرئیل که چرا حرکت نمی کنی، گفت: «لَوْ دَنَوْتُ لَأَخْتَرْتُ» (۱)؛ اگر نزدیک شوم می سوزم.

راوی می گوید: روزی در محضر امام معصوم علیه السلام با رفقا و دوستان خویش نشسته بودیم. نگاه به آسمان کردم و دیدم این آسمان چقدر زیباست که خدای متعال می فرماید: «انا زینا السماء الدنيا بزينة الكواكب» (۲). دیدم خیلی زیباست. این چه خالقی است؟ و چه قدرتی است؟ امام علیه السلام فرمود: همان گونه که شما الان به آسمان نگاه می کنید و می بینید که آسمان این قدر زیباست، ملائکه هم از آسمان به زمین نگاه می کنند و نور مومنین برای آن ها از نور ستارگان زیبا تر است. نور مومنین از نور ماه بیشتر است. زمین نسبت به آسمان خودش آسمانی است. نور انسان مومن بیش از نور ملائکه الله است؛ چون او این نور را کسب کرده و به دست آورده. پس این «دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی» در یک طرف روحانیت و معنویت قرار گرفته است. از سوی دیگر جنبه

ص: ۷۰

۱- ۱. «المناقب»، ج ۱، ص ۱۷۸؛ «بحار الانوار»، ج ۱۸، ص ۳۸۲.

۲- ۲. صافات، ۶.

«ثم ردناه اسفل سافلين»^(۱) یا «اولئك كالانعام بل هم اضل»^(۲) بیان گر این جنبه ناسوتی و مادی انسان است.

حکایت

شخصی می گوید پس از تحصیل با یکی از رفقایم از نجف اشرف برمی گشتم. پیش خودم فکر کردم که در شهر ما دیگر کسی مثل من وجود ندارد و پیدا نمی شود؛ چرا که من چند سالی به نجف رفتم و درس خوانده ام و الان دیگر یکه تاز میدان شهر هستم. یک مرتبه دیدم بدون اینکه حرفی بزنم، آن اهل دل که همراه من بود برگشت و به من گفت: «تو با یک، باربر هیچ فرقی نداری». خیلی تعجب کردم که او دارد از دل من حرف می زند. پرسیدم: «چطور؟» گفت: «به خاطر اینکه تو هنوز تزکیه نشده ای». کسی که بار گذاشته اند روی دوشش و پشت سرش را نمی بیند و اگر کسی دست روی شانه اش بگذارد باید برگردد تا او را بشناسد. تو هم باید برگردی تا بشناسی. اگر برگشته شناختی، آن موقع یکه تازی و معلوم می شود که حقایق را می بینی و درک می کنی!»

الآن که دو تا اصطلاح بلد شدی این دو تا اصطلاح، یک معرفی نامه، مدرک، حکم و... انسان را به جایی نمی رساند.

ص: ۷۱

۱- ۱. تین، ۵.

۲- ۲. اعراف، ۱۷۹.

حتی ممکن است گاهی همین حکم ها و مسؤولیت ها باعث عاقبت به شری انسان بشود و انسان نتواند در مقابل این حکم انجام وظیفه بکند و در مقابل این مسؤولیت ها بایستد و مسؤولیت بر او غلبه کند. انسان با تهذیب و تزکیه یک تاز میدان می شود نه با انباشت علوم و اطلاعات!

نعمت و شکر آن

«ثم سَوَّاهُ فَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»؛ (۱) ما این سمع و ابصار را به شما دادیم به عنوان نعمت که شما در مقابل آن شکرگزار باشید». درباره سمع و بصر با عنایت به ترتیب آیه، می گویند وقتی که انسان به دنیا می آید در اولین مرحله سمع و گوش انسان کار می افتد و بعد بصر و چشم. لذا قرآن سمع را بر بصر مقدم کرده است؛ چون بصر از تاریکی آمده به روشنایی طول می کشد تا قدرت دید پیدا کند، اما سمع نه، گوش انسان می شنود. لذا فرموده اند که وقتی انسان به دنیا آمد با صدای اذان و اقامه در گوش راست و چپ او فطرتش را بیدار کنید. (۲) اما افئده... این قلب صنوبری که در سمت چپ بدن وجود

ص: ۷۲

۱- ۱. سجده، ۹.

۲- ۲. در روایات آمده است: کودکان که به دنیا می آیند «حدیث العهد بالرب» هستند. زمان زیادی از عهد ایشان با پروردگار عالم نمی گذرد. وقتی کودک متولد می شود او را با اذان و اقامه نسبت به عهدش متذکر شوید.

دارد، این نیست و آن قلب مورد نظر یک حقیقت بالاتر از این است. یعنی جان انسان حقیقت انسان، که درک می کند حقایق عالم را.

انسان باید خودش را بشناسد. این نیروی حساسی را که در وجودش نهفته است، شناسایی بکند و راه بیفتد. اولین نفسی که باید شناخته شود نفس الهیه است. ما هشت تا نفس داریم. این که گفته اند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» یا «اعرفکم بنفسه، اعرفکم بربه» یا «اعلمکم بربه» و «افضل العلم معرفه الانسان بنفسه» این کدام نفس است؟ یکی این است که انسان این روح الهیه را بشناسد که این قدرت در وجودش هست تا به این مرحله برسد. هر درسی زمان و مکان خاص و مناسبی می خواهد. ماه مبارک رمضان یکی از همان زمانهای مناسب است که خاصیت بارزش تقویت همین جنبه الهیه و روحانی انسان است. بدون این شناخت امکان نجات وجود ندارد. انسان وقتی معرفت پیدا کرد و خود را شناخت، برای حفظ گوهر انسانی خویش تلاش می کند. خود را از هر چه نافرمانی است دور نگه می دارد. حضرت فرمود: «الصيام جُنة من النار و الصيام زكاه الابدان». وجود انسان هرچه که گناه در او جمع شده با روزه آب می شود. انسان در این ماه برای خودش سپری در مقابل آتش جهنم درست می کند. آن تعبیری هم که در روایات ما آمده است که پل صراط از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر است، همین مسأله گذشتن از شهوت ها و معاصی است. گذشتن از یک لحظه لذت، میل و خواهش درونی برای خدا. دنیایی که اگر حقیقت و معنای واقعی اش روشن بشود، آن وقت

انسان می فهمد که چه مصیبتی است. دنیایی که حضرت علی علیه السلام فرمود: «الدنيا تَغُرُّ و تَضُرُّ و تَمُرُّ» (۱). این دنیا می رود و در عین گذر گول هم می زند و ضرر هم دارد که حقیقت دنیا همین غرور است. شهوت، غضب و... همه معاصی و گناهان آتشی هستند که باید از آنها پرهیز و به خدا پناه برد.

خدایا پاکم نما

در دعای روز سیزدهم این ماه شریف می خوانیم: «اللهم طهرني فيه من الدنس و الاقذار». خدایا مرا در این روز از زشتیها و کثافات درون و باطنی مثل حسد، کینه، حرص، سوءظن و هر آنچه بدی است پاک کن. درون و بیرونم را با هم، هم آهنگ کن و از هر نوع آلودگی طاهرم ساز.

توجه به خودسازی

دستگیری از دوست و رفیق و نجات آنها از گناه، از مسائل بسیار مهمی است که امروز بی توجهی به آن یکی از مشکلات جامعه ماست. بعضی از جوانها سرپرست ندارند و کسی نیست آنها را جمع کند و راهنمایی نموده و از اسلام دلسوزانه برایشان بگوید. متأسفانه یک عده هم با انواع و اقسام اقدامات به جای این که امر به معروف و نهی از منکر را تقویت کنند، در مقابل این حکم الهی می ایستند!

ص: ۷۴

در نهج البلاغه از حضرت امیرالمومنین علیه السلام جمله ای بدین مضمون نقل شده است (۱): شما دوستان را زیر آفتاب می بینید که صورتش با تابش نور خورشید می سوزد. شما دستش را می گیری و از زیر آفتاب بیرون می بری؛ اما اگر دوست تو در منجلاّب گناه، بد اخلاقی، بد برخوردی با ارباب رجوع قرار گرفت، هیچ موقع همکار و دوست نمی گوید دوست من خوب بود، این گونه برخورد نکنی و به هر صورت او را ارشاد و راهنمایی نمایند و او را نصیحت کنند. ما قدر آنهایی را که این گونه هستند باید بدانیم، آنهایی که عیوب ما را مشفقانه تذکر می دهند ناصح اند خیرخواه ما هستند....

نتیجه این که مرحله اول شناخت نفس الهیه است که همان «سوّاه و نفخ فیه من روحه و جعل لکم السمع والابصار و الافئده قليلاً ما تشكرون». اگر همه ما به شناخت نفس خویش قدرت پیدا کنیم و در راه تزکیه نفس و سازندگی وجودمان که خود عالم بزرگی است تلاش نمائیم یعنی شکر بخشی از نعمتهای الهی را به جای آورده ایم. ان شاء الله که چنین باشیم.

بار پروردگارا همه ما اهل شکر و ذکر مقرر فرما! خدایا زشتی گناهان و نافرمانیت به همه ما نشان بده! الهی توفیق توجه، انابه، توبه و تقرب به همه ما کرامت فرما.

ص: ۷۵

هدف خلقت

قال الله الحكيم في محكم كتابه: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم: «افحسبتم انما خلقناكم عبثا ثم الينا لا ترجعون».(۱)

آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه آفریده ایم هرگز به ما رجوع نخواهید کرد؟

در بحث گذشته معلوم شد که بشر برای شناخت، تربیت و تهذیب آفریده شده و این تهذیب بدون شناخت خود میسر نیست. یعنی اگر انسان خود و نیروهای درونی و استعدادهای خود را نشناسد، ممکن نیست آن راهی را که خدا می خواهد بتواند، طی بکند و به نتیجه برسد. همچنین بیان شد که خودشناسی برای يك سالک الى الله که می خواهد به خدای برسد، مقدمه راه است.

تمام علومى که امروز رایج است و در مراکز علمى و

ص: ۷۶

دانشگاههای جهان تدریس می شود، هر یک موضوعی دارد. علمی مهم تر است که موضوعش مهم باشد. اگر شما می بینید توحید مهمترین و بزرگترین مطلب و علم است و در اولین مرحله دعوت پیامبران قرار گرفته، به دلیل مهم بودن موضوع آن است. موضوع علم توحید؛ خدا و خداشناسی است. چون توحید بحث خداشناسی است و پیرامون ذات اقدس الله صحبت می کند و در اولین مرحله از دعوت پیامبران قرار گرفته است. می توان گفت بعد از توحید مهمترین بحثی که در میان علما مطرح است، بحث اخلاق و مکارم اخلاق است. البته علوم دیگر هم خیلی مهم اند. نظیر اقتصاد، صنعت، بهداشت، تربیت بدنی، طب، جامعه شناسی و... موضوع علم طب بهداشت و تندرستی و یا موضوع تربیت بدنی، بدن انسان است، ولی هر یک از اینها به ظاهر انسان کار دارند. آنچه مهم است درون انسان است؛ چرا که انسان دارای دو صورت و جنبه است: یکی صورت ظاهری که خُلق اوست و دیگری صورت باطنی انسان است که خُلق، خوی و سیرت او می باشد.

همان گونه که ظاهر ما اعضا و جوارحی چون دست، پا، گوش و سایر جوارح بیرونی را دارد، درون ما هم همین گونه است. خُلق اشاره دارد به ساختمان بیرونی و خُلق به ساختمان درونی بشر توجه دارد.

از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل است: «إِنَّ اللَّهَ -أَحْسَنَ خَلْقِكَ

فَأَحْسِنْ خُلُقَكَ» (۱) خداوند تو را به این زیبایی آفریده. اندامهای به جا و عالی و چهره ای زیبا به تو عنایت کرده، تو هم درون خود و خلقت را زیبا کن و درون، خود را بساز.

امام سجاد علیه السلام هم در دعایش همین مطلب را از خداوند می خواهد و می فرماید: «كَمَا أَحْسَنَتْ خَلْقِي فَأَحْسِنْ خُلُقِي؛ همان گونه که ظاهر من را زیبا کردی، درون من را هم زیبا و نیکو قرار بده.» پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم از نظر جسمی کامل بود و یک کمال برای او محسوب می شد. باید هم پیغمبر از دیگران حتی از لحاظ جسمی هم سالمتر و شجاعت‌تر باشد و از سایر فضایل جسمانی نیز از دیگران برتر باشد؛ ولی خداوند پیامبر را با توجه به وضعیت جسمانی و ظاهری توصیف نکرده، بلکه خلق پیغمبر را توصیف نموده است: «فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَهِمْ فَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (۲) ای پیامبر تو با رحمت ما بر مردم نرم شدی؛ و اگر خشن و درشتخوی بودی، مردم از اطرافت پراکنده می شدند. در سوره ق خلق پیامبر را با صفت عظیم توصیف فرموده: «إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ». خلق و صفت درونی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را ستوده که درون تو زیباست و این رحمتی که مردم امروز می بینند از درون زیبای تو سرچشمه می گیرد.

ص: ۷۸

۱-۱. در کتاب «عین الیقین» مرحوم فیض نقل می کند. از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم اللهم كما احسنت خلقي فاحسن خلقي. در جای دیگر آمده است: اللهم حسنت خلقي فحسن خلقي.

۲-۲. ال عمران، ۱۵۹.

پس انسان باید خود را بشناسد. اما این خود چیست؟ یکی همان نفس الهیه است که فرمود: «و نفخ فيه من روحه» (۱) از روح خودش در آن دمید که این باید شناخته شود. دیگری نفس «ملهمه» است که در سوره «شمس» به آن قسم خورده و فرمود: «وَنَفْسٍ و ما سويها فالهمها فجورها و تقویها». قسم به نفس و آنکه بیاراستش، آن نفسی که زشتی گناه و زیبایی تقوی را به او الهام کرد. (۲) خداوند این گونه به این نفس قسم می خورد؛ نفسی که خوبی و بدی را می شناسد. اما بعد از مرحله شناخت نفس، یقظه و بیداری مهم است. یک سالک الی الله بعد از شناختن خویش باید در حال بیداری باشد. از غفلت و حواس پرتی پرهیزد و توجه داشته باشد که همیشه در محضر خداست. بیداری چیست؟ از حضرت علی علیه السلام در «غرر» روایتی نقل شده است: «الْيَقَظَةُ نَوْزٌ، وَالْيَقَظَةُ اسْتَبْصَارٌ؛ يَقْظُهُ و بیداری هم نور است و هم بصیرت». یعنی یقظه هم بیداری و روشنائی ظاهری است و هم روشنائی

ص: ۷۹

۱- ۱. قلم، ۴.

۲- ۲. تفاوت وحی و الهام: وحی آن است که مخاطب صدای متکلم را می شنود و گاهی هم شکل او را می بیند مثل اینکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله جبرئیل امین را در شکل دحیه کلبی می بیند و صدای او را می شنود ولی در الهام بدون شنیدن و دیدن، یک مطلب بر قلب مخاطب الهام و القاء می شود. و تفاوت دیگر اینکه وحی مختص پیامبران است ولی الهام به غیر پیامبران اختصاص دارد.

درون که به مراتب روشنایی درون از روشنایی و بینایی ظاهر و جسم مهمتر است. فرمود: «فَقَدْ الْبَصَرُ أَهْوَنُ مِنْ فَقْدِ الْبَصَرَةِ» (۱). انسان اگر چشم ظاهر نداشته باشد بهتر از این است که چشم درونش کور باشد و نبیند و بصیرت نداشته باشد و بدون آگاهی زندگی کند. امام علی علیه السلام فرمود: «اگر من خدا را نبینم، خدا را عبادت نمی کنم» (۲). این نه با دیدن چشم ظاهر است. این همان بصیرت داشتن و دیدن با چشم دل است. خدا را هرگز نمی توان با چشم سر دید (لا تدركه الابصار و هو يدرك الابصار). او لطیف و خبیر است و چشم ها نمی توانند او را درک کنند، ولی او دیده ها را درک می کند.

بیداری

مسأله مهم در این راه «بیداری» و «يقظه» است که متأسفانه این بیداری ما با همین نفس اماره و لغزشهایی که در زندگی ما اتفاق می افتد، دیر بوجود می آید. زمانی به بیداری می رسیم که مرگ می رسد. حضرت علی علیه السلام فرمود: الناس نيام و اذا ماتوا انتبهوا (۳). مردم همه در خوابند و حال آنکه چشمان ایشان باز است. و زمانی که می میرند بیدار می شوند و یا وقتی بیدار می شوند که مرده اند و

ص: ۸۰

۱- ۱. نک: «اصول کافی» ج ۲، ص ۵۹۱.

۲- ۲. نک: «بحار الانوار»، ج ۴۰، ص ۱۵۳؛ ج ۴۶، ص ۱۳۴؛ ج ۶۴، ص ۳۲۱؛ «ارشاد القلوب»، ج ۱، ص ۱۲۴.

۳- ۳. «بحار الانوار»، ج ۵۰، ص ۱۳۴؛ ج ۶۶، ص ۳۰۶.

مردن باعث بیداری آنها می شود. شدت و سكرات مرگ آنها را به خود می آورد و بیدار می كند و يك مرتبه چشم باز می كنند می بینند كه تمام وسایل و بساط زندگی به هم ریخته است. غافل شدن بد دردی است. غفلت سرمایه سوز است. خیلی تأکید کرده اند كه یكی از موجبات غفلت، فراموشی است. انسان باید بین خوف و رجا باشد. زیرا از يك طرف انسان را خلق كرد با جنبه: مِنْ حَمَاءٍ مَسْنُونٍ (۱) كه در سوره سجده و حجر اشاره شد و «خَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» و از طرف دیگر انسان را خلق كرد با جنبه: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ». (۲)

در میان این گیر و دار دائما در حال كنش و واكنش و عمل و عكس العمل است. اگر متوجه آن اول خلقت خود نباشد و آن را فراموش كند، انسانی متكبر و خودخواه می شود. برای همین در قرآن شریف فرمود: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ. خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصَّلْبِ وَالتَّرَائِبِ». (۳)

چرا تكبر؟

علی علیه السلام در روایتی فرمود: «عَجِبْتُ مِنْ إِبْنِ آدَمَ أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ كَيْفَ يَتَكَبَّرُ؟» (۴) من از این فرزند آدم تعجب می كنم كه اولش

ص: ۸۱

۱- ۱. حجر، ۲۶ و ۲۸.

۲- ۲. تین، ۴.

۳- ۳. طارق، ۵.

۴- ۴. «نهج البلاغه»، كلمات قصار، ۱۲۶ و ۴۵۴.

نطفه است و آخرش مردار و با این حال چگونه تکبر می کند!» خداوند انسان را این گونه خلق کرده و ملائکه هم که اعتراض کردند به خلقت انسان، شاید توجهشان به آن جنبه اول (مادی) انسان بود که در سوره بقره اشاره شده است: «أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء و نحن نسبح بحمدک و نقدر لک قال انی اعلم ما لا تعلمون» (۱). فرشته ها گفتند: «آیا کسی را می خواهی در زمین قرار دهی که در زمین فساد می کند و خونریزی انجام می دهد؟ و حال آنکه ما تو را تسبیح می گوئیم و می پرستیم». خداوند فرمود: «من چیزی را می دانم که شما از آن آگاهی ندارید». شاید «انی اعلم ما لا تعلمون» نگاه به «و نفحت فیه من روحی» داشت و «أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء» متوجه به «حماء مسنون» و «ماء دافق» بود. انسان در میان این دو جبهه است و باید تلاش کند.

در کتاب «اخلاق» شهید بزرگوار دستغیب آمده است: در حالت یکی از پادشاهان نوشته اند که وزیری داشت. این وزیر به درجه ای عالی رسیده بود و نزد سلطان ارج و قرب فراوانی داشت. گاهی مواقع دیده می شد که وزیر از دیده ها پنهان می شد و معلوم نبود کجا می رفت. روزی تعقیبش کردند. دیدند که به خرابه ای می رود و بعد از مدتی مکث در آن خرابه دوباره برمی گردد. دیگران که شاهد قرب و منزلت وزیر بودند گفتند: «چه

ص: ۸۲

جور می شود که وزیر را از نان خوردن بیندازیم و منزلت او را نزد شاه پایین بیاوریم و نگذاریم به مرحله بالاتر برسد:» پیش سلطان رفتند و سعایت کردند، ولی سلطان قبول نکرد و وزیر را احضار کرد. پرسید: «موضوع چیست؟» سپس سلطان دستور داد در خرابه را باز کردند و دیدند وسایل خارکنی و لباس خارکنی در داخل خرابه گذاشته است. هر چه خرابه را کردند تا به گنجی برسند، دیدند خبری نیست و چیزی مثل طرح و نقشه کودتا و امثالهم وجود ندارد. از وزیر پرسیدند: «پس برای چی به این خرابه می رفتی؟» گفت: «من قبل از اینکه وزیر بشوم، خارکنی بیش نبودم. الآن که به این مرحله رسیده ام، هر روز یک مرتبه به آن خرابه می روم و لباس وزیری را درآورده و لباس خارکنی را می پوشم و می گویم فلانی تو هنوز هم همان خارکنی. تو هنوز هم همان انسانی هستی که بودی!»

خدایا عقابم مکن

دعای روز چهاردهم ماه مبارک رمضان می خوانیم: «اللهم تؤاخذنی فیه بالعثرات؛ خدایا مرا به لغزشهایم مواخذه مکن.»

امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحمزه می فرماید: «الهی لا- تؤدبنی بعقوبتک و لا- تمکری فی حیلتک؛(۱) خدایا مرا با عقوبت ادب مکن. برای همین است که انسان در معرض لغزشها و گناهان قرار

ص: ۸۳

دارد. اگر خداوند بخواهد ما را به خاطر این لغزشها ادب کند، باید هر روز مواخذه بشویم. او چقدر رحیم است که ما را فوری مواخذه نمی کند، بلکه مهلت توبه و بازگشت می دهند.

از برکات ماه مبارک رمضان استفاده کنیم و وجود و درون خودمان و خُلق خود را زیبا کنیم. همانطور که فرمود: «تخلقوا باخلاق الله؛ خود را به اخلاق خدایی متخلق بکنید». اخلاقی که در پیغمبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام تجلی پیدا کرده است، اخلاقی که قرآن مروج آن است.

پروردگارا به عزت و آبروی خوبان در گاهت ما را به اخلاق حسنه مزین فرما.

قال الله الحكيم في محكم كتابه: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم: يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وكونوا مع الصادقين(۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید از خدا بترسید و قرین راستگويان باشید.

با سلام به حضرت ولی عصر علیه السلام و تبریک به مناسبت میلاد خجسته امام حسن مجتبی علیه السلام (۲) بحث و صحبت از امامت و مقام شامخ امام بحث بسیار مهم و سنگینی است. امانتی که آن در آیه شریفه آمده است چیست؟ «انا عرضنا الامانه على السموات والارض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وحملها الإنسان إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (۳)؛ ما عرضه کردیم امانت خود را بر آسمانها و زمین و کوهها پس هیچ یک قدرت پذیرش آن را نداشتند و ابا کردند از پذیرش آن و انسان این امانت را پذیرفت به درستی که او

ص: ۸۵

۱- ۱. توبه، ۱۱۹.

۲- ۲. این بخش از بحث در ایام میلاد امام حسن علیه السلام مطرح شده است.

۳- ۳. احزاب، ۷۲.

امامت عهدی است الهی که خدای متعال بعد از آنکه حضرت ابراهیم را مقام نبوت و خلیل بودن عنایت فرمود به آن عهد و مقام رسانید. ایمان به منزلت پیامبران و خلافت الهی و خلافت پیامبر، یعنی ایمان به مقام شامخ و منیع امامت که در این آیه شریفه به آن اشاره شده است. مصداق بارز امانت الهی جدای از قرآن شریف که امانت خداست، تکلیف، مسئولیت، مسأله امامت و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام است.

چون در این ایام بحث های اخلاقی مطرح است و مقصود این است که مقداری تذکر اخلاقی داده شود، به یکی دو نکته از زندگی امام حسن علیه السلام پیرامون اخلاق اشاره می کنیم. از افتخارات مکتب اسلام است که چنین شخصیتها و اسوه های عظیمی داریم.

مسأله اخلاق همان گونه که بیان شد بعد از توحید مهمترین علم است. خدای متعال هم در قرآن شریف بعثت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله را برای تکمیل مکارم اخلاق قرار داده است. خود پیغمبر هم می فرماید: «بُعْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ». این مسأله را در زندگی ائمه اطهار، بخصوص در زندگی امام حسن علیه السلام می توان دید. همان امامی که کار او مقدمه عاشورا و حماسه عظیم و شورانگیز کربلاست. او است که زمینه کربلا- و عاشورا را درست می کند و بر علیه ظلم قیام همه جانبه به راه می اندازد، مجاهد فی سبیل الله و زاهدترین مرد بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام است. خود پیغمبر و ائمه اطهار درباره شخصیت امام حسن علیه السلام صحبت های عجیبی

دارند. در تاریخ نوشته اند که امام حسن علیه السلام بیست و پنج بار با پای پیاده از مدینه به سوی مکه برای عبادت و انجام اعمال حج رفته است. هنگام وضو حضرت را می دیدند که این استخوانهای بدنش روی هم قرار ندارد و بدن حضرت می لرزد. از حضرت سؤال می شد که علت این حالت چیست؟ می فرمود: «هر کسی که می خواهد وضو بگیرد و به محضر خدای متعال برود، باید این گونه باشد». نوشته اند که حضرت سه مرتبه تمام اموال خودش را با خدا قسمت کرد و نصف آن را در راه خدا به فقرا داد. حتی نعلین و کفشی که داشت، آن را هم با خدا تقسیم کرد و بخشید.^(۱) «خضوعی» که در دعای روز پانزدهم ماه مبارک رمضان از خدا می خواهیم: اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ طَاعَةَ الْخَاشِعِينَ. خشوع در حد اعلی در امام حسن علیه السلام وجود داشت. این خشوع و خضوع نتیجه همان معراجی است که انسان می رود. بنده خدا به وسیله ایمان، عمل صالح و مجاهدت عروج معنوی و روحانی پیدا می کند همه انسانها معراج دارند، پرواز به سوی معبود دارند. منظور ما از معراج در این بحث نهایت خضوع، بندگی و مظلومیت بندگان خاص الهی است. منظور معراج روحانی چون «الصلوة معراج المؤمن» است. حضرت آدم علیه السلام یک معراجی داشت. معراج حضرت آدم، اوج بندگی، توبه و همان گریه آدم در فراق بهشت بود. حضرت یعقوب نیز معراج داشت و گریه و ابتلا به فراق

ص: ۸۷

۱-۱. یعنی اگر دو جفت نعلین داشت یک جفت آن را به فقرا داد.

حضرت یوسف برای حضرت یک نوع معراج بود. و بالاخره حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله معراج داشت و معراج رسول اکرم همان حالتی بود که ابوجهل ها دنبال پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله راه می افتادند و به بدن پیغمبر سنگ می زدند. اما پیغمبر اکرم تعرضی به این اشخاص نمی کرد و با عطف و رحمت و بزرگواری می گذشت همه اینها در راه خدا و برای خدا بود که موجب عروج ایشان بود. مصداق بارز «اذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما» (۱) ایشان بودند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام هم معراج داشت. شهادت او در حال نماز در محراب معراج دیگری است. امام حسن علیه السلام هم معراج داشت. امام حسن زمانی معراجش تحقق پیدا کرد که سجاده از زیر پایش کشیدند و لطماتی بر حضرت وارد شد. این معراج امام حسن علیه السلام است. هر کدام از بندگان به معنای اعم یک معراجی داشتند به عنوان رسیدن به مرحله ای عالی از بندگی در حد و توان خود. جدای از آن معراج خاص پیغمبر اکرم که در آیه «دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی» (۲) بیان شد. زندگی امام حسن علیه السلام و بعضی از حوادث زندگی وی برای هیچ یک از ائمه ما تحقق پیدا نکرده است. از جمله آن فرازهای مهم تدبیر امام در مقابل ظالم زمان خودش و چاره اندیشی اش برای حفظ اصل اسلام بود که به تعبیر حضرت امام خمینی رحمه الله (حفظ اسلام) از اهم واجبات و از نماز هم واجب تر است. از زکات هم مهمتر است. امام حسن علیه السلام در

ص: ۸۸

۱- ۱. فرقان، ۶۳.

۲- ۲. نجم، ۹ و ۸.

زمانه ای زندگی می کردند که با شرایط به وجود آمده خیلی از مردم در عصر و زمان امام حسن علیه السلام به گونه ای بودند که از وجود مبارک امام به عللی بهره نبردند و از حجت خدا دور افتادند.

در کتاب طرائف آمده است که شخصی از عراق به مدینه آمد و پیش عبدالله بن عمر رفت. از او سؤال کرد که خون پشه پاک است یا نجس؟ در یک مجلس بزرگی فرض کنید نشسته بودند که عبدالله بن عمر سؤال می کند: «شما از کجا آمده اید؟» می گوید: «از عراق.» عبدالله می گوید: «عجب مردمی هستید شما». خون پسر پیغمبر را می ریزید و جگر گوشه او را آنگونه تکه تکه می کنید و کسی را که پیغمبر اعضا و جوارح او را، اعضا و جوارح خودش می دانست این گونه می کشید، نمی گوید ریختن خونس حلال است یا حرام؟ آن وقت از من سؤال می کنید که خون پشه پاک است یا نجس؟ چه مردمی هستید؟ چرا آن موقع این سؤال را نکردید؟ چرا این سؤال را نکردید که پیغمبر فرمود: حُسَيْنٌ مِنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ فَأَنَّى أُحِبُّ مَنْ أَحَبَّهُ» (۱). چرا آن موقع این سؤال را نکردید؟

غنایم بخش

در ماه مبارک رمضان می گوئید: «اللَّهُمَّ سُدِّ فِقْرُنَا بِغَنَاكَ؛ خدایا این گرسنگی، تشنگی و عطش، را به غنای خودت مسدود فرما».

ص: ۸۹

۱- ۱. «کامل الزیارات»، ص ۵۲، باب ۱۴؛ «بحار الانوار»، ج ۳۷، ص ۷۴؛ ج ۴۳، ص ۲۶۱، ج ۱، ص ۲۷۰؛ «ارشاد مفید»، ج ۲، ص ۱۷۲.

دنیا محل سد جوع است و جای ماندن نیست. حضرت امام حسن علیه السلام همین گونه بود و به دنیا دلبستگی نداشت. وقتی آن مرد شامی آمد. امام علیه السلام را دید پرسید: «این کیست؟» گفتند: «امام حسن فرزند امیرالمؤمنین علیهما السلام است». بعد از شنیدن این جواب آن مرد شامی می گوید: «من بر اثر تحریکات و تبلیغات سوء معاویه آنقدر حقد و کینه به این خاندان پیدا کرده بودم که شروع کردم به امیرالمؤمنین و این خاندان بد گفتن و بعد دیدم که حضرت با آن خلق کریمانه اش در مقابل حرفهای من هیچ گونه تعرضی به من نکرد. حرفهایم که تمام شد، امام حسن علیه السلام فرمود: «احسبک غریبا؛ فکر می کنم که تو در این شهر غریبی. آیا گرسنه ای، تشنه ای، مکان نداری مرکب در اختیار نیست». در مقابل آن همه حرف بد این اخلاق و بزرگواری امام حسن علیه السلام است. وقتی امام حسن نماینده خدا و رسول خدا می شود اخلاقش این است. ما به عنوان شیعه و یک مسلمان و متدین و منتسب به این خاندان آیا نماینده امام حسن و خاندان پیغمبر هستیم؟

این شیعه و مسلمان هر کاری انجام بدهد به حساب رهبرانش گذاشته می شود. اینکه امام صادق علیه السلام فرمود: کونوا دُعَاءَ لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بغير السنتکم لیروا منکم الاجتهاد و الصدق والورع(۱) یا در جای دیگر وارد شده: کونوا لنا زینا و لا تکنوا علینا شینا، به خاطر همین است که عمل ما به حساب رهبران ما گذاشته می شود. امام

ص: ۹۰

فرمود: «با عملتان مردم را دعوت کنید و زینت ما باشید و مبادا زمانی باعث آبروی ما شوید.» اخلاق آن بزرگواران کریمانه است.

نقل است که وقتی امام حسن علیه السلام به عده ای فقیر می رسد و آنها تعارف می کنند حضرت می نشیند با آنها صحبت می کند و احوالشان را می پرسد و دعوت آنها را می پذیرد. البته این داستان در حالات امام حسین علیه السلام نیز نقل شده است. متقابلاً امام هم این فقرا را به منزل خودش دعوت می کند و می فرماید: الْفَضْلُ لَهُمْ. یعنی درست است که آنها من را دعوت کردند و من هم آنها را دعوت کردم امّا فضیلت مال آنهاست. چون آنها تمام هستیشان همان بود که مرا دعوت کردند، و لذا فضیلت مال آنهاست.

در مقام و منزلت امام حسن قدری بیندیشیم که چه مقام و منزلتی داشت. ائمه هدی با آن عظمت و عبادت آن گونه با دیگران برخورد می کنند. وقتی به مکه می رفتند نمی توانستند به راحتی بگویند: اللَّهُمَّ لِيْكَ. می دیدند که آن حضرت بدنش می لرزد و اشکش جاری است. امام حسن علیه السلام وقتی آیه قرآن را می خواند و می رسید به آیه ای که خطاب «یا ایها الذین آمنوا» دارد می فرمود: لِيْكَ، اللَّهُمَّ لِيْكَ. این نشان از عظمت و شکوه آن حضرت دارد.

با صادقین

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوی پیشه کنید و با راستگویان و صادقین باشید.

وقتی از امام صادق علیه السلام در مورد این آیه سؤال کردند، حضرت فرمود: [\(۱\)](#) «نحن الصادقون؛ صادقین ما هستیم.» همراه ما باشید. ما به مثابه خضریم برای شما. امام باقر می فرماید: «یاد ما و ذکر ما دلها را زنده می کند؛ إِنَّ ذِكْرَنَا لِيُحْيِيَ الْقُلُوبَ» [\(۲\)](#).

این است مکتب امام صادق و امام حسن مجتبی علیهما السلام. امیدواریم که ان شاء الله خداوند همه ما را جزو این بزرگواران و محشور شوندگان در رکاب این عزیزان مقرر فرماید و در این چند روزه عمر با پاکی زندگی کنیم؛ چرا که حضرت امام حسن علیه السلام فرمود: یا ابن ادم عَفَّ عَنْ مُحَارِمِ اللَّهِ فَكُنْ عَابِدًا. از محرّمات خدا بپرهیز تا بنده مطیع خدای متعال بشوی و خدای متعال شما را به عنوان یک بنده بپذیرد. خداوند در این روز پانزدهم ماه مبارک رمضان که میلاد امام حسن علیه السلام است عیدی ما را سلامتی ولی عصر (عج) و همه خدمتگزاران و خصوصاً سلامتی مقام معظم رهبری و آمرزش گناهانمان مقرر فرما.

پروردگارا همه ما را جزء امانتداران واقعی قرار بده! شناخت هرچه بیشتر به ما کرامت فرما! در انجام وظایف فردی و اجتماعی توفیق عنایت فرما.

ص: ۹۲

۱- ۱. «اصول کافی»، ج ۱، ص ۲۰۸، حدیث ۱ و ۲.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۲، ص ۱۴۴.

قال الله الحكيم في محكم كتابه: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم: «ولا تكونوا كالذين نسوا الله فانسيهم انفسهم هم الفاسقون» (۱) و مانند آن کسانی مباشید که خدا را فراموش کردند و خدا هم خود آنان را از یاد خداشان برد و ایشان همان فاسقانند.

روز شانزدهم ماه مبارک رمضان مصادف با سالگرد معراج نبی اکرم صلی الله علیه و آله است.

تکامل هر چیز، صعود از مرتبه خودش به مرتبه بالا-تر است. ترقی و تکامل جماد صعود جماد به مرحله نبات است؛ یعنی اگر جمادات، خاک، مواد معدنی به نباتات تبدیل شوند، این عروج آنها از منزل سفلی به منزل علیا و بالاست؛ و اگر در همان منزل باقی بمانند و به مرحله نبات نرسند و یا نبات به درجه حیات نرسد تکامل نیافته است.

ص: ۹۳

خدا به انسان می فرماید که متوجه نفس خودت باش، به نفس الهیه، نفس ملهمه و نفس اماره در کتاب الهی اشاره شده؛ نفس اماره در قرآن شریف و در حکایت حضرت یوسف و زن عزیز مصر به خوبی بیان شده است. این نفس اماره با انسان دائما در حال مبارزه است. امام سجاد علیه السلام در مناجات الشاکین اولین جمله اش این است: «الهی اشکوا الیک نفسا بالسوء اماره، و الی الخطیئه مبادره»^(۱) خدایا شکایت می کنم به تو از نفسی که به بدی فرمان می دهد، و مبادرت به خطیئه می کند و به معصیت و گناه حرص و ولع دارد». و بمعاصیک موله. و حرص دارد و سیر شدنی هم نیست. برای همین فرموده اند، نگذارید اولین گناه اتفاق بیفتد؛ چون اولین گناه که اتفاق بیفتد، گناهان بعدی را به دنبال دارد؛ هرچند گناه کوچکی باشد و در نظر انسان کوچک جلوه کند. البته گناه کوچک نداریم؛ چون تمام گناهان نافرمانی خداست و نافرمانی خدا خطای بزرگی است. بعضی از جاها هم که گناه کبیره و گناه صغیره مطرح شده، توجه به کیفر و عقوبتی است که برای گناهان کبیره معین شده، ولی برای گناهان صغیره عذابی مثل معاصی کبیره معین نشده است. حال آنکه گناهان کوچک هم به یک معنا کبیره اند. چون در هر حال معصیت خداست. بحث عمده این است که باید دید چه کسی مورد معصیت و نافرمانی قرار می گیرد. و لذا فرمود بزرگترین گناه آن است که صاحب گناه

ص: ۹۴

بگویند خطای من خیلی کوچک بود. مثل اینکه به شخصی بگویند: «چرا روزه ات را می خوری؟ چرا به نماز اهمیت نمی دهی؟ یا چرا نسبت به پدر و مادر بی توجهی و نسبت به اهل و عیال بد اخلاقی می کنی؟» آن شخص در جواب بگوید: «ای کاش همه گناه من بد اخلاقی با اهل و عیال یا بی توجهی به پدر و مادر و یا اهمیت قائل نشدن به نماز اول وقت بود!» یعنی این گناهان در نظر این شخص کوچک است که می گوید ای کاش تمام گناهان من این امور بودند. حضرت امیر علیه السلام فرمود: «أَشَدُّ الذُّنُوبِ مَا اسْتَهَانَ بِهِ صَاحِبُهُ» (۱) بزرگترین گناهان آن است که صاحب گناه آن را کوچک و سهل و ساده بگیرد». این بزرگترین گناه است که انسان بگوید گناه من کوچک است، یعنی خودش را نگاه کند در حالی که باید خدا را که مورد نافرمانی قرار می گیرد، مدنظر داشته باشد.

کنترل نفس

نفس امّاره اگر کنترل نشود، انسان را تنزل می دهد، نمی گذارد انسان به حیات انسانی برسد و تمام زندگی اش به گناه و معصیت آلوده می شود. از جمله اموری که بسیار مهم است مسأله نماز بویژه نمازهای واجب است آن هم نماز با حضور قلب و توجه، خضوع و گریه از خوف خدا که برای دوری از معصیت و حفظ پاکی اهمیت ویژه ای دارد.

ص: ۹۵

در زندگی امام سجاده و امام حسن و سایر ائمه علیهم السلام می خوانیم که در حال نماز هر روز گریه می کنند و این گریه ها هر روز در زندگی آنان تکرار می شود و وقتی به جمله مالک یوم الدین که می رسد، امام سجاده غش می کند و حالت تضرع دارد.

از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: «یا ابن رسول الله ما می دیدیم که امام سجاده علیه السلام در حال نماز به جمله مالک یوم الدین که می رسید، چند بار تکرار می کرد و صدایش تغییر می کرد». امام صادق علیه السلام در جواب فرمودند: «خدا رحمت کند پدرم امام سجاده علیه السلام را، ایشان می دانست در مقابل چه کسی ایستاده و برای همین آن گونه عمل می کرد».

یک سؤال

نفس اماره در وجود همه افراد بشر هست و انسان را راحت نمی گذارد. روایت است راوی بی پرده از پیغمبر اکرم سؤال کرد: «یا رسول الله، آیا در وجود شما هم شیطان وسوسه می کند؛ یعنی شیطان به سراغ شما هم می آید؟» (۱) حضرت در جواب آن شخص می فرمایند: «شیطانی أسلم بیدی». به من هم شیطان طمع دارد اما

ص: ۹۶

۱- ۱. این سؤال و جواب منافات با مقام عصمت ندارد، به این معنا که شیطان به عنوان دشمن انسان، در همه طمع دارد این دستور صریح قرآن کریم است که (اذا قرأت القرآن فاستعذ بالله) یا فرماید: «قل اعوذ برب الفلق * من شر ما خلق...» و یا می فرماید: «قل اعوذ برب الناس * ملک الناس».

من او را تسلیم کرده ام. او تحت فرمان من قرار گرفته است و نمی تواند در وجود من وسوسه کند. پس معلوم می شود شیطان در وجود همه طمع دارد. مگر نه این است که شیطان در مقابل ابراهیم علیه السلام ایستاد. مگر شیطان آنها را وسوسه نکرده و وسوسه نداشت؟ پس وقتی در مقابل انسانهای بزرگواری چون ابراهیم و آدم علیهما السلام بایستد و وسوسه کند همه انسانها را وسوسه می کند.

سوره حشر می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله ولتنظر نفس ما قدمت لغدٍ واتقوا الله إِنَّ اللهَ خَبِيرٌ بما تعملون. ولا تكونوا كالذین نسوا الله فانسیهم انفسهم اولئک هم الفاسقون» (۱) ای مردم مثل آنهایی نباشید که خدا را فراموش کردند و در نتیجه خود را هم فراموش نمودند.

گوهر وجود

در بحثهای گذشته و در روایات خواندیم که: «مَنْ عَرَفَ نفسه فقد عرفَ رَبَّهُ؛ هر کس خود را بشناسد خدا را می شناسد». یعنی هر کس خدا را شناسد، خود را هم شناخته است. لذا در این آیه می فرماید مثل آنهایی نباشید که خدا را فراموش کردند و در حقیقت خودشان را فراموش نمودند. اینها از فاسقها بودند. نکند یک مرتبه خود را فراموش کنید و گوهرهای گرانهای وجودتان را ارزان بفروشید. پیغمبر اکرم که به معراج می رود و حقیقت عالم را

ص: ۹۷

می بیند و به جایی می رسد که حتی فرشته هم نمی تواند همراه او بیاید. به خاطر این است که آن حضرت قبل از هر چیز بنده خداست. خداوند هم کاری کرده که خود پیغمبر هر روز در پنج نوبت نماز این جمله را بگوید: «اشهد ان محمدا عبده و رسوله». یعنی اول عبد و بعد رسول، اول بندگی خدا، بعد رسالت و حقیقت این آیه شریفه که فرمود: «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (۱) بیانگر همین مطلب است که ابتدا باید معرفت و شناخت حاصل بشود. ما جن و انس را نیافریدیم، مگر برای اینکه ما را بشناسند. برخی مفسرین «لِيعْبُدُونَ» را «لِيعْرِفُونَ» تفسیر می کنند. پیامبر با آن همه منزلت و مقام والایی که دارد از خدا می خواهد که اللَّهُمَّ لَا تَكُنْ لِي نَفْسِي طَرَفَةً عَيْنٍ اَبَدًا (۲) خدایا یک چشم به هم زدن مرا به خودم وامگذار. وقتی ام سلمه می گوید: «ای پیغمبر شما چرا این دعا را می فرمایید؟» حضرت می فرماید: «یونس پیغمبر علیه السلام یک لحظه خدا را فراموش کرد و آن بلا بر سرش آمد که همه شنیده ایم». بندگان خدا! از این نفس نباید غفلت نمود. باید دنبال تعدیل و تربیت آن بود.

این نفس بد اندیش به فرمان شدنی نیست این کافر بد کیش مسلمان شدنی نیست

این نفس بد اندیشی که نفس اماره است هرگز به فرمان شدنی نیست مگر اینکه شما آن را با یک مهار بسیار محکمی که از جمله

ص: ۹۸

۱- ۱. ذاریات، ۵۶.

۲- ۲. «اصول کافی»، ج ۲، ص ۵۸۱ و ص ۵۲۴.

آنها این ماه مبارک رمضان است، کنترلش کنید. در نتیجه این کنترل، در شما یک حالت ذکر، توجه پیدا شود و دائماً به یاد خدا باشید.

همراهی با خوبان

در دعای امروز ماه مبارک رمضان (روز شانزدهم) می خوانیم: «اللّهُمَّ وفقنی فیهِ لموافقهِ الابرار؛ خدایا مرا در این روز توفیقم بده که با نیکان و ابرار موافق باشم. من هم موفق شوم مثل نیکان در حالت ذکر و توجه زندگی کنم و به آنها اقتدا نمایم؛ تا از زندگی ام بهره ای ببرم». ان شاء الله.

ص: ۹۹

قال الله الحكيم «و ما أبرئ نفسي إِنَّ النَّفْسَ لَأَءَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (۱) من خویش را مبرا نمی کنم چون که نفس انسانی پیوسته به گناه فرمان می دهد مگر آن را که پروردگارم رحم کند.

سلام خدا بر ولی عصر امام زمان (عج) و به شهید شب قدر امیرمؤمنان علی علیه السلام .

عنوان شد که وجود انسان از نفوس مختلفه ای تشکیل شده که نفس الهیه و نفس ملهمه و نفس مطمئنه از جمله آنهاست. مسأله مهم این است که این نفس اماره چون مرکبی چموش اهلی شده در اختیار انسان قرار گیرد.

وقتی آن راوی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله پرسید که آیا شما هم مورد وسوسه شیطان هستید یا نه، حضرت فرمود: «بلی ولکن اسلم بیدی؛ آری در وجود من هم شیطان وسوسه می کند، ولی او

ص: ۱۰۰

دیگر تسلیم من شده و من تحت سیطره او نیستم».

آیه ۵۳ سوره یوسف، قصه عزیز مصر و زن او و حضرت یوسف علیه السلام است. اگر تمام دنیا با زن عزیز مصر دشمن بودند نمی توانستند، آن گونه او را ذلیل بکنند چرا؟ چون آنها دشمن بیرون به حساب می آمدند. اگر تمام دنیا هم با حضرت یوسف موافق بودند نمی توانستند او را به این مقام عزت برسانند؛ به مقامی که حضرت یوسف رسید و آوازه اش در دنیا پیچید.

نفس اماره حکایت ستون پنجم دشمن را دارد. هر زمان و در هر مبارزه ای وقتی ستون پنجم دشمن موفق بوده، طرف مقابل شکست خورده و هر کس دیگری که ستون پنجم دشمن در او رخنه کرده، او را شکست داده است. جنگهایی که در زمان پیغمبر صلی الله علیه و آله انجام گرفته و یا جنگهایی که شما سراغ دارید هر کجا چند تا منافق توانستند بیایند از داخل آن دیواره مقاومت را بپوسانند، آن دیواره با کمترین ضربه ای فرو ریخته است.

این نفسی که پیغمبر فرمود: «اعدی عدوک نفسک التی بین جنبیک؛ دشمن ترین دشمنان تو آن نفسی است که در درون سینه ات قرار دارد». این نفس اماره جایگاهش خطرناکترین جایگاه است. اگر انسان به این نفس توجه نکند مراقب آن نباشد، تمام مسایل و مسؤولیت ها زیر پا گذاشته می شود.

شاگرد قرآن

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در داخل مسجد نشسته بود که شخصی آمد و عرض کرد: «یا رسول الله، به من قرآن بیاموزید». پیغمبر صلی الله علیه و آله بنا به

ص: ۱۰۱

روایتی سلمان یا شخص دیگری را مامور فرمود که به آن شخص قرآن یاد بدهند. وقتی سوره زلزال را خواندند و به این آیه رسیدند که قرآن می فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (۱) هر کس به اندازه ذره ای خوبی و بدی انجام بدهد در روز قیامت آن را و نتیجه اش را می بیند.

این شاگرد پرسید: «این وحی خداست؟ یعنی این آیات را خدا فرستاده؟» استاد فرمود: «بله، این ها را که خواندیم خداوند فرموده است». شاگرد با شنیدن این پاسخ بلند شد و رفت. حتی برای خدا حافظی پیش پیغمبر هم نیامد. استاد آمد پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله و پیامبر احوال شاگرد را پرسید. استاد به تعبیر ما عرض کرد: «یا رسول الله این شاگرد خیلی کم حوصله بود و یک جلسه بیشتر دوام نیاورد. رها کرد و رفت». پیغمبر فرمود: «چه چیزی را برای او مطرح کردی؟» معلم گفت: «یک سوره بیشتر نخواندیم و رسیدیم به این آیه. همین که آیه را شنید، یک سؤال از من کرد که آیا این جملات وحی خداست یا نیست و من گفتم بله این وحی خداست. با شنیدن پاسخ رفت و دیگر پشت سرش را هم نگاه نکرد». پیغمبر با شنیدن این قضیه جمله ای فرمود: «رَجَعَ فُقَيْهًا؛ آن مرد فقیه و آگاه شد و برگشت».

پرهیز از بد اخلاقی

برای انسان حقیقتاً این خسران مبین است که یک عمر شب

ص: ۱۰۲

قدر را درک کند. در شبهای قدر دعا و ذکرهای آن را بخواند و یا ماه مبارک رمضان را به طور مطلق درک کند؛ اما هیچ گونه تاثیری بر او عارض نشود و این ادعیه و اذکار و شبهای قدر موثر واقع نشوند. یعنی هرچه این درخت تکان داده می شود، برگهای خودخواهی، کینه، حقد، حسد، حرص، بد اخلاقی و... کم کاری نمی ریزند.

بزرگان می فرمایند: «بیشترین عذابها، عذابهای اخلاقی است». داستان رییس خزرج «سعد بن معاذ» را که پیغمبر صلی الله علیه و آله او را در یکی از جنگ ها حَکَم قرار دادند شنیده اید. وقتی که سعد بن معاذ از دنیا رفت، چند هزار ملک در تشییع جنازه او شرکت کردند. در روایتی نقل است که خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام راه رفتن در تشییع جنازه سعد با حالت خاصی راه می رفتند و تمام پا را روی زمین نمی گذاشتند. پیامبر خودش سعد را تشییع جنازه کرد و با دست مبارکشان او را در قبر گذاشتند. قبر را هم خیلی محکم ساختند و آن را پوشاندند. بعد از دفن سعد، مادر او که در کنار قبر ایستاده بود گفت: «هنيئاً لك الجنة؛ بهشت بر تو گوارا باد!» مبارک باد بر تو این خانه ای که پیغمبر با دستان خودش برای تو ساخت. پیامبر با شنیدن سخن مادر سعد گفت: «الآن این خانه برای سعد مبارک نیست». اطرافیان خیلی تعجب کردند: «چرا این خانه برای سعد مبارک نیست؟» حضرت فرمود: «سعد اکنون فشار قبر می بیند. به خاطر اینکه در منزل با اهل و عیال خودش بد اخلاق بود و این فشار قبر به سبب بد اخلاقی او است».

به هرحال پیامبر در مورد سعد فرمود که او الان دچار فشار قبر است. به دلیل اینکه در منزل بد اخلاق بوده و این عذاب در اثر

همان بد اخلاقی است. حالا اگر انسان خدای نکرده با یتیمی بد اخلاق باشد، با خانواده شهید، مجروح و معلول و یا محصلی با معلمش و معلم با محصل، یا کارمند با ارباب رجوع بد اخلاقی کند، همه اینها دارای عذاب است و هیچ فرقی نمی کند. بد اخلاقی سیمی است که اثرش کشنده است. «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي» (۱). این نفس اگر کنترل و مهار نشود، انسان را بیچاره و رسوا می کند و آن لباس عزتی را که خداوند بر تن انسان پوشانیده است بیرون می آورد. همین قدر که لباس عزت را از انسان بگیرد، انسان بیچاره می شود؛ چرا که خدا مثل بنده هایش نیست که انسانی را که در حال سقوط است، هیل بدهد و بیندازد. فقط کافی است که لباس عزتش را از بنده اش بگیرد. آن وقت همه چیز تمام می شود. همین که معلوم و مشخص شد فلان خطا از انسان عامداً سر زده است توبه و پشیمانی هم در کار نبوده است، لباس عزت از او گرفته می شود. گرفته شدن لباس عزت برای انسان عین ذلت است.

زننده واقعی

در نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: موتکم فی حیاتکم مقهورین (۲). شما اگر بمیرید، اما مرگتان به خاطر خدا باشد، عین زندگی است. برعکس اگر زننده باشید، ولی همراه این زندگی

ص: ۱۰۴

۱- ۱. یوسف، ۵۳.

۲- ۲. «نهج البلاغه»، خطبه ۵۱.

نه حرکتی، نه جنب و جوشی، نه امری و نه نهی، نه انجام واجب و نه ترک محرمی، این گونه زندگی که عزّت، استقلال و بندگی در آن نباشد عین مرگ است. لذا فرمود: میت الاحیاء. (۱) آن کسی که این حالات را دارد، مثل کسی است که مرده است؛ اما فرقی با مرده ها این است که زنده عمودی راه می رود، ولی مرده افقی افتاده است روی زمین.

امیدواریم که در این سحرهای ماه مبارک رمضان بخصوص شب قدر بیدار باشیم و از خدا، انحراف از غیر خدا را بخواهیم. در مناجات شعبانیه آمده است: «إلهی و الحقنی بنور عزک الابهج فاکون لک عارفاً و عن سواک منحرفاً و منك خائفاً مراقباً یا ذا الجلال و الاکرام... (۲) و توجه همه به خدا باشد و از برکات این ماه استفاده کافی را ببریم. همان گونه که در دعای امروز (روز هیجدهم) از خدا می خواهیم: اللهم نبهنی فیه لبرکات اسحاره. از همه مؤمنان التماس دعای خیر داریم.

پروردگارا ما را با معارف قرآن و اهلیت بیشتر آشنا فرما؛ معبودا لذت عبادت و بندگی به همه ما کرامت فرما؛ به شهید شب قدر مرگ ما را شهادت در راه خود قرار بده.

ص: ۱۰۵

۱- ۱. «نهج البلاغه»، خطبه ۸۷؛ کلمات قصار، ۳۷۴.

۲- ۲. «مفاتیح الجنان»، مناجات شعبانیه.

شب‌رهایی

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّيْهَا. وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّيْهَا. كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوِيهَا. إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَىٰهَا. فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا. فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ فَسَوَّيْهَا. وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا» (۱) هر کس جان خود را از گناه پاک سازد رستگار می‌شود، و هر کس آلوده اش سازد زیانکار خواهد گشت. طایفه ثمود از غرور و سرکشی دعوت پیامبر خود صالح را تکذیب کردند. هنگامی که شقی‌ترین آنها برانگیخته شد و رسول خدا (صالح) گفت: این ناقه آیت خداست از خدا بترسید و آن را سیراب کنید، آن قوم رسول را تکذیب و ناقه را پی کردند. خدا هم آنان را به کیفر ظلم و گناهشان هلاک ساخت و شهرشان را با خاک یکسان نمود، و از عاقبت هلاکتشان پروایی نکرد.

روز نوزدهم ماه مبارک رمضان و روز ضربت خوردن حضرت

ص: ۱۰۶

علی علیه السلام در سحرگاه امروز و اولین شب از شبهای قدر است. شبی که امیرالمومنین علیه السلام در محراب عبادت شربت شهادت نوشید و در محراب محل مبارزه و جنگ با تمام شیاطین درون و برون ضربت خورد. سرانجام هم به فیض عظیم شهادت دست یافت. این خیلی دردناک است که حضرت علی علیه السلام در محراب عبادت به شهادت برسند، ولی مردم بعضی مناطق بعد از آنکه شنیدند علی علیه السلام در محراب به شهادت رسیده اند پرسیدند که علی علیه السلام در محراب چکار می کرده و برای چه علی به مسجد رفته بوده است؟! این را در تاریخ نوشته اند که مردم بعضی مناطق این سؤال را از خودشان و یا دیگران کردند که علی را با مسجد و محراب چکار؟ یعنی آنقدر تبلیغات موثر و شدید بود که حتی ارتباط علی علیه السلام با مسجد هم تحت تاثیر تبلیغات قرار گرفت و تبلیغات موثر واقع شد. کسی که در خانه خدا به دنیا آمد و یک عمر با محراب نماز سر و کار داشت و شهادتش هم در محراب اتفاق افتاد، اکنون مردم سؤال می کنند علی علیه السلام در محراب و مسجد چه می کرده؟

در کعبه شد پدید و به محراب شد شهید نازم به حسن مطلع و حسن ختام تو

این مظلومیت علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت است. مظلومیت امام علی علیه السلام به این است که بشر او را نشناخت. مظلومیت امام حسین علیه السلام به این است که بشر امام حسین علیه السلام را نشناخت و سایر ائمه هم به همین ترتیب. اگر آنها را می شناختند و

قدرشان را می دانستند، بی تردید حیات بشر افق بهتری پیدا می کرد. علی علیه السلام وقتی دست کمیل را گرفت و برد به صحرا که در نهج البلاغه آمده است چنین است: تَنْفَسُ تَنْفَسَ الصُّعَيْدَاءِ و اشار الی صدره فقال: يا كَمِيلُ إِنَّ ههنا لَعِلْمًا جَمًّا إِنَّ ههذهِ الْقُلُوبَ أَوْعِيَهُ فَخَيْرُهَا أَوْعَاهَا، فَأَحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ. (۱) حضرت اشاره به سینه اش کرد و گفت: «ای کمیل! اینجا علم زیادی جمع شده، کانه حضرت می فرماید کسی نیست که به او بگویم و او فرا بگیرد.» این عین مظلومیت امام علی علیه السلام و اهل بیت عصمت و طهارت است.

ما شیعیان امیرالمؤمنین و پیروان این مکتب، بهترین اسوه را در زندگی داریم. در هر زمینه ای بخواهیم، بهترین الگوها را در اختیار داریم. در عبادت، زهد، تقوا، غیرت، شجاعت، ذکاوت، ایثار، مدیریت و هر آنچه که برای یک انسان و یک زندگی ایده آل لازم است، در وجود ائمه به عنوان هدایتگران الهی جمع است. این برکت و نعمت عظیمی است. برای همین وقتی در روز بیست و یکم امام حسن علیه السلام خطبه خواند، فرمود: ای مردم کسی از میان ما رفت و از این دنیا رخت بربست که کسی مانند او نیست و آفتاب دیگر بر کسی مانند علی علیه السلام نمی تابد و نمی دانید چه گوهری را از دست دادید. در شب قدر مردی از دنیا رفت که پیشینیان در کردار از او سبقت نگرفتند و آیندگان نیز در کردار به او نرسند. همانا با رسول خدا جهاد کرد و با جان خویش از آن حضرت دفاع نمود. (۲)

ص: ۱۰۸

۱- ۱. «نهج البلاغه»، کلمات قصار، ۱۴۰.

۲- ۲. «ارشاد»، شیخ مفید، شرح حال امیرالمؤمنین علیه السلام .

امیرالمؤمنین علیه السلام معجزه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است. لذا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «قاتلک اشقی آخرین یتبع اشقی الاولین؛ قاتل تو شقی آخرین هست که از آن شقی اول پیروی و تبعیت کرد». آنهایی که شتر صالح پیغمبر را پی کردند، به «اشقی الاولین» معروفند و قاتل معجزه پیغمبر که علی علیه السلام است، «اشقی آخرین» نامیده می شود. اینکه می گوئیم علی علیه السلام معجزه پیغمبر است، برای این است که علی علیه السلام به دست پیغمبر و در دامن پیامبر تربیت شد. خود علی علیه السلام در نهج البلاغه (۱) اشاره دارند، جملاتی به این مضمون می فرماید: «من مثل بچه ای که پشت سر مادرش می دود، همگام با حضرت رسول می رفتم و ایشان مرا تحت تربیت و اخلاق خودش پرورش می داد».

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم قبل از شهادت امام علی علیه السلام خبر شهادت را به آن حضرت داده بود و فرموده بود که یا علی، در همین ماه مبارک رمضان به شهادت خواهی رسید که حضرت علی علیه السلام در شب نوزدهم که در منزل امّ کلثوم بود، می فرمود: روز موعد فرا رسیده است. وقت آن شده به سوی خدا بشتابم.

آیه: «قد افلح من زکیها» به زیبایی رستگاری ابدی را ترسیم می کند. به تحقیق رستگار شد کسی که تزکیه نفس کرده بود.

ص: ۱۰۹

علی علیه السلام نیز وقتی آن ضربه بر فرق مبارکشان فرود آمد فرمود: «فزت و رَبُّ الکعبه؛ به خدای کعبه قسم که رستگار شدم». این جمله امام علی علیه السلام تفسیر همان آیه «قد افلح من زکیها» است «وقد خاب من دسیها» مصداقش ابن ملجم مرادی _ لعنه الله علیه _ است که واقعا در این جریان ضرر کرد؛ چون انسانی بود که به فرمان نفس اماره رفت. به دنبال دنیا رفت و سرانجام به وادی جهنم روانه شد.

به سحرهای ماه مبارک رمضان و سحرهای شب قدر اصولاً توجه خاصی شده است. (۱) اعمال در سحرگاهان برکت و اثر بیشتری دارد.

دیروز و امروز اگر دقت شود، لحن دعای ماه مبارک رمضان عوض شده. دیروز که روز هیجدهم بود در دعا می خواندیم که خدایا به ما برکت سحر را عنایت کن و امروز که روز نوزدهم است همین مطلب است و می گوییم: «اللهم وقر حظی فیه من برکاته؛ خدایا حظ و بهره مرا از برکات امروز زیاد گردان». این حظ و بهره از برکات در سحرهای ماه رمضان بیشتر است.

وفای به عهد

در حالات اسماعیل باوفا نقل کرده اند (۲) که اسماعیل با یکی از مومنین قرار گذاشت که در محلی به یکدیگر برسند و همدیگر را

ص: ۱۱۰

۱- ۱. ما هم باید توجه کنیم که بهره بیشتری ببریم. در قرآن آمده است از نشانه های بندگان خوب خدا این است که (و بالاسحار هم یستغفرون).

۲- ۲. «عنوان الکلام»؛ مرحوم فشارکی.

بینند. طرف اسماعیل رفت تا پادشاه را ببیند و فراموش کرد که با اسماعیل وعده دارد. وقتی وعده دیدار با اسماعیل به یادش آمد و به وعده گاه آمد، یک سال از آن قرار گذشته بود؛ ولی با گذشت یک سال وقتی آمد، دید هنوز هم اسماعیل باوفا بر سر موعد مقرر ایستاده و در همان مکان منتظر است و در کنارش چشمه آبی است. رفیق اسماعیل به او یادآوری کرد و گفت: «الآن یک سال از آن قضیه گذشته است و شما هنوز اینجا هستی؟» اسماعیل گفت: «من منتظر شما بودم و مانده ام تا شما بیایید». وزیر پادشاه خیلی سعایت کرد و گفت: «اسماعیل دروغ می گوید. من در طول این یک سال گذشته به اینجا آمده ام؛ ولی اسماعیل در اینجا نبوده است». اسماعیل گفت: «خدایا، اگر این وزیر دروغ می گوید، نعمتهایش را بگیر». همان موقع دندانهای وزیر ریخت. از اسماعیل درخواست کرد که من اشتباه کرده ام. اسماعیل فرمود که من حالا دیگر حال دعای اول را ندارم. اولین بار که برای گرفتن نعمت ها از تو دعا کردم، دلم شکسته بود و با دلی شکسته دعا کردم. خدا نعمت را از تو گرفت، اما چون از من خواستی دوباره دعا کنم تا نعمت را به تو برگرداند باید صبر کنی، در آینده نزدیک برایت دعا خواهم کرد. سَاسْتَغْفِرُ لَکْ.

مفسرین فرموده اند منظور آینده نزدیک، سحرگاهان بوده است. یعنی اسماعیل گفت: «صبر کن سحر بشود تا برایت دعا کنم» شهادت اسماعیل بسیار سخت و دردناک بود. خدای متعال ملکی را فرستاد و به او گفت: «تو هر گونه می خواهی از این مردم

انتقام بگیر). اسماعیل گفت: «به من الهام شده که در آخر الزمان پیغمبری می آید که مردم پسر آن پیغمبر، را به شهادت می رسانند. من صبر می کنم تا زمانی که حسین بن علی علیهما السلام رجعت نماید، مرا در رکاب او برای انتقام گرفتن از قاتلینم زنده کند».

عزیزان، امروز روز شهادت امام علی علیه السلام است، روز مشایعت شهدا هم هست و روز مضاعف شدن مسئولیت و توجه به خود و خودسازی است. امروز در ایران اسلامی سه هزار شهید^(۱) روی دوش مردم مسلمان و روزه دار حمل خواهد شد. بدنهایی که جز مشتی خاک و استخوان چیز دیگری از آنها نمانده. این ها امروز حجتند. همان گونه که بسیجی، پاسدار و سرباز و درجه دار رزمنده دیروز در میدان جنگ حجت بودند، امروز این شهدا حجت هستند. ماه مبارک رمضان و روز نوزدهم هم بر ما حجت هستند. لذا خداوند در قرآن می فرماید: «تشهد علیهم السنتهم و ایدیهم و ارجلهم بما کانوا یعملون^(۲)؛ دست ها و پاها و خیلی چیزهای دیگر روز قیامت گواهی می دهند. به این حجت های خدا بیشتر توجه کنیم و با استفاده از برکات وجود اینها خادم آنان باشیم. امیدواریم که خداوند به آبروی امیرالمؤمنین علیه السلام از برکات این ماه ما را محروم نگرداند.

ص: ۱۱۲

-
- ۱- ۱. تشییع پیکر پاک سه هزار شهید گلگون کفن یافته شد توسط گروه تجسس شهداء با حضور مقام معظم رهبری، مسؤولان عالی رتبه نظام و مردم قهرمان ایران (ماه رمضان سال ۷۳).
- ۲- ۲. یس، ۶۵.

قال امیرالمومنین علیه السلام: إِنَّ اخوف ما اخاف علیکم اثنان: اتباع الهوی و طول الامل، و اَمَّا اتَّبَعُ الهوی فیصد عن الحق و طول الامل فینسی الاجل. (۱)

سلام خدا بر حضرت ولی عصر (عج) آخرین سفیر حق و سلام بر امیرمومنان، اولین امام ما شیعیان؛ شهید محرابی که از دیروز بعد از نماز صبح (نوزدهم ماه مبارک رمضان) در بستر مرگ و شهادت افتاده است. در این ایامی که حضرت در بستر افتاده است، افراد مختلفی باخبر می شوند و بسیاری نیز به ملاقات ایشان می آیند. از جمله این افراد «اصبغ بن نباته» است که به خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام می رسد. بعد در مورد وضعیت علی علیه السلام می گوید: آنقدر حال حضرت متغیر بود که گاهی از هوش می رفت و سپس به هوش می آمد و رنگش زرد شده بود، به گونه ای که

ص: ۱۱۳

دستمال زرد رنگی را که بر سر حضرت بسته بودند با چهره ایشان فرقی نداشت. هرگاه که حضرت به هوش می آمد و می دید که افراد و اصحاب در کنار بسترش جمع شده اند، گاهی موعظه می کرد. از جمله آن: **اللّٰهُ اللّٰهُ فِی الْیَتَامِی، اللّٰهُ اللّٰهُ فِی الْقُرْآن، اللّٰهُ اللّٰهُ فِی الصَّلَاة** و جملات دیگری که آن حضرت می فرمود و بیشترین روی سخن آن حضرت چون همیشه پیرامون تقوی بود. به اصحاب سفارش می کرد که تقوی پیشه کنید و از خدا بترسید و مرا به عنوان عبرت برای خود قلمداد کنید.

در جلسات گذشته بیان شد که اگر انسان خود و خودیت خود و گوهر وجودی خود را نشناسد، زود به گناه آلوده می شود. حضرت علی علیه السلام در این روایت که در طلعه گفتار آمد و از پیامبر خدا هم همین روایت نقل شده، فرمود آنچه که من از آن برای شما می ترسم دو چیز است: یکی (اتباع الهوی) دنبال هوای نفس رفتن. هوی به معنای مایل شدن است. مایل شدن از حالت قیام به حالت رکوع که به آن هوی می گویند. وقتی انسان از حالت صعود به حالت نزول برگردد، به آن هوی می گویند. چون هوای نفس به زمین چسبیدن و به مادیات دل بستن است که در سوره اعراف در داستان بلعم باعورا می فرماید: «و لو شئنا لرفعناه بها ولیکنه اخلد الی الارض»؛ ما اگر می خواستیم، جبراً می توانستیم مقامش را بالا ببریم؛ اما او مخلد در زمین شد؛ متابعت هوای نفس خود را کرد و از مقام مستجاب الدعوه بودن به پایین آورده شد و او را به جایی رساندیم که تا حد حیوانیت تنزل و سقوط کرد. که قرآن در آخر این

آیه و به دنبال همین قصه می فرماید: «مثله کمثل الکلب؛ مثال چنین انسانهایی مثل یک سگ است.» این نمونه یک انسان پیرو هوای نفس است که در روایت آمده است دوازده هزار نفر پای منبرش می نشستند. ولی وقتی اخلاص شد و به دنیا و مادیات دنیا چسبید مثله کمثل الکلب عنوان شد. اتباع الهوی نتیجه اش این است.

حضرت علی علیه السلام روزی بر عده ای از جوانها گذر کردند که آنان با هم زورآزمایی می کردند تا معلوم کنند زور بازوی کدام یک از آنها بیشتر است و شجاعترین آنها کیست! حضرت به آنها فرمود: «هل ادلکم علی اشجع الناس؟» آیا مایلید و می خواهید شما را به شجاعترین مردم راهنمایی کنم؟ گفتند: «بلی». حضرت فرمود: «اشجع الناس من غلب هوی؛ شجاعترین مردم کسی است که بر هوای نفس خود غلبه کند.» شجاع آن کسی نیست که یک سنگ پنجاه یا صد کیلویی را بلند کند. بلکه شجاع کسی است که بر هوای نفسش غلبه کند. لذا این مسأله را خیلی فراوان در زندگی ائمه و خود حضرت علی علیه السلام می توانیم ببینیم که هر کجا مسأله خودیت به میان می آید، ائمه هشدار می دهند.

در جریان جنگ خندق وقتی عمرو بن عبدود آب دهان به صورت مبارک حضرت علی علیه السلام می اندازد، حضرت بلند می شود و شروع به قدم زدن می کند. بعد از مدتی دوباره برای کشتن دشمن روی سینه او می نشیند. عمرو می پرسد: «چرا بار اول کار را تمام نکردی؟» امام علیه السلام فرمود: «چون بار اول وقتی تو آب دهن به

صورت‌م انداختی، من ناراحت شدم و من خواستم که یک وقت مسأله خود به میان نیاید و فقط به خاطر خدا اقدام کرده باشم».

بدترین مرض

مطلب دومی که حضرت فرمود از آن برای شما می‌ترسم عبارت از: طول‌الامل. داشتن آرزوهای درازی که ممکن است تحقق پیدا نکند. خوب اگر تبعیت از هوای نفس بشود مگر چه می‌شود و چه اتفاقی می‌افتد؟

قرآن کریم منافقین را به عنوان کسانی که در دلشان مرض هست، معرفی می‌نماید. سیاستمدارهای متمایل به چپ و راست را فی‌الاولی قلوبهم مرض معرفی می‌کند. مردانی را که به دنبال هوای نفس و زمینه‌های گناه‌اند و علاقه‌مند تشدید فحشاء و گناه را به عنوان کسانی که در دل آنان مرض هست، معرفی می‌کند. مرض قلب مهمترین مرض است. اینکه حضرت به فرزندش امام حسن علیهماالسلام فرمود: «ای فرزندانم، تو در معرض دردها(۱) قرار گرفتی.» منظور مرض جسم تنها نیست و عمده مرض روح و قلب است که باید از آن ترسید.

روایت جالبی است از قطب راوندی که سند این روایت به امام باقر علیه‌السلام می‌رسد. امام باقر علیه‌السلام در این روایت فرموده است: عَجَبًا لِمَنْ يَحْتَمِي عَنِ الطَّعَامِ مَخَافَةَ الدَّاءِ وَلَا يَحْتَمِي عَنِ الْمَعَاصِي خَشْيَةَ

ص: ۱۱۶

النار. (۱) یعنی من تعجب می کنم از انسانی که توجه، دقت و اهتمام به غذای خودش دارد که مبادا غذایی آلوده و فاسد بخورد و جسمش مریض بشود، اما همین انسان هیچ گاه توجه به گناه و معصیت ندارد که گناه انسان را به آتش می رساند. انسان از یک غذای مشکوک پرهیز می کند که مبادا این غذای مشکوک به جسم به معده اش و دستگاہهای دیگر بدنش آسیب برساند و به مرض مبتلا شود، اما از گناه و معصیت پرهیز نمی کند و نمی ترسد و بی توجه است. مثل اینکه این گناهان به او ضرری نمی رسانند!

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خدای متعال به زنانش فرمود: «لا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض». (۲) با ناز و حالت خاص با مردم سخن نگویند. چرا؟ برای اینکه مردی که در قلبش مرض هست، بر اثر این قول و گفتار به طمع می افتد. حالا این کدام مرض است که در این آیات اشاره به آن شده؟ بدون تردید مرضی است که گناه منشأ آن بوده و آن خود منشأ گناهان فراوان دیگر است.

مانع حق گویی

حضرت علی علیه السلام فرمود: واما اتباع الهوی فیصد عن الحق. تبعیت از هوای نفس آدم را از حق باز می دارد و جلو انسان را مسدود می کند و نمی گذارد او قضاوت درست و بر حق، گزینش درست، نمره دادن درست و رفتار درست داشته باشد. در حدیثی

ص: ۱۱۷

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۵۷، ص ۸۵۱؛ «المستدرک»، ج ۱۱، ص ۳۳۸.

۲- ۲. احزاب، ۳۲.

آمده است که فرمود: «افراد بد کار سخت جان می دهند و اگر آهن آسیاب را بر چشم آنها بگذارند و بچرخانند از جان دادن برایشان راحت تر خواهد بود.» علی علیه السلام سؤال کرد: «یا رسول الله، آیا از میان امت شما هم کسی هست که این چنین سخت جان بدهد؟» پیغمبر فرمود: «چند گروهند که این گونه سخت جان می دهند؛ یک گروه خورندگان مال یتیم هستند. گروه دیگر آنهایی هستند که شاهد قول زورند و شهادت به دروغ و ناحق می دهد.»

این کار هوای نفس است که وقتی پای دوست، فامیل، اقربا و نزدیکان به میان می آید از جاده حق انسان را می لغزاند. یعنی جایی که پای منفعت در میان است، اگر انسان راست بگوید خیلی مهم نیست. مهم آنجایی است که ضرر و زیانی در میان باشد یا به تعبیری راستگویی برای او ضرر داشته باشد. اگر انسان راست بگوید و رضایت خدا را در نظر بگیرد، ولو ضرری (مادی) متوجه خودش بشود خیلی مهم است. در دوران علی علیه السلام آمدند و به آن حضرت گفتند: «یا اباالحسن، شما اگر به سنت سه خلیفه عمل کنی با تو بیعت می کنیم.» حضرت در جواب فرمود: هرگز هدف، وسیله را توجیه نمی کند که من امروز بگویم به سنت و روش خلفای راشدین عمل می کنم، ولی فردا برخلاف گفته ام عمل کنم و قرآن و سنت را ملاک عمل قرار بدهم. هیچ وقت هدف وسیله را توجیه نمی کند که انسان بخواهد از هر راهی به هدف برسد. حضرت فرمود: من به کتاب خدا و سنت پیامبر عمل می کنم.

عده ای آمدند پیش پیغمبر صلی الله علیه و آله و به آن حضرت گفتند:

«یا رسول الله، اجازه بده ما یک سال یا شش ماه دیگر هم بت پرستی کنیم و بعد از یک سال ایمان بیاوریم و با ایمان آوردن ما مسلمانها تقویت می شوند». حضرت فرمود: «هرگز این چنین نیست و شرک به خدای متعال را ما هرگز نمی پذیریم. ما نمی پذیریم که شما یک سال مشرک و بت پرست باشید و بعد از یک سال ایمان بیاورید و اسلام را بپذیرید.»

انسان باید این گونه باشد و مجاهده و تلاش بکند؛ چون اگر هوای نفس تبعیت شد جلوی حق جویی و حق بینی را می گیرد.

نمونه ای از تاریخ

در تاریخ نمونه های این پیروی از نفس و پایمال کردن حق فراوان اتفاق افتاده است که بسیاری از آنها در دوران امامت و ولایت خود علی علیه السلام به وقوع پیوسته است. نمونه اش ابوموسی اشعری است که به دلیل همین پیروی از نفس ایمانش را فروخت و رفت بالای منبر و انگشترش را از دستش بیرون آورد و گفت: «همین طور که این انگشتر را از دستم بیرون آوردم، علی علیه السلام را هم از حکومت خلع کردم». وقتی حضرت زهرا علیها السلام دست امام حسن و امام حسین علیهما السلام را می گرفتند و می آمدند از مردم می پرسیدند که آیا اینها را (حسن و حسین) می شناسید؟ من را می شناسید؟ آیا در حجه الوداع بودید؟ می گفتند: «آری ما بچه های تو را و خودت را می شناسیم و در حجه الوداع هم بودیم». حضرت می گفت: «پس بیایید شهادت بدهید.» چرا این گونه بودند؟ مگر

جز این است که آنها دچار مرض نفاق شده بودند. اگر شما می بینید قرآن شریف از برخی مهاجر و انصار تعریف می کند برای این است که مهاجر و انصار اولین مجاهدتشان، مجاهدت با نفس بود. مهاجرین که همه چیزشان را رها کردند و از مکه هجرت کردند و انصار هم تلاش کردند و اموالشان را با مهاجرین تقسیم نمودند و هرچه داشتند با هم مصرف می کردند. برای این بود که مورد تعریف قرآن قرار گرفتند. مسأله این بود که مهاجر و انصار به ایثار، جهاد... و تقوی رسیده بودند «وَأَمَّا يَتَقَوَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خدا از تقوی پیشه گان می پذیرد». تقوی همان چیزی است که علی علیه السلام در چنین روزهایی (بیستم رمضان) که در بستر شهادت افتاده و همه افراد فامیل دور بستر آن حضرت جمع هستند آنها را به آن سفارش می کند: «أوصيكم بتقوى الله».

خدایا ما را اهل موعظه قرار بده! پروردگارا نفس اماره و آرزوهای طولانی را بر ما مسلط مفرما! خدایا امراض روحی، جسمی و فکری ما را شفا کرم بفرما.

ص: ۱۲۰

سُئِلَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : يَا عَلِيُّ، مَا الْقَرِيبُ وَ مَا الْاَقْرَبُ؟ مَا الْعَجِيبُ وَ مَا الْاَعْجَبُ؟ مَا الْوَاجِبُ وَ مَا الْاَوْجِبُ؟ وَ مَا الصَّغْبُ وَ مَا الْاَصْعَبُ؟ (۱)

جلسه امروز ما در روز بیست و دوم ماه مبارک رمضان برقرار می باشد و امشب که شب بیست و سوم است بنا به روایت‌هایی شب قدر است. دلایل در این مورد زیاد است که اشاره می کنیم. امشب روایت وارد شده که سوره روم، دخان و عنکبوت خوانده شود. چون شب قدر یکی از معانی اش شب مقدرات است شاید به این دلیل که مضمون سوره روم هم به مسأله قضا و قدر خدا مربوط است.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم برای پادشاه ایران خسرو پرویز و هم برای پادشاه روم قیصر نامه نوشت. خسرو پرویز پادشاه ایران بی ادبی کرد و نامه را پاره کرد؛ اما قیصر این کار را نکرد. به هر حال

ص: ۱۲۱

وقتی بین ایران و روم جنگ اتفاق افتاد، ایرانیها در جنگ پیروز شدند. وقتی ایران بر روم پیروز شد، مردم و مسلمانها تعجب کردند که پادشاه ایران به پیغمبر اهانت کرد پیروز شد؛ اما پادشاه روم با اینکه اهانت نکرد، مغلوب شده در این رابطه سوره روم به نکات جالبی اشاره دارد:

بسم الله الرحمن الرحيم. «الم. غلبت الروم في ادنى الارض و هم من بعد غلبهم سيغلبون» (۱) درست است که در این جنگ، روم مغلوب شد، اما بعد از هفت یا هشت سال دیگر غالب خواهد شد.

روایتهای قوی زیادی داریم که این شب از شبهای قدر است. (۲) دعای شب بیست و سوم هم خودش اشاره به این مطلب دارد. دعایی که مربوط به این شب است در کتاب «مفاتیح الجنان» حاج شیخ عباس قمی و یا کتابهای دیگر وارد شده. اگر دقت بشود، نشان می دهد که لحن دعا در این شب لحن خاصی است و آنچه دعا در این شب ها آمده است مستقیماً از شب قدر صحبت می شود. در این شبهاست که روایت داریم حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به خصوص در روز بیست و دوم فرزنداناش را می خوابانید و می فرمود که استراحت کنند تا شب بیست و سوم

ص: ۱۲۲

۱- ۱. روم، ۱ - ۲.

۲- ۲. نک: شب قدر یا قلب ماه رمضان، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

بیدار بمانند. حتی به حسب نقل وقتی اهل خانه شب خوابشان می گرفت، کاسه آبی می گذاشتند و می فرمودند که به صورتشان آب بزنند که خوابشان نگیرد و بنشینند و شب قدر را درک کنند.^(۱) در این بیست روز، دل جلا پیدا کرده و می تواند محل نزول برکات باشد. شب قدر شب مقدرات انسان است. دو دهه در حقیقت انسان به تزکیه نفس باید پرداخته باشد تا آن مقدرات در این شبها در حق او امضا بشود، مقدراتی که انسان یک سال تمام باید با آنها زندگی کند. تمام وجود انسان باید در ماه مبارک رمضان ساخته شده باشد و انسان کانه باید تقوای یک سال را در این ماه کسب کند.

تربیت الهی

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله یارانش را به گونه ای تربیت کرده بود که وقتی یارانش روی زمین راه می رفتند و پای یکی از آنها به سنگی

ص: ۱۲۳

۱- ۱. سنن النبی صلی الله علیه و آله وسلم ، ص ۲۹۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در ده روز آخر ماه مبارک رمضان رختخواب خود را جمع می کرد (کنایه از اینکه نمی خوابید یا کم می خوابید) و کمرش را برای عبادت محکم می بست، و چون شب بیست و سوم فرا می رسید، اهل بیت خود را بیدار نگه می داشت، و به صورت هر کدام از ایشان که خواب بر او عارض می شد آب می پاشید که خوابش نبرد. همین طور حضرت زهراء علیها السلام هیچ یک از اهل خانه خود را نمی گذاشت که در آن شب بخوابند، و برای اینکه خوابشان نبرد غذای کمتری به آنان می داد، و از روز، خود را برای «شب احیا» آماده می کرد، و می فرمودند: محروم واقعی کسی است که از خیر این شب بی بهره باشد. (و.ر.ک: «الوسائل»، ج ۷، ص ۲۵۶).

برمی خورد و یا خاری به پای او می رفت، به محضر پیامبر آمده و به درگاه الهی استغفار می کرد و می گفت: «یا رسول الله، نمی دانم چکار کرده ام که امروز پای من به سنگ خورد و صدمه دید». ما نیز باید به این مطلب توجه کنیم. زمانی هست که این انسان در گرداب گناه دست و پا می زند، اما متوجه این مطلب نیست. تارهای عنکبوتی جلو چشمهای او را گرفته و زشتیهای دیگران را می بیند ولی زشتیهای خود را نمی بیند و توجه به کردار نابجای خودش ندارد.

نزدیک و نزدیکتر

از معصوم علیه السلام نقل است: «همه آنهایی که می میرند، اجلشان نرسیده است. بسیاری به خاطر گناه می میرند. آنهایی هم که زنده اند، زنده بودنشان نه به خاطر این است که عمرشان تمام نشده و اجلشان فرا نرسیده است، اینها اجلشان رسیده؛ ولی به خاطر برخی اعمال، خداوند اجلشان را به تأخیر انداخته است؛ به خاطر اعمال خیری که از ایشان سرزده است، چون، انفاق، صله رحم، خدمت به دیگران و... موجب افزایش عمر می گردد.

در روایتی که از حضرت علی علیه السلام سؤال کردند: «یا علی، ما القریب و ما الاقرب؟ قریب (نزدیک) چیست و قریب تر کدام است؟» حضرت فرمود: «قریب آینده است و قریب تر از آینده مرگ است. آینده نزدیک است و نزدیکتر از آینده مرگ است». نوف بکالی می گوید: وقتی حضرت به سجده می رفت و سر به سجده می گذاشت، سجده گاه حضرت از اشک خیس می شد.

ص: ۱۲۴

فریاد می کرد و می گفت: «خدایا اگر تو دستور بدهی به ملائکه غلاظ و شدادت که علی بن ابیطالب علیه السلام را با غل و زنجیر ببندید و به سوی آتش ببرید، من چه جواب بدهم؟»

بارها ناله می کرد و می فرمود: «آه آه من قله الزَّادِ و بُعْدِ السَّفر؛ فریاد از کمی توشه ای که ما از دنیا برداشته ایم و دوری راه و سفر آخرت». واقعا چه توشه ای از دنیا گرفته ایم؟ چرا حال گریه و حال دعا نداریم؟ چرا به مسجد رفتن برایمان سخت است؟ چرا حال قرآن خواندن در ما نیست؟ چرا حال خضوع و خشوع در ما کم است؟ و... امام علیه السلام فرمود: انی اسئلك قلبا یدنيه منك شوقُهُ و لسانا یرجع الیک صِدْقُهُ؛ خدایا من قلبی را می خواهم که شوقش به سوی تو نزدیک و زبانی که راستگویی اش به سوی تو باشد. این جمله واقعا عجیب است که می فرماید: «ابکی لم لا ابکی؛ گریه می کنم و برای چه گریه نکنم؟» خوب برای چه گریه می کنی؟ می فرماید: «گریه می کنم برای اینکه چرا در مقابل تو گریه ام نمی گیرد و اشکم نمی آید و حال خشیت، خوف، تضرع و ابتهال ندارم.»

در ادامه حدیث از حضرت سؤال شد: «ما العجیب و ما الاعجب؛ عجیب چیست و عجیتر کدام است؟» به عبارت دیگر چه چیزی بیشتر مایه تعجب و شگفتی می شود؟ حضرت فرمود: «عجیب دنیاست و عجیب تر از آن دل بستن به دنیاست.» واقعا این دنیا عجیب است که چه مردمانی که به آن دل بسته اند.

امام علی علیه السلام با همه نوع مظاهر دنیاخواهی و دنیادوستی مبارزه کرد. هر جا می دید لغزش و نرمش نسبت به دنیا وجود دارد

بلافاصله هشدار می داد. وقتی که حضرت می شنود که عثمان ابن حنیف در یک مهمانی به عنوان یک استاندار شرکت می کند و در آن مراسم یک سری آدمهای متمول، مالدار و ثروتمند شرکت داشته اند و غذایی بهتر از غذای دیگران داده شده، به عثمان ابن حنیف می نویسد: «من شنیده ام که تو در یک مهمانی شرکت کردی که اگر این گونه باشد که من شنیده ام، تو را از مسؤولیت خلع می کنم». یا برای دیگری می نویسد که شنیده ام که برای هدیه می آورند و تو هم هدیه ها را می پذیری. گفت که آقا مردم دوستم دارند و برای من به دلیل محبت هدیه می آورند. حضرت فرمود: «چرا قبل از اینکه استاندار بشوی برای هدیه نمی آوردند؟ چرا قبل از اینکه امضایت کارآیی داشته باشد، مردم به تو محبت نداشتند و هدیه نمی آوردند؟ ولی الآن محبت پیدا کرده اند؟» پس عجیب دنیا است و عجیب تر از آن دل بستن به دنیا است. باز سؤال کرد که: «ما الواجب و ما الاوجب؟ یا علی واجب چیست؟ و واجب تر و فوری تر از واجب کدام است؟» حضرت فرمود: «واجب ترک گناه است و واجب تر تعجیل در توبه نمودن است». ترک گناه واجب است. تمام سالکین الی الله فرموده اند که اولین شرط سیر و سلوک ترک محرمات است. فرمود: الصَّبْرُ صَبْرَان؛ صبر دو گونه است. «أَمَّا أَفْضَلُ الصَّبْرِ صَبْرٌ فِي الْمَحَارِمِ؛ برترین صبر، صبر در مقابل گناه و محرمات خداست.» بیایم انصافاً مقایسه کنیم که نماز بیست و دوم ماه مبارک رمضان با نماز اول ماه مبارک چه فرقی کرده است؟

در حالات شیخ محمد باقر شفتی، این عالم ربانی نوشته اند که

روزها حالت عادی داشت و شبها حالت شیدایی پیدا می کرد. فریاد می زد و سر به دیوار می کوبید. نوشته اند که ایشان نماز جماعت می خواند. شخصی گفت که من علاقه پیدا کرده ام که در نماز جماعت شیخ محمد باقر شرکت کنم. روزی در نماز جماعت شرکت کردم و دیدم شیخ وقتی تکبیره الاحرام را می گوید، الله اکبر را مد می دهد. تعجب کردم که یک انسان مجتهد و انسان به این عظمت دارد اشتباه می گوید. چون جایی باید به کلمه ای مد داد که حرف مد و سبب مد وجود داشته باشد و در الله اکبر حرف مد و سبب مد جمع نیست. پس چگونه می شود یک انسان مجتهد در نمازش اشتباه بکند و الله اکبر را مد بدهد و آن وقت این همه ماموم هم ایستاده باشند.

این شخص می گوید: «من گفتم که آقایان دارد اشتباه می کند و شما به این آقا اقتدا می کنید. چرا به او تذکر نمی دهید که ایشان به الله اکبر مد می دهد؟» مأمومین برگشتند و گفتند: «ما این سؤال را از آقا کرده ایم و ایشان فرموده اند که من وقتی الله اکبر را می گویم دیگر دست خودم نیست و زودتر از این نمی توانم بگویم و یک حالت غیر طبیعی به من دست می دهد. آیا شما هیچ می دانید که من چه چیزی را می خواهم بگویم؟ من بهتر از این نمی توانم و زبانی زودتر از این نمی تواند بگوید.

حضرت فرمود: «واجب ترک گناه است.» و ماه رمضان ماه ترک گناه است و واجب تر شتاب و عجله در توبه است. واجب است انسان توبه کند و از گناهان خود پشیمان بشود.

آخرین سؤال آن شخص از حضرت این بود: «ما الصعب و ما الاصعب؟ سخت کدام است و سختتر کدام است؟»

حضرت فرمود: «سخت مردن و داخل قبر رفتن و سختتر بدون توشه رفتن است». مردن خیلی سخت است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین لحظات عمرش می فرمود: لا اله الا الله ان للموت غمراة ان للموت سكرات. (۱) مرگ سختیهای زیادی دارد. پیغمبر می گوید که مرگ سختیها دارد ولی گویا بر ما وحی نازل شده که پرونده شما سفید و بی نقص است. گویا وحی بر ما نازل شده که بیت المال بر شما حلال است! و یا ادا نکردن حق خدا و مردم، حق شماست. چرا باید این گونه باشیم. باید به این نکات توجه کنیم و توجه به این نکات است که باعث می شود انسان کمی فکر کند، حرکت کند و تصمیم بگیرد و به فرمان الاهی گردن نهد.

امیدواریم که ان شاء الله ماه مبارک رمضان که باید گفت ماه اولیاء الله است باعث بشود که ما هم در این ماه به خودسازی پرداخته از غفلت دوری کنیم.

اللهم اجعل عواقب امورنا خيرا و لا تجعل الدنيا اكبر همنا، ...

پروردگارا درک شب قدر و فضائل آن به همه ما کرامت فرما.

ص: ۱۲۸

۱-۱. در این باره روایات فراوانی آمده است. نک: «الوسائل»، ج ۱۰، ص ۴۷۵.

قال الله الحكيم في محكم كتابه: اعوذ بالله من الشيطان الرجيم: «و لا تحسبن الذين قتلوا في سبيل الله امواتا بل احياء عند ربهم يُرزقون» (۱) البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده اند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود.

امروز جدای از اینکه روز قدر است و به خاطر منتسب بودن این روز به شب گذشته (بیست و سوم رمضان) که به احتمال قوی شب قدر بوده است؛ یکی از روزهای قدر انقلاب و شبهای قدر انقلاب اسلامی هم هست. (۲)

حقیقت انسان که همان روح الهیه انسان است هرگز نمی میرد و این انسان چون حقیقتش از خداست، هرگز از بین رفتنی نیست. قرآن می فرماید فکر نکنید که شهدا مرده اند. خیر آنها زنده اند و

ص: ۱۲۹

۱- ۱. آل عمران، ۱۶۹.

۲- ۲. بحثها حدود سال ۷۲ _ ۷۳ ایراد شده است.

هرگز تصور و تفکر و برداشت این چینی که آنها مرده اند، صحیح نیست. حقیقت شهید حقیقت مقدسی است. این حقیقت نتیجه اخلاص است و هیچ کس جز شهید و آنان که سلم محض اند و تسلیم فرمان خدای متعال اند زینده این افتخار نیست. شهید نامی از اسماء الله و شهادت آرزوی همه اولیاء الله است. اَلَا إِنَّ اَوْلِیَاءَ اللّٰه لا یَمُوتُوْنَ بَلْ یُنْقَلُوْنَ مِنْ دَارِ الٰی دَار. اولیای خدا هرگز نمی میرند، بلکه از خانه ای به خانه دیگر منتقل می شوند. از سختی به راحتی و از تلخی به شیرینی می رسند. اینکه امام باقر علیه السلام فرمود یاران پدرم امام حسین علیه السلام در کربلا هیچ گونه احساس درد نمی کردند، برای این بود که چراغ عشق در وجود آنها می سوخت و هرچه را که ماورای غیر خدا بود، می سوزاند و در مقابل این همه مشکلات لقایی وجود داشت که، آن لقاء تمام آرزوی آنها بود. لذا آنهایی که از اول عمر تا آخر عمرشان دیده نشده بود که مزاح و شوخی کنند در شب عاشورا مزاح می کردند و می گفتند: «فردا روز کشته شدن و شهید شدن است». می گفتند: به خدا قسم همه فامیل می دانند من از اول عمرم تا به امشب اهل مزاح نبوده ام.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «الا- و مَنْ مَاتَ عَلٰی حُبِّ آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِیداً؛ هر کس بر حب و دوستی محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله بمیرد شهید مرده است». با توجه به این حقیقت است. چون آن محبتی که او را به خدا و اهل بیت عصمت و طهارت پیوند می دهد، عشق حقیقی است.

روایت داریم که در مقام علما فرموده اند: مداد العلماء افضل من دماء الشهداء. گاهی مقام عالم با مقام شهید سنجیده و یا برابری می کند. گاهی هم مقام عالم بر مقام شهید ترجیح داده می شود. عمده ترین مساله در جهاد، جهاد اکبر است که در آن تهذیب و تزکیه نفس صورت گرفته. اگر آن جهاد اکبر نبود این جهاد اصغر هم به انجام نمی رسید. اولین دسته ای که خداوند به آنها مباحات می کند آنهایی هستند که: «یقاتلون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم».

دسته دیگر انسانهایی هستند که: یبکون من خشیه الله؛ آنهایی که از خوف خدا و خشیت او حال گریه، تضرع و زاری دارند. «علت اینکه حضرت زهرا علیهاالسلام وصیت کرد و به خادم خانه اش فضا و همچنین به همسرش علی علیه السلام فرمود که این شیشه اشک مرا همراه من دفن کنید، برای این بود که حضرت زهرا علیهاالسلام این شیشه اشکش را در مجالس خوف و خشیت خدا پر کرده بود. آری خداوند به آنها مباحات می کند و به ملائکه اش کائن می گوید: «انی اعلم ما لا تعلمون»؛ چیزی را که من به آن آگاهم شما نمی دانید.

مبارزه در دو جبهه

پیکر مطهر این عزیزانی را که این روزها می خواهیم دفن کنیم،

مصدق همان دسته ای هستند که مورد مباحات خدایند. شما برادران هم اهل جبهه و مبارزه اید و الآن مهمترین مبارزه را که همان مبارزه فرهنگی است شما انجام می دهید. این شهدا همانهایی هستند که چفیه ها به صورتهایشان می بستند که صورشان دیده نشود و آن وقت دعای کمیل علی علیه السلام را در قنوت نمازشان می خواندند. زیارت عاشورای ابی عبدالله علیه السلام را می خواندند. اینها همان کسانی اند که قرآن آنها را توصیف می کند: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ».(۱)

دسته دیگری که خدا به آنان مباحات می کند: «الَّذِينَ ينفقون أموالهم في سبيل الله»؛ آنهایی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند.

چه دارایی بالاتر از جان شهید و تمام هستی و وجود او که آن را در راه خدا می دهد و می گوید: بابی انت و امی و اسرتی و اهلی و مالی و همه وجودش را وقف می کند. در مقابل شهدای پاک و مظلوم امروز پذیرش مسؤولیت خیلی سنگین است.

اینها به امیرالمؤمنین علیه السلام اقتدا کردند. در این ماه رمضان که ماه نزول برکات و ماه شهادت علی علیه السلام است، تنها چیزی که آمال و آرزوی آنان بود این دعا بود که: «اللَّهُمَّ لا تجعل مصيبتنا في ديننا؛ خدایا مصیبت را در دین ما قرار مده». خدا نکند مصیبت در دین ما باشد. تمام هستی ما دین و آئین اسلام است و شهادت این شهدا

ص: ۱۳۲

برای حفظ دین و ناموس خدا بود. وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام خبر داد که یا علی در این ماه، محاسن تو با خون سرت خضاب می شود، علی علیه السلام سؤال کرد: «یا رسول الله! آن وقتی که من شهید می شوم، اُفی سلامه دینی، آیا دین من سالم است یا نه؟»

مهمترین مسأله برای شهید، اسلام بود و شهدای ما نیز به مولایشان علی علیه السلام اقتدا کردند. به مولایشان حسین علیه السلام اقتدا نمودند. الگویشان علی اکبرها و کسانی بود که در کربلا همراه امام حسین علیه السلام بودند. این شهدای انقلاب ده ها شب قدر درست کردند. صدها قتلگاه ساختند و در این کشور صدها بهشت زهرا و کربلا-امروز داریم. آنهایی که می خواستند این شهدا را به زانو دریاورند، عشق آنها به امام و عشق امام به آنان را نفهمیده بودند و به رابطه امام و ماموم پی نبرده بودند که با آنها این گونه رفتار می کردند. دشمنان نشنیده و یا درک نکرده بودند که علی علیه السلام شب تا صبح با جان خود بازی کرد و در بستر پیامبر خوابید با این که می دانست چهل شمشیرزن بالای سرش هستند. این حقیقت برای دشمن قابل درک نبود که تمام آن کسانی که در کربلای امام حسین علیه السلام بودند، آرزوی آنان «شهادت» بود وقتی امام حسین علیه السلام بالای سر آن شهید آمد، رو به امام نمود و گفت: «أَوْفِيْتُ بَعْدِي؟» آیا به عهدم وفا کردم. آیا توانستم با دادن جان خودم حق مطلب را ادا کنم و نسبت به تو که امام و مراد من هستی، وظیفه ام را به انجام برسانم؟

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَشَدُّ مِنْ زُبْرِ الْحَدِيدِ إِنَّ الْحَدِيدَ لَوْ أُدْخِلَ فِي النَّارِ تَغْيِرَ. إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَوْ قُتِلَ ثُمَّ نُشِرَ ثُمَّ قُتِلَ لَمْ يَتَغْيِرْ قَلْبُهُ» (۱) انسان مؤمن قلبش از آهن محکمتر و سختتر است؛ چون آهن را اگر داخل آتش بیندازی، تغییر می کند؛ ولی مؤمن اگر بمیرد و زنده شود و دوباره کشته شود و باز زنده شود، قلبش تغییری نمی کند. این استقامت و مقاومت، در نتیجه ایمان به خدا و محبت به رسول و آل رسول صلی الله علیه و آله وسلم است.

ان شاء الله که خداوند ما را به وظایفمان در مقابل شهدا آشنا بگرداند. حرف این شهیدان این است: ما رفتیم تا اسلام زنده بماند. ما رفتیم و شما ماندید. شما بعد از ما چه کردید؟

اللَّهُمَّ اجْعَلْ عَوَاقِبَ أُمُورِنَا خَيْرًا. وَ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّنَا، وَ لَا تَكُنْ لَنَا إِلَى أَنْفُسِنَا طَرَفَةٌ عَيْنٍ أَبَدًا، وَ وَفَّقْنَا لِمَا نَحِبُّ وَ تَرْضَى. وَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ. وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ص: ۱۳۴

قَدْ ورد فی الاخبار عن ائمه الاطهار علیهم السلام : إِنَّ الْعَاقِلَ یَنْبَغِی أَنْ یَكُونَ لَهُ اربع ساعات: سَاعَةٌ ینَاجِی فیها رَبَّهُ، و سَاعَهُ یُحَاسِبُ فیها نَفْسَهُ، و سَاعَهُ یتَفَكَّرُ فی صَنعِ اللَّهِ، و سَاعَهُ یَخْلُوا فیها لِلْمَطْعَمِ و الْمَشْرَبِ. (۱)

ماه مبارک رمضان ماه نظم است. ماه توجه و نظام است. عمده این است که انسان با نظم و توجهی که شرع مقدس برایش معین کرده ساخته بشود. یعنی یک دانش آموز یا طلبه زمانی موفق است که دارای نظم باشد. اگر مرتب و منظم نباشد، موفق هم نخواهد بود. اگر یک طلبه و یا دانش آموز هر ساعتی که فرصت کرد تصمیم به مطالعه بگیرد موفق نمی شود. ساعت مطالعه باید ساعت مشخص و معینی باشد؛ به گونه ای که در آن ساعت معین، فقط به مطالعه پردازد. خدای متعال هم برای انجام عبادات بندگانش وقت معین کرده است. در همین ماه مبارک رمضان به بنده اش

ص: ۱۳۵

۱- ۱. در روایتی آمده است: علی العاقل ان یکون عارفا بزمانه مقبلاً علی شأنه حافظاً للسانه. «اصول کافی»، ج ۲، ص ۱۱۶.

فرموده که او سر وقت افطار کند یا سحری بخورد و به موقع نماز بخواند و آنقدر هم که به نماز اول وقت اهمیت داده، برای این است که افراد ساخته بشوند. روایتی که امروز خوانده شد، روایت زیبایی است که ائمه اطهار علیهم السلام می فرمایند: عاقل (۱) کسی است که در زندگی اش وقتش را به چهار قسمت و ساعت تقسیم کند. این چهار ساعت برای انسان در هر زمینه ای که در نظر بگیریم. برای او لازم است. اولین ساعت: (ساعه یناجی فیها ربه)، ساعتی که در آن با خدای خویش به راز و نیاز و مناجات پردازد. چون انسان طبق بیان قرآن کریم نیاز محض است و این نیازها باید به طریقی تامین شوند. نیاز عالم هستی و انسان به خدای متعال نیاز ذاتی است. یعنی اگر لحظه ای عنایت الهی برداشته شود، حیات امکان ندارد. می فرماید: «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله واللّٰه هو الغنی الحمید» (۲)... این آیه به فقر ذاتی بشر اشاره دارد.

ساعه یناجی فیها ربه. در اینجا از لغت یناجی استفاده کرده است؛ یعنی اوقاتی را برای مناجات و راز و نیاز با خدای خودش اختصاص دهد و این مناجات تامین کننده آن نیاز روحی و معنوی انسان است که انسان لحظاتی را با خدای خود خلوت کند. اولیاء

ص: ۱۳۶

۱- ۱. عاقل انسانی است که کار سفیهانه انجام نمی دهد و در مقابلش جاهل است. یعنی یک وقت عاقل در مقابلش غیر عاقل و دیوانه به کار می رود، ولی در مقابل عاقل باید جاهل را آورد و ما در کتابهای بزرگان دینی مثل «اصول کافی» کتاب عقل و جهل داریم یعنی عقل در مقابلش جهل آمده است و برعکس و هرگز جهل در مقابل علم نیامده است. ۲- ۲. فاطر، ۱۵.

در وادی خداشناسی از همه قوی تر، و مناجاتشان از دیگران بیشتر بوده است و سراسر زندگی اولیای بزرگ را همین حال تشکیل می دهد. لذا حضرت امام صادق علیه السلام می فرماید (۱): پدرم امام باقر علیه السلام دائم الذکر بود. در هر حال، ذکر می گفت و توجهش به خدا بود.

محاسبه نفس

«و ساعه يحاسب فيها نفسه». انسان ساعتی را هم برای خلوت و محاسبه نفس و حساب کشیدن از خود نیاز دارد تا ببیند چه کار کرده است. این محاسبه نفس خیلی مهم است که انسان از خودش حساب بکشد.

در حالت یکی از بزرگان نوشته اند که به فرزندش فرمود: «هر وقت از صبح تا شام بیرون می روی، تمام اعمال را یادداشت کن و در پایان روز بیا و برای من بگو». روز اول فرزند رفت و این کار را کرد. در پایان روز گزارش یادداشتهايش را به پدرش ارائه داد، ولی روز دوم پیش پدر نیامد و این کار را نکرد. پدر گفت: «چرا نیامدی؟» فرزند گفت: «خجالت کشیدم که بیایم. می خواستی بیایم چه بگویم؟ بگویم صبح تا عصر معصیت و گناه کردم؟» این عارف می گوید: «خوب تو که نمی توانی پیش من بیایی و حساب پس بدهی، فردا در مقابل خدای متعال چگونه می خواهی جوابگو باشی؟ با توجه به اینکه تو اطلاعاتی را که به من می دهی

ص: ۱۳۷

یک سری اطلاعات عادی است که من نمی توانستم راست یا دروغ بودنش را هم بفهمم و آنچه را تو می گفتی می شنیدم.»

ساعه يحاسب فيها نفسه؛ از نفس خودش حساب بکشد. امام جواد علیه السلام فرمود: «لیس منا من لم يحاسب نفسه؛» (۱) از ما نیست کسی که هر روز از نفس خودش حساب نکشد.» امروز چه کرده و به چه چیزی مشغول بوده است. محاسبه یکی از نقاط حساس در زندگی «سالکین الی الله» است. امام خمینی رضوان الله تعالی علیه مسأله محاسبه، مراقبه و مشارطه را در کتاب «اربعین حدیث» بیان نموده. در آنجا به این مطلب به خوبی اشاره می کنند. انسان خوب است با این نفس یک سری قرارهایی بگذارد که ما در میان علما و حالاتشان این مسأله را می بینیم که با خودشان عهد می کنند، مشارطه می کنند که اگر خطایی امروز از من سر زد، فردا باید روزه بگیرم. و یا دیده شده که خیلی از افراد در ابتدای راه وقتی با نفس خود مشارطه و محاسبه می کردند، سنگریزه در دهان خود می گذاشتند که یادشان بیاید این سنگریزه علامت این است که مثلاً غیبت نکنند، مرتکب گناه و معصیت نشوند.

ص: ۱۳۸

۱- ۱. «اصول کافی»، ج ۲، ص ۴۵۳؛ «الوسائل»، ج ۱۶، ص ۹۵. با دقت در آیات الهی و روایات معصومین علیهم السلام در می یابیم که حجابی و پرده ای بزرگتر از هوای نفس بین بنده و خداوند عالم وجود ندارد. به همین دلیل دستور داده اند هر روز از نفس حساب کشیده شود به این معنا در صورت انجام کار خوب درخواست توفیق بیشتر از خدا نماید و در صورت خطاء و معصیت دست به سوی پروردگار برداشته طلب آموزش کرده توبه نماید و بزرگان از علمای اخلاق یکی از مراحل مهم در راه سازندگی را «محاسبه» می دانند. نک: «چهل حدیث» تألیف امام خمینی رحمه الله .

در حالات امام رحمه الله می نویسند که ایشان وقتی صحبت از غیر به میان می آمد سریعا صحبت را عوض می کرد و می فرمود: «از یک چیز دیگر صحبت کنید. الآن دیگر لازم نیست که از فلان مطلب یا شخص حرفی بزنید».

در مورد شیخ عباس قمی (رحمه الله) می نویسند که از اول عمرش نه خودش غیبت کرد و نه اجازه داد کسی نزد او از دیگری غیبت کند.

در دعای افتتاح می خوانیم: اللَّهُمَّ انی افتتح الثناء بحمدک و انت مسدد للثواب بمنّیک... وَ اَيَقَنْتُ انت ارحم الراحمین. بعد جمله ای در همین دعا هست که می فرماید: اشد المعاقبین فی موضع النکال و النقمه. من یقین دارم که تو اشد المعاقبین هستی. اگر یقین داریم آن چیزی که در مناجات گفتی، در ساعت عمل باید دیده بشود، ساعتی که حساب از این نفس کشیده بشود.

روایت داریم که صبح اعضاء و جوارح بیدار می شوند و نزد زبان می آیند و می گویند: «ای زبان، امروز ما را آرام بگذار و اجازه بده که آبرو و شخصیت دیگران در امان باشد. امروز دیگر گناه نکن و مرتکب معصیت خدا مشو.»

«یحاسب فیها نفسه. یعنی کنترل و حساب کشیدن از نفس، خداوند قسم می خورد به روز قیامت و قسم می خورد به نفس لوامه، چه دگرگونی و تغییراتی در قیامت حاصل می شود، نفس لوامه هم باید در انسان دگرگونی ایجاد کند. «لا اقسم بیوم القیامه * و لا اقسم بالنفس اللوامه».(۱) این حروف «لا» زائده است و

ص: ۱۳۹

معنای آیات این نیست که قسم نمی خورم. معنا مثبت است، یعنی قسم می خورم به قیامت و به نفس ملامت گر و سرزنش کننده ای که انسان را مورد خطاب قرار می دهد که ای نفس چرا امروز به گناه آلوده شدی و باعث شدی که من به دیگری ظلم روا بدارم، آبروی دیگری را ببرم و...

ساعت تفکر

ساعه یتفکر فی صنع الله. و یک ساعتی هم باید انسان مؤمن برای تفکر در عظمت و آفرینش خدا اختصاص بدهد. در صفات خدا فکر کند. در چیزی که براساس یک حکم «کُنْ فیکون» خدای متعال او را، عالم هستی را آفریده و لباس هستی بر تن آنها پوشانیده بیندیشد. امام صادق علیه السلام فرمود: وجدت علم الناس فی اربع: اولها، ان تعرف ربک، ثانیها، ان تعرف ما اراد بک، ثالثها، ان تعرف ما صنع بک، و رابعها، ان تعرف ما یخرجک من دینک. (۱) من علم همه مردم را در چهار جمله یافتم. اول این که دقت بکنی پروردگارت کیست و او را بشناسی (خداشناسی). دوم این که خدای تو از تو چه چیزی خواسته است (هدف آفرینش چه بوده) و سوم این که بشناسی که خدا چه ساخته، و چهارمین جمله این است که اَنْ تعرف ما یخرجک من دینک. نقطه ضعف را بشناسی و بدانی چه چیزی تو را از دین خارج می سازد. برای کسب این

ص: ۱۴۰

معرفت و شناخت هم خیلی نیاز نیست که انسان جای دوری هم برود. همین که انسان می بیند رفیقش تنزل پیدا کرد، یا کسی از یک منصب و پستی که برایش عزت است به واسطه بی پروایی، خلاف و بی قانونی تنزل پیدا کرد، برای دیگران کافی است که فکر کنند که او چه کرد که این گونه شد. همان چیزی که باعث ذلت او شد، برای دیگری درس عبرت باید بشود.

ساعه یتفکر فی صنع الله. انسان باید در عظمت این عالم در اطراف و اکناف عالم نگاه و تفکر کند. حضرت ابی عبدالله علیه السلام در مناجات و دعای عرفه می فرماید: الهی عمیت عین لا- تراک؛ کور باد آن چشمی که تو را و عظمت تو را نبیند. قدرت، حکمت و نظم مقرر در عالم را درک ننماید.

بهره حلال

و ساعه یخلى فیها للمطعم و المشرب. آخرین بخش جمله امام اشاره می کند به اینکه انسان یک ساعتی هم برای استراحت، تفریح، خوردن و آشامیدن خود مشخص کند. ساعت مناجات، محاسبه نفس و تفکر و استفاده از حلال خدا که در روایات و آیات به آنها اشاره شده، خیلی مهم است.

حضرت اول ساعت مناجات با خدا را مطرح می کند و در آخر روایت به ساعت مختص به استفاده از روزیهای حلال و خوردنیها و آشامیدنیها اشاره شده است اولی یعنی مسأله مناجات و راز و نیاز غذای روح آدمی است و دومی که خوردنیها باشند غذای

جسم. باید اصول را شناسایی کرد، اصل در وجود انسان همان جنبه روحانی اوست. حضرت علی علیه السلام فرمود: خداوند دنیا را به عنوان اجر و مزد برای اولیای خودش قرار نداده و برای کفار هم عذاب قرار نداده است. خداوند مقرر نکرده کسی که کافر است از دنیا بهره ای نبرد.

نقل است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله با عده ای از یارانش از محلی می گذشتند. به چوپانی رسیدند و عرض حاجت کردند و گفتند که ما تشنه ایم. چوپان چیزی به آنان نداد که بنوشند. حضرت دعایی برای این شخص نمودند و فرمودند: «خدا مالت را زیاد کند». از این محل گذشتند. به جای دیگری رسیدند و به شخص دیگری عرض حاجت کردند و گفتند که تشنه ایم. شخص گفت: «این گوسفندها را بدوشید و شیر آن را بخورید.» بعد از نوشیدن و رفع تشنگی حضرت فرمود: «خدا به اندازه کافی به تو بدهد». راوی می گوید: «من خیلی تعجب کردم که یا رسول الله این چه دعایی است؟ به آن کسی که اصلاً چیزی به ما نداد و توجهی نکرد، دعا کردی که خدا مالت را زیاد کند و این دومی را دعا کردی که به اندازه کافی خدا به تو بدهد؟» حضرت فرمود: «زیادی مال گرفتاری می آورد». حکایت ثعلبه که جزء اولین کسانی بود که به مسجد وارد می شد و با دعای پیغمبر و برکت آن دو درهمی که پیغمبر به او داد، به سرمایه ای رسید و گله گوسفندی تشکیل داد و به جایی رسید که وقتی مأمورین پیغمبر برای گرفتن زکات نزد او آمدند، از دادن زکات امتناع کرد و گفت: «من زحمت کشیدم و

دسترنج خودم هست» نمونه خوبی برای عبرت آموزی است.

امام صادق علیه السلام به عنوان بصری فرمود: حالا که مرد ۹۴ ساله ای هستی و از من سؤال و تقاضا کردی به تو بگویم که: «العبد لا یملک شیئا» (۱) این را مطمئن باش که عبد مالک هیچ چیزی نیست و نخواهد بود. ما همه عبد او هستیم و دقت باید بکنیم که در ید قدرت حضرت حق هستیم. باید تلاش کنیم همه ساعات ما ساعات توجه و ذکر خدا باشد. خدا توفیق بدهد که در این روزهای باقیمانده از ماه مبارک رمضان اگر از بدی ها و غفلت رها نشدیم، خودمان را رها کنیم. ان شاء الله.

پروردگارا ما را اهل محاسبه و مراقبه قرار بده؛ خدایا روزی ما حلال، دوستان ما صالح و عاقبت همه ما را ختم به خیر بفرما؛ بارالها لذت عبادت، علم و تفکر به همه ما روزی فرما.

ص: ۱۴۳

خورشید دوّم (۱)

نیمه ماه مبارک رمضان سالروز میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام است. این روز را به محضر آقا امام زمان علیه السلام و همه ارادتمندان و شیعیان آن بزرگوار تبریک عرض می کنیم.

امام مجتبی در نیمه ماه مبارک رمضان سال ۳ یا ۴ هجری در مدینه منوره متولد شدند. مناسب است در طول سال سیره ائمه به ویژه سیره و زندگانی امام مجتبی علیه السلام بیشتر مورد بررسی و بیان قرار گیرد.

در دعای امروز آمده است: «اللهم ارزقنی فیہ طاعه الخاشعین و اشرح فیہ صدری بانابه المخبّتین بامانک یا امان الخائفین» امام حسن مجتبی جزء خاشعان واقعی است و شاید دعای امروز بی ارتباط با وجود مقدس حضرت و میلاد آن بزرگوار نباشد.

ص: ۱۴۴

به هر حال بعضی فکر می کنند اختلاف ما و اهل سنت در مسأله امامت آن است که ما می گوئیم جانشین پیغمبر را پیغمبر باید تعیین کند و باید معصوم هم باشد. در حالی که اختلاف اینجاست که ما می گوئیم جانشین پیامبر را باید خدا تعیین بکند و پیغمبر اعلام بکند. در این تعیین، پیامبر نقش مبلغ را دارد: «یا ایها الرسول بَلِّغْ ما أنزل الیک من ربِّک» (۱).

البته جانشین باید خصوصیات پیامبران را داشته باشد. یعنی باید دارای علم، تقوا، عصمت، اخلاق و همه کمالات باشد تا جایی که سید مرتضی می گوید: «امام از نظر کمال و جمال باید در حد اعلی باشد.

پس ما یک قاعده کلی داریم که دوازده جانشین پیامبر از این نظر با هم مشترک هستند. یعنی خصوصیات امام اول را امام دوازدهم هم دارد. علمی که امام اول دارد امام دوازدهم هم دارا است و لذا فرقی از این جهت بین ائمه نیست. از این مقدمه نتیجه می گیریم که اگر درباره یکی از ائمه مطلبی کمتر شنیدیم یا کمتر مطلب نقل شد، به خاطر خصوصیات و شرایط عصر ائمه و اطلاعاتی است که ما از تاریخ در اختیار داریم.

ص: ۱۴۵

۱. دوران ولادت و کودکی حضرت تا رحلت پیامبر اکرم و شهادت مادر بزرگوارشان حضرت زهرا یک دوره ۷ الی ۸ ساله نسبتاً طولانی که این دوره بسیار حساس است؛

۲. دورانی که از شهادت یا رحلت پیامبر و شهادت حضرت صدیقه علیهاالسلام شروع می شود. از سال یازدهم تا شهادت امام علی علیه السلام. این دوران هم طولانی است. از سال یازدهم تا ۴۱ دوران نوجوانی و جوانی؛

۳. دوره سوم از آغاز امامت، رهبری و حکومت [شش ماهه] تا صلح با معاویه؛

۴. دوره چهارم از زمان صلح تا زمان شهادت.

دوره اول یعنی دوران ولادت و کودکی حضرت از درخشانترین دوره های حیات اسلام و مسلمین است و امام حسن و امام حسین علیهماالسلام از ابتدای کودکی تا ۷ سالگی در کنار شخصی چون پیامبر اکرم رشد کردند در خانه ای که در این خانه وحی نازل می شود یعنی محل رفت و آمد فرشتگان است بزرگ شدند. در زیارت جامعه کبیره هم می خوانیم: «السلام علیکم یا اهل بیت النبوه و موضع الرساله و مختلف الملائکه» مختلف الملائکه به معنای آن است که این خانه محل رفت و آمد ملائکه بوده است. «مختلف الملائکه» یعنی عده ای می آمدند و عده ای می رفتند.

پدر آن بزرگوار حضرت علی علیه السلام، مادر حضرتش فاطمه علیهاالسلام،

جد او پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم ، جده او حضرت خدیجه علیها السلام ، در سوره الرحمن آمده است: «مرج البحرین یلتقیان بینهما برزخ لا یبغیان فبای آلاء ربکما تکذبان یرج منهما اللؤلؤ و المرجان».(۱)

برزخ همان مکتب پیامبر اکرم است دین، اخلاق و وجود پیامبر اکرم که موجب تعادل است اجازه تعدی به هیچ کس نمی دهد. «یرج منهما اللؤلؤ و المرجان» لؤلؤ و مرجان امام حسن و امام حسین علیهما السلام هستند در یک همچو خانه و خاندانی فرزندان به دنیا آمد. سکاندار همه برنامه ها هم پیامبر خداست. انتخاب اسم، قربانی هم توسط پیامبر صورت می گیرد. امام علی علیه السلام با حضور پیامبر از حضرت پیشی نمی گیرد. گفته اند حتی خطبه و جملات صادره از امام علی چون نهج البلاغه همه مربوط به بعد از رحلت پیامبر اکرم است. تا پیامبر زنده بود به خود اجازه نمی داد در محضر پیامبر سخنی بگوید. برای انتخاب اسم پیامبر فرمود: باید منتظر جبرئیل باشیم. جبرئیل نازل شد: یا رسول الله نسبت علی به تو مانند نسبت هارون به موسی است. شما اسم فرزندان هارون را انتخاب کنید شَبْر، شُبیر که عربی آنها می شود حسن و حسین.

بعد از انتخاب اسم دستور دادند برای حضرتش عقیقه و قربانی کردند. از مسائلی که خیلی درس آموز است اینکه طبق نقل تاریخ، پیامبر در این امور شخصا دخالت کرده و اقدام می کند.

درباره فرزندان دیگران هم حضرت چنین بی تکلف عمل می کند.

ص: ۱۴۷

نه تنها فرزندان خودشان را دوست داشتند بلکه فرزندان دیگران را هم دوست داشتند. در جایی دارد که پیامبر نمازشان را سریع به پایان رساندند و این به علت گریه بچه ای بود که در مسجد حضور داشت. در جایی دارد نماز یا سجده حضرت طولانی شد. سؤال شد: «چرا سجده طولانی شد؟ آیا وحی نازل شد؟» حضرت فرمودند: حسن یا حسین روی دوش من بودند.

پیامبری که معلم ثانی بشر است «یزکیهم و یعلمهم الكتاب و الحکمه»^(۱) معلم اول خود خداست «الرحمن علم القرآن» چنین برخورد می کند با فرزندان خود و دیگران.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم به امام حسن و امام حسین علیهما السلام محبت فراوان ابراز می کردند. برخی می گویند این محبتها طبیعی بوده؛ چون پیامبر نوه های خود را دوست داشته است. باید گفت پیامبر درباره فرزندان امام علی علیه السلام مطالبی را می گوید که معمولاً پدر بزرگها و پدرها این چنین محبت خود را ابراز نمی دارند. مثلاً در جمله ای حضرت درباره فاطمه زهرا علیها السلام فرموده اند «فاطمه بضعه منی؛ فاطمه پاره تن من است. «من آذاها فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله. کسی که می خواهد بگوید دخترم را دوست دارم آیا چنین سخن می گوید؟ پیامبر اذیت دخترش را اذیت خود و اذیت خود

ص: ۱۴۸

را اذیت خدا می داند. دقت کنید.

محمد بن اسماعیل بخاری از علمای اهل سنت از شخصی به نام ابی بکره نقل می کند^(۱) رأیت النبی علی المنبر و الحسن بن علی معه و هو یقبل علی الناس مرّة و ینظر الیه مرّة و یقول ابنی هذا سید. اینها زمینه ای بوده برای اعلام امامت امام حسن علیه السلام در جامعه در جمله ای دارد: من احب الحسن و الحسین فقد احبنی و من ابغضهما فقد ابغضنی.^(۲)

شاید حضرت مردم را برای پذیرش محبت اهل بیت که در قرآن مزد و اجر رسالت قرار داده شده است آماده می کند.

خدایا ما را جزء بهترین شیعیان امام مجتبی علیه السلام قرار بده.

ص: ۱۴۹

۱- ۱. «الجامع الصغیر»، ج ۳، ص ۳۱.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۴۲، ص ۲۴۶.

در قرآن کریم چند خانواده معرفی شده اند که این خانواده ها هر کدام ویژگی هایی دارند و به خاطر همین خصوصیات هم معرفی شده اند. یک خانواده هست که همه اعضای آن بهشتی هستند. این زن و شوهر امام علی و حضرت زهرا علیهما السلام هستند و قرآن در سور دهر (انسان) ایشان را به عنوان ابرار معرفی می کند و خدا برای ایشان نعمتهایی را در نظر گرفته است «ان الابرار یشرّبون من کاس کان مزاجها کافورا»^(۱).

این آیات شأن نزول هم دارد. امام حسن و امام حسین علیهما السلام مریض شدند و امام علی و حضرت علیهما السلام زهرا نذر کردند و سه روز روزه گرفتند و هنگام افطار هر سه روز غذای خود را به خاطر خدا به مسکین، یتیم و اسیر دادند.

«... یطعمون الطعام علی جبه مسکینا و یتیم و اسیرا» ضمیر جبه

ص: ۱۵۰

بر می گردد به «اللّٰه» یا اینکه با توجه به اینکه میل داشتند و دوست می داشتند که غذا را خود بخورند، آن را دادند به نیازمندان که، در این صورت بر می گردد به «طعام». البته آن معنای اول خیلی مهم است برای خدا بدهند. مسکین و یتیم و... در جامعه اسلامی هم هست. اما گروه سوم خیلی مهم است که اسیر است. اسیر در جامعه آنروز از مسلمانان نبود. قاعدتا این اسیر جزء کافران بوده است. با این حال او نیز از در خانه امام علی صلی الله علیه و آله وسلم دست خالی برنگشت. شعار این وفا کنندگان به نذر این بود «انما نطعمکم لوجه الله لا نريد منکم جزاء و لا شکورا» یعنی شکر عملی را که نمی خواهیم هیچ بلکه قدردانی و تشکر زبانی و لسانی هم نمی خواهیم اراده همچنین چیزی را هم نداریم. قرآن می فرماید: به چنین انسانهایی بهشت را دادیم «و جزاؤهم بما صبروا جنّۃ و حریرا» هم بهشت هم بهترین لباس که پوشش ویژه ای است «بطائنهما من استبرق»، آستر آن از بهترین جنسهاست. خصوصیات ایشان: وفای به نذر، خدا ترسی و توجه به قیامت و برای خدا اقدام کردن و غذا را به خاطر خدا به فقیر و یتیم و مسکین دادن است. بزرگان می فرمایند: «هرگز شخص نیازمند را دست خالی برنگردانید. سعی کنید با کمترین مبلغ هم که شده او را یاری کنید.»

امام سجاد علیه السلام وقتی صدقه می دادند دست خود را می بوسید می فرمود مسکین و فقیر نماینده خداست.

خانواده دوم خصوصیات خانواده اول را ندارند. در این خانواده زن اهل بهشت است، ولی شوهر اهل جهنم است. سوره مبارکه تحریم داستان فرعون و همسرش حضرت آسیه را نقل کرده. گاهی ممکن است انسان با کسی زندگی کند که اهل جهنم بوده باشد، کما اینکه رفقای انسان هم ممکن است چنین وضعی داشته باشند. در روایت داریم لو تکاشفتم ما تدافنتم اگر بدانید؛ همدیگر را بشناسید همدیگر را حتی دفن نمی کنید. ولی خدا ستار العیوب است. این صفتی است که گفته اند انسان باید این صفت را از خدا یاد بگیرد.

به هر حال در این خانواده، زن گوهر ایمان خود را حفظ می کند. ارتباط خود با حجت خدا را ترک نمی کند و می شود اهل بهشت. شوهر او فرعون بوده است که در زمین حتی ادعای خدایی کرد. به اصطلاح او یک شوهر معمولی نبود. فرعون در مقابل حضرت موسی گفت من هم مثل خدای تو زنده کرده و می میرانم «أنا أحي و أميت».

غرور فرعون

فرعون می گفت «انا ربکم الاعلی» خدای بزرگ شما من هستم. در بحث سحره و جادوگران فرعون می گفت شما چرا

بدون اجازه من ایمان آوردید؟ یقین پیدا کردید که کار موسی معجزه و او پیامبر خداست؟ آنچنان غرور داشت که فکر می کرد دل‌های مردم هم در اختیار او باید باشد!

زن او آسیه در کنار او ایمان خودش را حفظ می کند. اینها معنایش این است که ما بهانه ای برای معاصی و گناهان خودمان نداریم که بگوییم در جامعه بدحجابی هست، پس دختر من هم می تواند بدحجاب باشد! و یا خدای ناکرده معاصی دیگر.

به بهانه اینکه دیگران ممکن است اهل ربا باشند، پس چاره ای نیست. داستان امثال حضرت آسیه حجت هست از طرف خدا بر مردان و زنان. خدا او را ضرب المثل و مثل اعلی قرار داده است. «ضرب الله مثلاً للذین آمنوا امرأه فرعون» الگو برای زنان و مردان. ما باید گوهر ایمان خودمان را حفظ کنیم. مقام معظم رهبری نسبت به مواظبت از دین و ایمان خود و اطرافیان به ویژه خانواده ها تأکید کردند به ویژه به مسئولین این مطالب را فرمودند. (۱)

ما در قبال دین، اخلاق و ایمان خانواده مسئولیت داریم. عزیزان فردای قیامت به ما گفته خواهد شد کسی در خانه طاغوت دینش را حفظ کرد، چطور شما در کشور اسلامی و شیعه، کشوری که ۲۵۰ هزار شهید برای دفاع از قرآن و دین داد دینتان را حفظ نکردید؟

ص: ۱۵۳

ضرب الله مثلاً للذين آمنوا این شامل زن ها و مردها می شود. حضرت آسیه الگوی دینداری برای همه است. او این چنین با خدا مناجات می کرد: «رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة» عرضه می دارد خدایا درست است که دنیای من در کنار فرعون جهنم است ولی تو نزد خودت برای من خانه ای در بهشت بنا نما.

واقعا داشتن همنشین بد، رفیق بد و همسایه بد خیلی سخت است. در دعای سمات دارد که خدایا من از همسایه بد به تو پناه می برم. حضرت آسیه در دنیا همنشین خوبی نداشت، ولی ایمان و عقیده خود را به بهترین وجه حفظ کرد و شد مثل دینداری و بندگی و نامش در قرآن جاودانه شد.

«سبحان الذی اسرى بعبدہ لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی الذی بارکنا حولہ» (۱) پاک و منزّه است خدایی که در مبارک شبی بنده خود (محمّد صلی الله علیه و آله وسلم) را از مسجد الحرام (مکه معظمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را (به قدم خاصان خود) مبارک ساخت، سیر داد.

شهادت امام علی علیه السلام را به ساحت مقدس امام عصر علیه السلام و همه شیعیان بویژه شما عزیزان تسلیم عرض می نمایم. در میان همه شخصیت هایی که می شناسیم در تاریخ نمی توانیم برای امیر المؤمنین علیه السلام یک نظیر و نمونه بیاوریم. معروف است که گفته اند: «اهل البيت ادری بما فی البيت» کسی که از مقام عصمت از علم امام خبر ندارد نمی تواند درباره امیر المؤمنین سخن بگوید. امروز به نظرم آمد که این بحث مطرح شود که اقا امیر المؤمنین خود را چگونه معرفی می کند. در قرآن خداوند عالم پیامبر را معرفی کرده

ص: ۱۵۵

است با اسمها و صفات گوناگون با عنوان «رسول» «نبی» (۱) «خاتم النبیین» «سراج منیر» «بشیر و نذیر» «داعیا الی الله» «حریص علیکم بالمومنین رؤوف رحیم» (۲) پیامبر به هدایت شما خیلی راغب و حریص است. نسبت به شما رؤوف و رحیم است. در ادامه دارد «عزیز علیه ما عنتم» اگر چیزی شما را به زحمت بیندازد برای پیامبر موجب ناراحتی را فراهم می کند، چون مهربان است. اگر پیغمبر ببیند کسی در مشکلات زندگی گرفتار است، ناراحت می شود. این ها برخی از خصوصیات و صفات پیامبر بود. اما برجسته ترین صفات پیغمبر کدام است؟ در قران کریم برجسته ترین صفت پیامبر آن است که در سوره اسرا و فرقان آمده، سوره اسرا می فرماید «بسم الله الرحمن الرحیم، سبحان الذی اسرى بعبده لیلا من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این آیات اشاره دارد به معراج پیامبر اکرم، ولی نمی گوید اسری برسوله، اسری بنیه و... می گوید ما بنده خود را بردیم و سیر دادیم. برجسته ترین صفت پیامبر همان «عبودیت» و «بندگی» برای خداست.

در سوره فرقان می فرماید «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیرا» (۳) آنچه موجب نزول قران بر نبی مکرم اسلام شد، همان بندگی بود. پیامبر چون بنده خدا و عبد خداست، قرآن بر او نازل شد. مسوولیت پیامبری به شخصی واگذار شد که عبد

ص: ۱۵۶

۱- ۱. انفال، ۶۵ _ ۶۴.

۲- ۲. توبه، ۱۳۸.

۳- ۳. فرقان، ۱.

در قرآن کریم درباره پیامبران دیگر هم چنین می بینیم وقتی خدا مسئولیتی را به ایشان واگذار می کند آنها را با عنوان بندگی معرفی می کند. در داستان جالب و خواندنی و عبرت آموز حضرت مریم و حضرت عیسی علیهما السلام این نکته بسیار برجسته و ممتاز است. حضرت مریم وارد شهر شد با کودکی که در گهواره بود. وقتی سؤال شد، حضرت به کودک اشاره کرد. یعنی پاسخ را از او بشنوید. مردم گفتند «کیف نکلم من کان فی المهد صبیا» (۱) حضرت عیسی به قدرت الهی سخن گفتن را آغاز کرد. «قال انی عبد الله اتانی الکتاب و جعلنی نبیا و جعلنی مبارکا» اولین چیزی که عیسی بن مریم می گوید «عبد بودن» است. سپس می گوید «اتانی الکتاب» آنچه موجب اعطای این مقام شده است «بندگی» است.

ما هر روز در نماز در تشهد چنین می گوئیم «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله» ما ماموریم در تمام نمازها ابتدا شهادت به وحدانیت خدا، سپس شهادت به بندگی پیامبر و رسالت او بدهیم، بندگی پیامبر بر رسالت حضرت در این شهادت مقدم است.

بزرگترین افتخار

حالا بعد از این مقدمه ببینیم امام علی علیه السلام خودش را چگونه معرفی می کند. در یک جا می فرماید «الهی کفی بی عزا ان اکون

ص: ۱۵۷

لک عبدا و کفی بی فخرا ان تکون لی ربا» خدایا این عزت برای من کافی است که بنده تو باشم، و این افتخار برای من بس است که تو خدای من باشی.

این جملات حتی در دوران قدرت و حکومت امام علی علیه السلام مطرح می شود. در نهج البلاغه جاهای فراوانی وجود دارد که حضرت با صفت «بنده خدا» بودن خودش را معرفی کرده است. در اوج قدرت و حکومت، وقتی مالک را به استانداری مصر منصوب می کند نامه ۵۳ را که طولانی ترین نامه حضرت هست، به عنوان منشور حکومتی می نویسد.

بسم الله الرحمن الرحيم من عبد الله علي بن ابي طالب اين بزرگترین افتخار است که علی علیه السلام بنده خداست. در نامه ای که برای مردم مصر می فرستد همزمان با فرستادن مالک می گوید: این نامه از بنده خدا است.

حتی در میدان جنگ جزء بندگی چیز دیگری را ما شاهد نیستیم. داستان جنگ خندق را بارها شنیده ایم که چگونه حضرت تسلیم امر الهی بوده و بندگی خدا را به ما و تاریخ بشریت نشان می دهد.

حماسه اخلاص

امام علی با آن قدرت و هیمنه در سن جوانی این حماسه اخلاص را به نام خود ثبت کرد «ضربه علی يوم الخندق افضل من عباده الثقليين» می گویند وقتی خواهر عمرو بن عبدود شنید

ص: ۱۵۸

برادرش در کارزار با امام علی علیه السلام کشته شده گفت: «ناراحت نیستیم؛ چون برادرم به دست یک جوانمرد کشته شد!»

نقل است وقتی امام علی علیه السلام در مقابل عمرو قرار گرفت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «تمام اسلام در برابر تمام کفر قرار گرفت.»

وقتی عمرو شکست خود را قطعی دید توهین کرد و آب دهان خود را به طرف امیر المؤمنین انداخت. حضرت برخاست و پس از لحظاتی او را به درک واصل کرد. وقتی سوال می شود حضرت می فرماید: خواستم این کار خالصاً برای خدا انجام بگیرد. یعنی اخلاص و بندگی. حضرت نمی خواهد برای فرونشاندن خشم خود اقدامی بکند.

سلام بر خوبان

در قرآن، خدا پیامبران خود را می ستاید «سلام علی نوح فی العالمین»^(۱) علت این سلام چیست؟ در آیات دیگر پاسخ را در می یابیم «انه من عبادنا» اینها به خاطر بندگی خداست.

در جایی آمده است «سلام علی موسی و هارون»^(۲) چرا؟ برای اینکه «اُنهما من عبادنا».

ما در سراسر نهج البلاغه این را می بینیم. شخصیتی که در تمام دوران رسالت در همه ی جبهه ها و عرصه ها پیشقدم است امام علی علیه السلام می باشد. در داستان «یوم الانذار» اولین کسی که ایمان به

ص: ۱۵۹

۱- ۱. صافات، ۷۹.

۲- ۲. صافات، ۱۲۰.

خدا و پیامبر را ابراز می دارد و اعلام وفاداری می کند.

در اقامه نماز، اولین مرد مسلمان که همراه پیامبر نماز گذارد.

برخورد حضرت با برخی عوامل دخیل در بیت المال در یمن نمونه خوبی است. برای اینکه انسان خداخواهی و خدا محوری را در جای جای زندگی حضرت ببیند جمله «خشن فی ذات الله» از پیامبر اکرم درباره امام علی علیه السلام صادر شد.

به همین دلیل دیگران نتوانستند حضرت را تحمل کنند. امثال طلحه و زبیر چرا از حضرت فاصله گرفتند. تنها دلیل آن، این بود که حضرت آنچه می خواست بندگی خدا بود.

خانه زاد خدا

امام علی در همه میدان ها ممتاز است: تولد در خانه کعبه، شهادت در خانه خدا، مسجد کوفه، وقتی حضرت مریم می خواهد عیسی مسیح صلی الله علیه و آله وسلم را به دنیا بیاورد به او فرمان داده می شود که از بیت المقدس بیرون برود. یعنی این جا عبادتگاه است نه زایشگاه.

ولی فاطمه بنت اسد با نوزادی که به دنیا می آورد سه روز میهمان خانه خدا می شود، اینکه حضرت در مسجد کوفه بعد از ضربت خوردن فرمودند: «فرت ورب الکعبه» کانه به گونه ای بین کعبه و کوفه پیوند برقرار می شود حضرت با قسم اعلام می دارد که این شهادت مایه رستگاری من است. عزیزان این مقام و عظمت منحصر به فرد است. حضرت امام مجتبی علیه السلام شب ۲۱ پس از دفن

ص: ۱۶۰

بدن مطهر پدر به مردم گفت: کسی را امشب به خاک سپردیم که مثل و مانندی برای او وجود ندارد.

واقع مطلب همین است. امروز هم اگر ما در سوگ می نشینیم، به خاطر این است که بشریت را از برکات وجود حضرت محروم کردند. آقایی در همه دور آنها متعلق به ائمه است. ایشان علاوه بر انسانها و بشریت به آسمان و زمین، آفتاب و ماه سیادت و آقایی دارند.

ص: ۱۶۱

۱. قدر به معنای اندازه گیری، تقدیر و حدود نگه داشتن است. امام رضا علیه السلام می فرماید: «يقدر فيها ما يكون في السنة من خير او شر او مضره او رزق او اجل و لذلك سميت ليله القدر» (۱) مقدرات انسان برای یکسال در این شب مقدر می شود. پس گفته شده: شب قدر و شب تقدیر.

۲. قدر به معنای ضیق، تنگی هم هست. علت این نام این است که گنجایش زمین به خاطر حضور ملائکه کم می شود. «تنزل الملائکه والروح» (۲) دائما فرشتگان فرود می آیند به همراه روح. حالا- روح آیا جبرائیل امین است یا فرشته دیگری، بحثی است مستقل.

البته ما در هر لحظه تحت نظر فرشتگان و مأموران قرار داریم

ص: ۱۶۲

۱- ۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲.

۲- ۲. قدر، ۴.

۳. قدر به معنای ارزش، ارج، منزلت، لِأَنَّ من لم یکن ذا قدر اذا احیایا صار ذا قدر کسی که دارای مقام و منزلت نبود، وقتی شب قدر را احیا بدارد صاحب منزلت، ارزش و ارج می شود.

این سه معنایی که به آن اشار کردیم هر سه معنا هم درست است طبق بیان قران کریم در سوره دخان آمده «فیها یفرق کل امر حکیم» این می شود معنای اول. تنزل الملائکه والروح بیان کننده همان معنای دوم است که به خاطر فرود آمدن فرشتگان زمین ضیق می شود.

شب قدر از جمله مناسبتهایی است که هر سال هم تکرار می شود. مناسبتهایی را در طول تاریخ داریم که یکبار بیشتر نبوده مانند: عید مبعث، غدیر و... مراسمی که امروز در ۲۷ رجب برگزار می شود، به عنوان بزرگداشت و سالگرد آن واقعه مهم است.

شب قدر مانند عید قربان است که هر سال تکرار می شود.

شب قدر در احادیث قدسی

ما احادیثی داریم با عنوان احادیث قدسی که به عنوان وحی نیست، تفاوت دارد با قرآن. یعنی مانند قرآن نمی شود در نماز خواند. این جملات نورانی دارای معارف بلندی است و از سوی

ص: ۱۶۳

پیامبر اکرم و ائمه معصومین علیهم السلام در خیلی از جاها بیان شده است. مثلاً امام علی می فرماید که خدا به حضرت موسی چنین گفت.

مرحوم سید بن طاووس نقل کرده از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم: قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم قال موسى: الهی ارید قربک قال قربی لمن استیقظ لیلہ القدر. قال: الهی ارید رحمتک قال: رحمتی لمن رجم المساکین لیلہ القدر. قال: الهی ارید الجواز علی الصراط قال: ذلک لمن تصدق بصدقہ فی لیلہ القدر. قال: الهی ارید من اشجار الجنه و ثمارها قال: ذلک لمن سبّح تسبیحہ فی لیلہ القدر. قال: الهی ارید النجاة من النار قال: ذلک لمن استغفر فی لیلہ القدر. (۱)

رسول خدا فرمود: حضرت موسی عرض کرد: «پروردگارا می خواهم به درگاه تو نزدیک شوم.» خدا فرمود: «تقرّب به درگاه من برای کسی است که در شب قدر بیدار باشد.» موسی عرض کرد: «خواهان رحمت تو هستم.» فرمود: «رحمت من برای کسانی است که در شب قدر به نیازمندان رحم نمایند.» موسی گفت: «پروردگارا می خواهم به آسانی از صراط عبور کنم.» فرمود: «عبور از صراط برای کسی است که در شب قدر صدقه بدهد.» حضرت موسی گفت: «پروردگارا از درختان و میوه های بهشتی می خواهم.» فرمود: «اینها برای کسی است که در شب قدر تسبیح خدا بگوید.» عرض کرد: «پروردگارا می خواهم از عذاب نجات یابم.» فرمود: «نجات از عذاب برای کسی است که در شب قدر طلب مغفرت کند.»

ص: ۱۶۴

روایتهای شب قدر از ائمه، مختلف و متفاوت است و نسبتاً هم زیاد که در ادامه به برخی اشاره می شود. امام باقر علیه السلام می فرماید: مَنْ أَحْيَا لَيْلَهُ ثَلَاثَ وَ عَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَ صَيَّأَ فِيهَا مِائَةَ رَكْعَةٍ وَسَعَى اللَّهُ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَ كَفَّاهُ أَمْرَ مَنْ يَعَادِيهِ وَ اعَاذَهُ مِنَ الْغَرَقِ وَ الْهَيْدَمِ وَ الشَّرْقِ وَ مِنَ شَرِّ السَّبَاعِ وَ رَفَعَ عَنْهُ هَوْلَ مَنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ وَ نَوْرُهُ يَتَلَأَلُ لَأْلَاءَ أَهْلِ الْجَمْعِ وَ يُعْطَى كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ... (۱)

امام باقر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که شب زنده داری کند در شب بیست و سوم ماه رمضان و صد رکعت نماز بخواند [به شرط صحت اعمال] خداوند به زندگی او وسعت می دهد و شرّ دشمنانش را از او دفع می نماید و او را از «مرگ» ناگهانی نجات می دهد، و ترس از منکر و نکیر [دو فرشته سؤال قبر] را از او بر می دارد و بیرون می آید از قبرش در حالی که نور چهره اش بر اهل قیامت، پر تو افکنی می نماید و نامه عملش را به دست راستش خواهند داد.

امام صادق و شب قدر

شیخ طوسی آورده اند: کان ابو عبد الله عليه السلام مريضاً مُدْنِفاً فَأَمَرَ فَأُخْرِجَ إِلَى مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله وَسَلَّمَ فَكَانَ فِيهِ حَتَّى أَصْبَحَ لَيْلَهُ ثَلَاثَ وَ عَشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ. (۲)

امام صادق علیه السلام شب ۲۳ ماه رمضان در حالی که مریض و

ص: ۱۶۵

۱- ۱. همان، ص ۲۱۴.

۲- ۲. امال شیخ طوسی، ج ۲، ص ۲۸۹.

تب دار بود، دستور داد او را به مسجدالنبی صلی الله علیه و آله وسلم بردند و تمام شب را تا به صبح در آنجا عبادت کرد.

در شب ۲۳ وارد شده که سوره های دخان، عنکبوت و روم خوانده شود.

در این شبها بهترین چیزها را از خدا بخواهیم، عاقبت بخیری و... ساعات ویژه ای که خداوند در این ماه قرار داده آثار و برکات فراوانی چون پاکی، صداقت، تقوا، و اخلاق، در پی دارد.

پروردگارا آنچه خوبان از تو درخواست می کنند به همه ما کرامت فرما.

ص: ۱۶۶

بحث خانواده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. خانواده چیست؟ خانواده از یک زن و مرد تشکیل می شود با ضوابط و مقررات خاص _ همه خوشبختی ها، بدبختی ها و سازندگی ها هم اساسش همین خانواده است.

وقتی به دنیای اطراف خود نگاه می کنیم می بینیم در خانواده ای که اساس محکمی دارد فرزندان خوب، مفید، کاردان پرورش یافته اند. ولی در خانواده ای که اساس درستی نداشته اند افرادی را تحویل جامعه داده اند که نه تنها باری از دوش جامعه بر نمی دارند که خود باری بر دوش جامعه و خانواده هستند.

مطلبی که هرگز نباید از آن غفلت ورزید اینکه زن و مرد در خانواده مکمل همدیگر هستند. مکتب اسلام به ما می گوید جنسیت در رسیدن به کمال نقش ندارد در جایی فرموده است: «من عمل صالحا من ذکرٍ او انثی فهو مؤمن» تفاوت اگر در خلقت هست در مسؤولیتها هم تفاوت وجود دارد.

در بحث خانواده چون هر مسأله دیگر نیاز به الگو داریم، خاندان پیامبر باید برای مسلمانان الگو و اسوه باشد. قرآن کریم اعضای خانواده را در قبال همدیگر مسؤول می داند «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا» (۱).

ای کسانی که ایمان آورده اید خود و خانواده هایتان را از آتش جهنم نگه دارید و حفظ کنید.

یعنی شما در خانواده اینقدر تأثیر دارید که اگر شما اهل بهشت باشید می توانید خانواده تان را نیز بهشتی قرار دهید، و خانواده بر شما آنچنان تأثیر می گذارد که می تواند شما را جهنمی یا بهشتی قرار دهد. تأثیر متقابل هست.

سعادت، آسایش، آرامش، بهشت و رضوان الهی خواست درونی هر انسانی است. داشتن خانواده بهشتی ملاک هایی دارد بهترین ملاک و معیار برای خانواده الگوهای قرانی است برترین و بهترین اسوه علمی، ایمانی، اخلاقی و عملی شخص رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم است؛ «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» (۲). پیامبر اسوه خدایی است بشر تنها در اخلاق و تربیت الگو نمی خواهد.

در همه زمینه ها سرمشق می خواهد در اقتصاد، فرهنگ، اجتماع، صنعت و تربیت و سازندگی.

ص: ۱۶۸

۱- ۱. تحریم، ۶.

۲- ۲. احزاب، ۲۱.

بینیم پیامبر در خانه با اهل خانه و خانواده پیامبر، با او چگونه اند بخشی از حیات پربرکت پیامبر در کنار حضرت خدیجه گذشته است. حضرت خدیجه نماد صداقت، ایثار و از خود گذشتگی است.

با دقت در کلمات ائمه می بینیم وقتی خود را معرفی می کنند، به عنوان فرزند خدیجه از خود نام می برند و این را برای خود افتخاری بزرگ می دانند.

امام زین العابدین در مسجد شام وقتی خطبه خواند فرمود:...انا ابن خدیجه الکبری... در دعای ندبه وقتی امام زمان را معرفی می کنیم می گوئیم او فرزند پیامبر، فرزند امام علی و امام حسن عسگری و... پسر خدیجه و فاطمه علیهم السلام است... .

ویژگی های حضرت خدیجه

الف: طبق نقل تاریخ از خانواده ای اصیل و اهل علم بوده. در خانواده ایشان اشخاص مهمی چون عموی حضرت ورقه بن نوفل وجود داشته اند. هر چند برخی درباره ورقه مبالغه کرده اند.

ب: او دارای فکری روشن، و از عقل و دانش کافی برخوردار بوده است. نوشته اند دو بار ازدواج کرد و از همسران قبلی مال فراوان به ارث برد. با این حال به تجارت پرداخت، تجارتی که در آن زمان با توجه به شرایط عصر بسیار مشکل بود. قرآن می گوید عرب دو تجارت داشته اند یکی در تابستان و دیگری در زمستان. نبود امنیت کافی موجب خطراتی برای کاروان ها بود، ولی این

خانم با مدیریت و تدبیر کار تجارت را ادامه می دهد. بعضی گفته اند بزرگترین انبارهای کالا در آن زمان متعلق به حضرت خدیجه بوده است. پیامبر هم در سفری تجارتي با کاروان بوده که به دستور خدیجه غلام او میسره مراقب رفتار پیامبر بوده و بعداً برای حضرت خدیجه هم گزارش کرده است.

آنچه در معرفی چهره ها مهم است علم، تدبیر، اخلاق، و فضایل ایشان است، به ویژه اسوه های دینی نیاز به این قصه هایی که همه اش فلانی خواب دید و یا... ندارند.

زینب قهرمان کربلا

درباره حضرت زینب هم چنین بحثی هست که عده ای برای معرفی حضرت سراغ خواب دیدن و امثال آن می روند.

شخصیت حضرت زینب به ایمان، علم، عرفان، حیا، وقار، خداترسی، ایثار، عبادت و... اخلاق کریمانه اوست. او در کربلا حافظ جان امام زمان خودش بود، تبلیغ آیین اسلام می کرد و...

مدیریت حضرت زینب را ملاحظه کنید. او در یکی از سخت ترین و دردناکترین حوادث تاریخ اسلام و در بحرانی ترین شرایط و ظایفی را به انجام رساند، از حق دفاع کرد، قهرمانانه بدون دست برداشتن از اصول و کوتاه آمدن از آنها ایستادگی کرد، به دشمن باج نداد و...

حضرت خدیجه شخصیتی است زمان شناس، آگاه، و انتخاب او هم آگاهانه بوده است. او پیامبر را گمشده خود می دانست

امانتداری، شرافت، بزرگواری، اخلاق کریمانه پیامبر چیزهایی است که خدیجه علیهاالسلام آنها را مورد ستایش قرار می دهد. در تشکیل خانواده هم این مسائل عمده و اساسی باید مورد عنایت واصل باشد.

شخصی محضر امام مجتبی رسید و عرضه داشت: «خواستگار برای دخترم آمده است جواب مثبت بدهم یا خیر؟» امام فرمود: «بین چه جور آدمی است. اگر مؤمن و با تقواست، دخترت را به او بده، چون چنین شخصی اگر دخترت را دوست داشته باشد او را اکرام می کند، احترام می کند و اگر دوست نداشته باشد، در حقش [حداقل] ظلم نمی کند.»

به هر حال حضرت خدیجه مدتی با صداقت، اخلاص، پاکی، و ایثارگرانه با پیامبر زندگی کرد و خدا هم نسل پیامبر را از طریق این بانوی بزرگوار باقی گذاشت. وقتی هم که حضرت خدیجه از دنیا می رود در حدود شصت سالگی پیامبر در فراقش اشک می ریزد، حتی جوری می شود که برخی از زنان پیامبر اعتراض می کنند که چرا به این میزان خدیجه مورد توجه پیامبر است که حضرت پاسخ می دهد: «أَيْنَ مِثْلُ خَدِيجَةَ صَدَّقْتَنِي حِينَ كَذَّبَنِي النَّاسُ» کجا مثل خدیجه یافت می شود. او زمانی که همه مردم مرا تکذیب می کردند، تصدیق نمود و ایمان آورد.

چیزی که موجب ارزش و عظمت برای خدیجه شد، ایمان حضرت بود. رسول خدا روز دوشنبه نماز خواند و طبق نقل تاریخ همسرش آخر وقت هم آن روز به همراه پیامبر و امام علی صلی الله علیه و آله وسلم به

مجموعه این خصوصیات این خاندان را مهمترین خانواده در عالم امکان قرار داده است که بزرگانی چون حضرت زهرا علیهاالسلام که مادر یازده نور پاک می شود در این خانه متولد و تربیت می شود. فرزندی را پرورش می دهد که نور وجودشان از فرش تا عرش را آکنده ساخته است. خدایا درود و سلامت را بر پیامبر و خاندان پاکش فرو فرست؛ همه ما را جزء بهترین پیروان ایشان مقرر فرما.

به مناسبت رحلت حضرت خدیجه در مورد خانواده مقداری بحث شد. قرآن کریم در سوره تحریم می فرماید: «یا ایها الذین امنوا قوا انفسکم و اهلیکم نارا...»^(۱) ای کسانی که ایمان آورده اید خودتان و زن و فرزندان خودتان را از آتش جهنم حفظ و نگهداری کنید. این نکته اهمیت خانواده را می رساند یک خانواده می تواند محل رشد و پرورش افرادی باشد که آنها اهل بهشت و یا خدای ناکرده اهل جهنم اند. همه ما در قبال خانواده مان مسئولیت مهمی داریم. رسول خدا در مورد بنای خانواده می فرماید «ما بنی بناء فی الاسلام احب الی الله من التزویج...» هیچ بنایی در اسلام بنا نشد که محبوبتر از خانواده باشد. اساسی ترین بنا در اسلام خانواده است. همه خوبی ها، سعادتها، تاثیر گذاری ها به همین جا منتهی می شود. در اداره و تربیت خانواده هم ما به الگو نیاز داریم. الگوی

ص: ۱۷۳

ما باید خانواده پیامبر و فرزندان معصومش باشد. شخص رسول خدا به عنوان الگوی حسنه در قرآن معرفی شده است «ولقد کان لکم فی رسول اللہ اسوہ حسنہ...» (۱) پیامبر برای کسانی اسوه حسنه است که امیدشان به خدا و نسبت به قیامت ایمان دارند. پیامبر الگویی امید بخش، نجات آفرین است هم در دنیا و هم در آخرت.

رفتار زن و مرد در خانواده باید مکمل همدیگر باشد. خداوند زن و مرد را جوری آفریده است که آنها می توانند مکمل همدیگر باشند. باید اینان مایه آرامش و آسایش باشند. در سایه این همدلی، سازگاری و تربیت صحیح انسانی پرورش می یابند که منشأ خیرات برای جامعه می شوند. ملاحظه کنید شخصیتی چون حضرت آیه العظمی بروجردی که چهل سال پیش از دنیا رحلت کرده اند، چه میزان بنای خیر نهادند، مسجد، مدرسه، کتابخانه و تربیت صدها شخصیت مفید برای جامعه. این برکات مدیون خانواده آن بزرگوار است.

شخصیت ممتاز علامه طباطبائی صاحب تفسیر ارزشمند «المیزان» که ما برای اثر او قیمت نمی توانیم تعیین کنیم ثمره یک خانواده اصیل، متدین، پاک و با تقواست. انسان مرهون تعلیم و تربیت است. خداوند عالم حتی برای پیامبر که اشرف مخلوقات است مربی قرار داده است و او را به محاسن اخلاق و آداب تربیت

ص: ۱۷۴

همسر شایسته

اینکه در سفارشهای دینی آمده است در انتخاب همسر دقت کنید بهترین و صالحترین را انتخاب کنید برای همین تأثیرگذاری است از مهمترین حقوق فرزند بر پدر این است که بر فرزند خود مادری شایسته، متعهد و متدین و با اخلاق انتخاب نماید. این کار زمینه صلاح و نیک بدبختی آنان را تأمین می کند. در روایت آمده است که امام صادق فرمود: و فرزند را حقی است: مادر خوب، نام خوب و پرورش نیکو.(۲)

اعضای خانواده بهترین حامیان همدیگر می توانند باشند با ملاحظه زندگی پیامبر به خوبی چنین موضوعی را می بینیم. حضرت خدیجه علیهاالسلام در طول زندگی پربار خود با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم یار و یاور حضرت بود. وقتی حضرت خدیجه از دنیا رفتند آن سال برای حضرت (عام الحزن) سال غم و اندوه شد. او برای پیامبر پشتیبانی محکم و استوار بود.

ص: ۱۷۵

۱- ۱. سوره نجم، ۵.

۲- ۲. «وسائل الشیعه»، ج ۱۵، ص ۱۹۸.

در چند جلسه آخر این ماه شریف می خواهیم دعای وداع امام سجاد علیه السلام را بخوانیم و به صورت تحت اللفظی ترجمه هم بکنیم و بینیم که حضرت چگونه وداع می کند. حقیقتاً اگر کسی دعای وارد شدن امام به ماه رمضان را خوانده باشد، طرز برخوردش با ماه رمضان عوض می شود. یعنی وقتی انسان می داند که چگونه وارد بشود و برخورد کند، نوع برخوردش عوض می شود. ماه مبارک رمضان در بیان امام سجاد علیه السلام به عنوان کسی است که مثل یک دوست، همنشین و مصاحب آمده است تا به داد انسان برسد. امام سجاد علیه السلام در این دعا (استقبال از ماه مبارک) و فقرات آخر آن کانه در این ماه مبارک به یک دوست رسیده که این دوست تمام عیوب انسان را به او می گوید و در صدد رفع عیوب است. ماه رمضان دوست و رفیق امت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است.

از امام باقر علیه السلام سؤال کردند که یابن رسول الله، این که شما می فرمایید که این ماه مبارک رمضان متعلق به شماست و به

امتهای قبلی تعلق ندارد، پس آیه شریفه: «کتب علیکم الصیامُ کما کتب علی الذین من قبلکم» (۱) چه چیزی را می خواهد بیان کند؟

حضرت فرمود: «این ماه رمضان متعلق به امتهای پیشین نبوده، بلکه به پیغمبران گذشته تعلق داشته است. اما خداوند این فضیلت را به امت پیغمبر اختصاص داد و ایشان را بر امم دیگر برتری داد و روزه را بر آنها واجب کرد».

سلام وداع

در زبان عرب دو گونه سلام داریم؛ یک سلام ورود و وارد شدن و یک سلام برای خداحافظی و وداع است. کسی که خداحافظی می کند و می رود یک جور سلام می دهد و کسی هم که وارد می شود یک نوع سلام می دهد. وقتی می خواهد وارد شود می گوید: «سلامٌ علیکم» و وقتی می خواهد خداحافظی و وداع کند می گوید: «علیک منی السلام». همان گونه که امام حسین علیه السلام روز و ساعات آخر وقتی به کنار خیمه آمد و خداحافظی کرد، فرمود: علیکن منی السلام. این سلام، سلام وداع و خداحافظی است. امام سجاد علیه السلام در آخر این ماه مبارک وداع و گریه می کند و در اضطراب است که چرا ماه مبارک رمضان می رود و ممکن است نتواند آن را ببیند.

ماه مبارک رمضان تربیت کننده انسان است. حضرت سجاد علیه السلام

ص: ۱۷۷

با یک مربی و رفیق وداع می کند. دوستی که بهترین است و عیب انسان را فقط به خودش باز می گوید.

دوستان دانا

امام صادق علیه السلام می فرماید: أَحَبُّ اخوانی إِلَیَّ مَنْ أَهْدَى إِلَیَّ عُیُوبِی؛ [\(۱\)](#) بهترین دوستان من آنهایی هستند که عیوب را به من هدیه کنند و در حضور من بگویند که این عیب و نقص شماست. ماه مبارک رمضان هم ما را در راهی قرار داده که به عیوب خود پی ببریم و بدانیم که چقدر می توانیم در مقابل نفس اماره، زبان، و سایر لغزشهای جوارحمان مقاومت کنیم. اینکه حضرت رسول صلی الله علیه و آله به آن زن روزه داری که طبق نقل بعضی روزه اش مستحبی بوده، فرمود روزه اش را افطار کند دستور دادند غذا بیاورند و آن زن گفت من روزه ام ولی حضرت فرمود تو روزه نیستی. اگر روزه بودی فحاشی و بدزبانی نمی کردی!

ماه مبارک رمضان این خصوصیت و ویژگی را به انسان می دهد که او به عیوب خود بیندیشد و خود را کنترل کند. شما امروز که روز بیست و ششم ماه مبارک است از زبان معصومین علیهم السلام می خوانید و از خدا می خواهید که: «خدایا عیوب مرا مستور کن و پرده عفاف روی عیبهای من بکش تا از بین بروند». اگر در ماه رمضان این گونه نباشیم بهره ای نبرده ایم. عیوبی که خدا به خاطر

ص: ۱۷۸

۱- ۱. «اصول کافی»، ج ۲، ص ۶۳۹. نک: «تحف العقول»، ص ۳۶۶؛ «بحار الانوار»، ج ۴۷، ص ۲۸۲.

ستاریت خودش ما را به آن رسوا نکرد، امام صادق علیه السلام فرمود: اگر عیوب شما برای همدیگر ظاهر و آشکار بشود، یکدیگر را حتی دفن نمی کنید.

زندگی پسندیده

با مروری بر جملاتی از دعای وداع امام سجاده علیه السلام درمی یابیم که امام علیه السلام چه برخوردی با این ماه دارد. می فرماید: «وقد اقام فینا هذا الشهر مقام حمید؛ این ماه در میان ما پسندیده زندگی کرد». از این بیان معلوم می شود که ماه رمضان دارای یک حیات ویژه و معنوی است و مثل کسی است که با ما زندگی کرده. در ماه رمضان کنترل عجیب و همه جانبه ای وجود دارد و انسان کمتر حتی به یاد گناه می افتد و بیشتر حالت توجه دارد. آنهایی که در دادرها و دادگاهها کار می کنند، می گویند که جرم و تخلف در این ماه نسبت به ماههای دیگر سال کمتر است. این ماه مثل کسی که وارد یک محیطی می شود و آن محیط را تحت تاثیر قرار می دهد و دیگران از حجاب، دیانت، مناعت طبع، وقار، ایمان و از برخورد خوب او متأثر می شوند. این ماه چنین است. یک زندگی مسالمت آمیزی با ما انجام می دهد و هیچ ضرری به ما که همسایه اش بودیم نزد و از دست او همه ایمن بودند. زندگی کردن در مقام حمد که مقام خیلی بالایی است و مورد ستایش هم هست ویژه این ماه است. امام در جای دیگری از دعا می فرماید: «و صحبنا صحبه المبرور؛ ماه رمضان مصاحب نیکو و سودمندی بود». یک دوست و

مصاحب باید این گونه باشد. برای همین گفته اند با هر کسی نشست و برخاست نکنید. امام حسین علیه السلام فرمود: «دوستی را انتخاب کنید که شما را بر جرم و جریره متجری نکند». (مَنْ احْبَبَكَ نَهَاكَ، وَ مَنْ ابْغَضَكَ اغْرَاكَ). کسی که دوست و مصاحب خوب است، تو را نهی از منکر می کند؛ اما کسی که دشمن تو است، تو را به گناه و معصیت وادار می کند، ولو اینکه همراه شما باشد و ادعای دوستی هم بکند.

در حالات امام صادق علیه السلام نقل می کنند که کسی همیشه همراهش بود. این شخص غلامی داشت که روزی با غلامش همراه امام صادق علیه السلام به طرف بازار کفاشها راه افتادند. امام علیه السلام و آن مرد با هم می رفتند و غلام از پشت سر آنها می رفت. در بین راه اجناس داخل مغازه ها نظر غلام را جلب کرد. کمی ایستاد و از امام علیه السلام و اربابش عقب ماند. آن مرد غلامش را صدا کرد، ولی غلام نشنید. دوباره صدا زد، ولی غلام صدای اربابش را نشنید. آن مرد ناراحت شد و به غلامش نسبت ناروا داد. امام صادق علیه السلام با شنیدن ناسزای آن مرد نسبت به غلامش ایستاد و نگاهی به صورت آن مرد کرد و فرمود: «چرا دشنام دادی؟» مرد گفت: «یا ابن رسول الله، پدر و مادر ایشان کافرند و چون مسلمان نیستند.» حضرت فرمود: «خیلی اشتباه کردی. آنها هم برای خود دین و آیین دارند. من نمی دانستم که تو اینقدر بد زبانی. اگر می دانستم با تو مصاحب نمی شدم». نقل است از این به بعد کسی آن شخص را با امام صادق علیه السلام ندید.

ماه مبارک رمضان مصاحب خوبی است و به همراه و دوست خودش می گوید: فک عن محارم الله. به انسان می گوید با زبانت و با چشمت به دیگران لطمه زن. از گناه و حرام چشم پوشی کن.

ماه رمضان به انسان می گوید این اعمال و گناهان را مرتکب نشوید. هر کسی به دنبال سود و بهره ای می رود. ماه رمضان بالاترین سود را که همان سود معنوی است، به دوستانش هدیه می دهد. باید به هوش بود که فضیلت عظیم وقتش معین است و سی روز بیشتر نیست. پس حضرت می فرماید: «ثم فارقنا عند تمام وقته؛ ماه رمضان با تمام شدن وقتش از ما جدا می شود و مفارقت می کند». ثم فارقنا عند تمام وقته و انقطاع مدته و وفاء عدده. وقتی ماه شوال می آید و زمان و مدت ماه رمضان بریده می شود و روزهایش تمام می شود، آن وقت است که ماه مبارک رمضان با ما مفارقت می کند و از ما جدا می شود. لذا حضرت تأسف می خورد و می فرماید: فنحن مودعه وداع من عزّ فراقه علينا. ما به گونه ای ماه مبارک رمضان را وداع می گوئیم که مفارقت او بر ما سخت و سنگین است. جدایی این ماه برای ما عزیز است. عزّ علينا یعنی سخت و سنگین است... تعبیر عزیز علیّ در دعای ندبه خطاب به امام زمان علیه السلام آمده است: عزیز علیّ أن أرى الخلق ولا أراک. (۱) این

ص: ۱۸۱

خیلی سخت است بر ما که خلق و مردمی را ببینیم اما تو را نتوانیم ببینیم. این که حضرت فرمود: «به گونه ای نماز بخوانید که گویی آخرین نماز شماست». این توصیه به ماه مبارک رمضان هم مربوط است و به گونه ای روزه بگیرید که مثل اینکه آخرین ماه رمضان شماست و ماه مبارک رمضان آینده را نخواهید دید. واقعا این چند روزه را دریابیم. از کسانی باشیم که از آن سودی نصیبشان شده، اخلاق و اعمال آنها نسبت به اول ماه رمضان تفاوت کرده ترقی نموده اند. به بیان علی علیه السلام: «من استواه یوماه فهو مغبون» (۱) هر کسی که دو روزش یکسان باشد، این انسان ضرر کرده. اگر امروزش بدتر از دیروز باشد: «فهو ملعون» مورد لعن و نفرین است. چون وسایل تکامل و ترقی در اختیارش بود، ماه رمضان به عنوان پله تکامل در اختیارش بود، ولی اخلاق و رفتارش هیچ تغییری نکرد، هیچ مهاجرتی نکرده است.

در قرآن شریف آیاتی است که عده ای از انسانها می میرند و بعد از مرگ ملائکه از آنان سؤال می کنند که شما کجا بودید و چه می کردید؟ می گویند: «ما در زمین مستضعف و بیچاره بودیم». ملائکه می گویند: «الم تکن ارض الله الواسعه فتهاجروا فیها». آیا زمین خدا گسترده و وسیع نبود که شما مهاجرت کنید. این آیه شریفه درباره وسیع بودن زمین و مساعد بودن آن برای هجرت سخن می گوید و ماه رمضان زمینه مساعدی برای هجرت دارد.

ص: ۱۸۲

زمینه معنوی برای رشد ماه هجرت از خودیت و انانیت به سوی «الله» است که از خواهش نفس جدا بشوی! حضرت امام خمینی قدس سره در بیان جمله «ومن یخرج من بینه مهاجراً الی الله» می فرماید: «منظور مهاجرت از خودیت به سوی الله است» و مهاجرین به سوی کعبه در حال رفتن به سوی خدایند. اولین مهاجرت مهاجرت، از خویش است.

سرمایه بزرگ

بنابراین ماه مبارک رمضان سرمایه عظیمی است که با گذر زمان از دست ما می رود. برای همین امام سجاد علیه السلام در وداع می فرماید: «سخت و سنگین است مفارقت این ماه بر ما». اما آیا ما این مسأله را درک کردیم و به آن توجهی نمودیم که چه سرمایه بزرگی در اختیارمان بود و اکنون از دستمان می رود؟ امیدواریم که خدا توفیق بدهد که دنباله این جملات حضرت امام سجاد علیه السلام را بخوانیم و به این نورانیت الفاظ امام هم توجه داشته باشیم و به خوبی از این چند روز باقیمانده ماه مبارک استفاده کنیم و از این پل سعادت گذشته به خانه سعادت برسیم. ان شاء الله.

خدایا ما را از معنویت این ماه برخوردار بفرما، زندگی ما را مورد پسند خودت قرار بده، همه ما را مورد لطف و عنایت ویژه ات مقرر فرما.

ص: ۱۸۳

قال امامنا السجاد علیه السلام : «و نَحْنُ مودعه وداع من عز فراقه علینا».

پیرامون دعای امام سجاد علیه السلام در وداع ماه مبارک رمضان فقراتی را برای این روزهای پایانی ماه مبارک انتخاب کرده ایم که دو فقره را بیان کردیم: «قد اقام فینا مقام حمد و صحنه صبحه مبرور؛ ماه مبارک رمضان در میان ما نیکو و پسندیده زندگی کرد و مصاحب و همنشین خوبی بود». گفتیم از این جملات معلوم می شود که ماه رمضان از یک حیات معنوی برخوردار است که طبق بیان امام، شب و روز با ما بوده، و مصاحب ما به حساب می آید. در دو فقره بعدی که قسمتی از آن قرائت شد می فرماید: (فنحن مودعه وداع من عز فراقه علینا) ما با ماه رمضان مانند کسی که وداعش برای ما خیلی سخت و سنگین است، در حال وداع هستیم و این وداع یک بار سنگینی را روی دوش ما می گذارد.

خوب غم حضرت سجاد علیه السلام از چیست؟ غصه امام علیه السلام از این نیست که ماه رمضان دیگر نمی آید. غصه اش از این است که ماه

رمضان می آید، ولی ممکن است امام سجاد علیه السلام نباشد. ماه رمضان ها برمی گردند، اما ما ممکن است نباشیم که بهره مند شویم. امام می فرماید: «عَمْنَا و اوحشنا؛ ما را غمگین می کند و به وحشت می اندازد». که نکنند این ماه برگردد و ما عمرمان تمام شده باشد و نتوانیم آن را درک کنیم. امام علیه السلام می داند که از چه چیزی قرار است جدا بشود.

انسان باید از جدایی ماه رمضان نگران باشد. اینکه می گویند شبهای قدر و روزهای قدر را زنده نگه دارید، معنایش این است که قدر اینها را بدانید. اصولاً یکی از معانی «قدر» «ارزش» است. این توصیه ها برای این است که انسان توجه به این ماه بکند. برای امام سجاد علیه السلام خیلی سنگین است و باعث غم آن بزرگوار است که ماه مبارک رمضان از دستش می رود و حضرت با آن وداع می کند.

در فقره دوم دعا امام می فرماید: ما با ماه رمضان وداع می کنیم، مانند کسی که او بر عهده ما پیمان و عهدی محفوظ دارد حقی دارد، که باید ادا بشود. ماه رمضان حقی بر ما دارد و ما باید حق آن را ادا کنیم... این ماه با این خصوصیات ماهی است که ما می گوییم که درود و سلام بر تو ای ماه بزرگ خدا. سلام بر تو ای عید اولیاء و دوستان خدا. السلام علیک یا شهرالله الاکبر. السلام علیک یا عید اولیاءالله. اولیای خدا در قرآن مقامشان بسیار بزرگ است. قرآن می فرماید: «لا خوف علیهم و لا هم یحزنون؛ آنان غیب و شهود و ظاهر و باطن برایشان یکسان شده است».

امام علیه السلام فرمود: «سلام بر تو ای عید اولیای خدا». عید چه روزی است؟ چون در آستانه عید و سال جدید هم قرار گرفتیم، روایتی را از علی علیه السلام نقل می کنیم که فرمود: «کل یوم لا یعصى الله فیه فهو یوم عید» (۱) روزی که انسان گناه نکند آن روز عید است». ماه مبارک رمضان گناه انجام نمی شود، به آن عید اولیاء گفته شده است. عید آن روزی است که چیزی عاید انسان بشود. کلمه عید یا از عود می آید. یعنی هر سال تکرار می شود و انسان هر سال با چیزی مثل عید نوروز روبه رو است و یا به این معنی است که چیزی در این عید، عاید انسان می شود. معمولاً در عید یک چیزی می گیرند. اولیاء که ماه رمضان عیدشان است چیزی از خدا می گیرند، اما به چه دلیل چیزی عاید انسان می شود مرتکب معصیت نشدن و انجام اوامر خدا و آنچه محبوب خداست موجب این فضیلت است آری انسانی که محب، دوستدار و عاشق خداست نافرمانی نمی کند.

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا می فرماید: «من امشب را اجازه گرفته ام برای اینکه نماز بخوانم.» چرا؟ چون نماز را دوست دارم و به مناجات با خدا علاقه مندم. من تمام عشق و علاقه ام نماز که مظهر «بندگی و عبودیت» خداست می باشد. این روش اولیاءالله

ص: ۱۸۶

است. امام سجاد علیه السلام می فرماید: السلام علیک یا عید اولیاءالله، السلام علیک یا شهرالله الاکبر. حالا چه چیزی در این ماه عاید انسان می شود و آیا آنچه که عاید اولیای خدا می شود شامل حال ما هم می شود یا نه؟

رفیق همراه

السلام علیک یا اکرم مصحوب من الاوقات؛ سلام بر تو ای رفیق بزرگواری که در این ایام همراه من بودی». انسان مؤمن و عاقل را نمی شود با نماز، زکات، خمس تنها شناخت؛ بلکه انسان را باید به روزه و امانتداری شناخت. عبادت به این نیست که انسان زیاد نماز بخواند یا زکات بدهد. در بعض روایات روزه و امانتداری معیار شناخت معرفی شده. چرا؟ چون این دو امر چیزی هستند که نمی شود به دیگران به راحتی نشان داد. روزه دارای نیت است و به همین دلیل اگر کسی در ماه مبارک رمضان نیت نکند و یا نیت شکستن روزه را بکند، روزه اش باطل است. جز خدا کسی از درون و قصد آدمی خبر ندارد. آنقدر که به قلب توجه می کند، به چیز دیگری توجه نمی کند. چون قلب حرم و جایگاه خداست. قلب سلطان وجود آدمی است.

السلام علیک یا خیر شهر فی الایام والساعات؛ سلام بر تو ای بهترین ماه و رفیقی که همیشه همراه من بودی ماهی که ساعات و روزهایت بهترین ساعات و روزها بود.

ص: ۱۸۷

السلام علیک من شهر قربت فیه الآمال؛ سلام بر تو ای ماهی که آرزوها در تو نزدیک و قابل دست رس می شود و آنچه که اولیای خدا آرزو کرده اند در تو تحقق پیدا می کند. بزرگترین آرزوها در ماه رمضان تحقق پیدا می کند و به ثمر می رسد و انسان مومن به آرزوهایش نایل می شود. بالاترین آرزو برای انسان مومن، اولیاءالله که مصداق بارزش رسول اکرم و ائمه طاهرین هستند، رضای خداست. بالاترین هدف در این ماه همان است که خداوند فرموده: «لعلکم تتقون». در این ماه علاوه بر تحقق آرزوها، اعمال در آن نشر پیدا می کند. ماهی است که فقط نماز ندارد، بلکه همه اش عبادت است. می گویند انسان در طول بیست و چهار ساعت، حداقل بیست و یک هزار مرتبه تنفس می کند. در ماه رمضان: «انفاسکم فیه تسبیح». نفس کشیدن در این ماه حکم تسبیح را دارد و برای هر نفس کشیدن یک تسبیح مقرر می شود. در هیچ جایی نداریم که ائمه ما فرموده باشند یک رطب و یک دانه خرما و شربت آب باعث شود که انسان بهشت را برای خودش بخرد و رضایت خدا را کسب کند، مگر در ماه مبارک رمضان. تجارت در این ماه پرسود است. البته پیرامون گریه برای اباعبدالله الحسین علیه السلام فرموده اند اگر به اندازه پر مگسی هم باشد و از روی معرفت و عشق به امام حسین علیه السلام و اهداف وی صورت گیرد، باعث نجات انسان می شود. ماه مبارک رمضان این خاصیت را دارد که اعمال در آن نشر پیدا کند. هیچ ساعتی هم مثل ساعات ماه رمضان پر

برنامه نیست. دعایی که در ماه رمضان ائمه مقرر فرموده اند و در ساعتهای مختلف سحر، شبهای قدر، صبح و روز به خواندن آن توصیه کرده اند، در ماههای دیگر این گونه نیست. در این ماه خوابیدن، راه رفتن و نفس کشیدن هم عبادت است. فرموده اند که در ماه مبارک رمضان برای روزه دار دو خوش حالی هست: یکی موقع افطار است و دیگری موقع ملاقات بزرگ و هنگام «لقای رب» که تمام آرزوها و آمال انسان هم همین است. شما در ماه مبارک با تلاوت یک آیه قرآن چند برابر ماههای دیگر پاداش می برید. به این قربت فیه الاعمال می گویند. یعنی هر نوع عمل خیر و خوبی چند برابر جواب داده می شود. السلام علیک من قرین جلّ قدره موجودا؛ سلام بر تو که ارزش و قدر تو بسیار است. السلام علیک من ناصر اعان علی الشیطان؛ سلام بر دوست و رفیقی که انسان را در پیروزی بر شیطان کمک و یاری کرد.

وقتی حضرت زهرا علیها السلام با علی علیه السلام ازدواج کرد طبق نقل حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم بعد از چند روز، به خانه دخترش حضرت زهرا علیها السلام آمدند و جداگانه هم از دخترش و هم از دامادش علی علیهم السلام سؤال کردند که همسرت چگونه است؟ از علی علیه السلام سؤال کردند که زهرا چگونه همسری است. و از حضرت زهرا هم سؤال کردند که علی چگونه شوهری است؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: «نعم العون علی طاعه الله؛ علی بهترین کمک کار برای عبادت و اطاعت خداست.» علی علیه السلام هم فرمودند: «زهرا بهترین همسر برای عبادت و اطاعت از خداست.»

چقدر خوب است انسان با یک انسانی دوست بشود که آن

دوست، رفیقش را به نماز شب بیدار کند. با کسی انسان دوست بشود که او بیاید و عیبهای دوستش را به خودش بگوید. با شخصی دوست شود که او دشمن دشمن خدا، دشمن شیطان و نفس اماره است. همان شیطان که حضرت فرمود: «ان کانت الشیطان عدوا لکم فالغفله لماذا؛ اگر شیطان دشمن شماست، پس چرا شما در غفلت هستید؟» ماه رمضان ماه بیداری از غفلت و ماه توجه است. السلام علیک من ناصر اعان علی الشیطان؛ سلام بر ناصر و یآوری که انسان را برای غلبه بر شیطان کمک و یاری می کند.

نیروی معنوی

ماه رمضان از هر نظر دارای برکت و رحمت است. در طول روزهای غیر رمضان انسان تا ظهر طاقت تشنگی و گرسنگی ندارد، اما در ماه مبارک رمضان خدای متعال نیرو و توان می دهد. اگر علی علیه السلام در جبهه های جنگ آن قدرت و نیرو را داشت، نیرو و قدرت نان جوین نبود، بلکه نیروی تقوا بود. «من یتق الله يجعل له فرقانا و یرزقه من حیث لا یحتسب». اگر قومی تقوی پیشه کردند و بر شیطان پیروز شدند ما برای آنها مفزّی قرار می دهیم و از جایی که هرگز تصورش را نمی کردند آنان را روزی می دهیم. در مقابل این بیان شریف که زنگ خطر است برای بشر امروز و ما مسلمانها، این است که قومی که گناه و معصیت خدا را انجام می دهد، اولین چیزی که بر آنها نازل می شود این است که زندگی و معیشت آنها سخت و تنگ می گردد. «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً

ضنکا» اگر کسی از ذکر ما برگردد و یا به تعبیری به احکام الهی بی توجهی کند، ما این زمین به این بزرگی و فراخی را برایش تنگ می کنیم. از برکت خدا با گناه کردن جلوگیری نکنیم وقتی گناه می شود و به فرمان شیطان عمل می گردد، آسمان درهای رحمتش را می بندد و زمین گنجهایش را پنهان می کند. اینکه فرموده اند در عصر ظهور ولی عصر (عج) زمین گنجهایش را نسبت به مردم آشکار می کند و آسمان رحمتش را از مردم دریغ نمی کند، چون آن زمان، زمان صلح، زمان اسلام، عدالت و ایثار است.

روایت از امام معصوم علیه السلام است که فرمود: همه آن افرادی که می میرند، اجلشان نرسیده و از عمرشان باقی است؛ اما چون گناه کرده اند زود می میرند و آنهایی هم که نمرده اند، نه به این دلیل است که اجل آنان فرا نرسیده است. اجل آنان رسیده، ولی چون کار خیر انجام داده اند، مرگشان به تاخیر افتاده است. ماه مبارک رمضان ماه گناه نکردن و پیروز شدن بر شیطان است. سلام بر ماهی که به انسان کمک می کند بر شیطان پیروز شود و از آتشی که هیچ موقع خاموش نمی شود، نجات پیدا کند. ماه رمضان و در تشنگی ها و گرسنگی هایش کفاره گناهان انسان نهفته است. پس نگذاریم به راحتی این ماه از دستمان برود. مستحب است که بعد از عید سعید فطر انسان شش روز روزه بگیرد و با این روزه گرفتن به این ماه مبارک بگوید که ای ماه مبارک من، به عشق تو هنوز هم روزه ام و خوشحال نیستم که تو رفته ای و از اینکه از میان ما رفتی ناراحتم.

السلام علیک من ناصر اعان علی الشیطان، و صاحب سَهْلٍ سُبُلَ الاحسان؛ سلام بر تو دوست و رفیقی که راه های رسیدن به نیکی و احسان را بر من آسان کردی.

ماه مبارک رمضان انواع و اقسام راههای احسان و نیکی را برای انسان آسان می کند. صله رحم ها به راحتی صورت می گیرند با یک سلام و احوال پرسی صله رحم صورت می گیرد، با یک لیوان آب و یا یک دانه خرما به هنگام افطار انسان را به حسنات فراوانی می رساند. امام سجاده علیه السلام که حضرت به زین العابدین معروف است می داند که ماه رمضان چه نعمتی است؛ به هر حال در ایام سال بچه یتیمهای جامعه مان را فراموش نکنیم؛ به یاد اینها هم باشیم که ماه رمضان یتیم نوازی را یاد انسان می دهد و احسان کردن به بچه هایی که زمانی بسیار بر آنها می گذرد؛ ولی هیچ وقت لباس تازه نمی پوشند و به ناچار لباسهای دست دوم و سوم دیگران را به تن می کنند. تقاضا این است که به یاد اینها هم باشیم و به امام سجاده علیه السلام اقتدا بکنیم. ان شاءالله.

خدایا همه آرزومندان به آرزوهای معنوی و بلندشان برسان. نیروی ایمان و تقوا به همه ما کرامت فرما.

زندگی و مرگ ما را برای خودت و در راه خودت قرار بده.

قال امامنا السَّجَّادُ عليه السلام : السلام عليك من ناصر اعان على الشيطان و من صاحب سهل سبل الاحسان.(۱)

امام معصوم عليه السلام دعای روز [بیست و نهم] را این گونه شروع می کند: «اللَّهُمَّ غشني فيه بالرحمه؛ خدایا تمام وجود مرا به رحمت خودت بپوشان». در مورد معنای رحمت اینجا دو احتمال را می توان مطرح کرد: یکی اینکه خدایا رحمت خودت را شامل حال من کن؛ چرا که تو رحمان و رحیمی و دوم اینکه خدایا تو که رحمان و رحیمی به من هم یک دل بارحمی عنایت کن تا من به دیگران رحم کنم. انسان در هر مرحله از زندگی اول به رحمت خدا محتاج است؛ حتی اگر بخواهد به دیگران هم رحم کند، باید خدا این لطف را به وی مرحمت کند. خداوند اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله را رحمت می داند و می گوید فکر نکنی که این اخلاق و رحمتی را که

ص: ۱۹۳

تو داری از خودت هست. خیر، این اخلاق را ما به واسطه رحمت به تو دادیم.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به عنوان آخرین پیامبر خدای متعال بارزترین صفتش را اخلاق می داند. در قرآن کریم می فرماید: «فَمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ» (۱) ای پیامبر! تو به خاطر رحمت خدا بود که بر مردم نرم خوی شدی؛ و اگر تو خشن و غلیظ القلب، دل سخت، خشن العمل و بد گفتار بودی، مردم از دوروبرت پراکنده می شدند. انسان در این روزهای پایانی ماه مبارک رمضان باید کاری کرده باشد که رحمت خدای متعال تمام وجودش را فرا گرفته و یا شایستگی آن را یافته باشد. دعای امام معصوم علیه السلام چه زیباست. امام معصوم هر روز دعایی را می خواند و تعلیم می دهد که آن روز انسان به آن محتاج است.

اما این ضمیری که در کلمه «فیه» و در دعای امروز آمده به چه چیزی برمی گردد؟ آیا به روز بیست و نهم برمی گردد یا به ماه رمضان؟ این خود یک بحثی است که حالا- به هر کدام که برگردد و حتی به روز بیست و نهم هم که برگردد، این روز یک جزء از ماه رمضان است و معلوم می شود که در این ماه باید کاری کرده باشیم که رحمت خدا شامل حال ما بشود و رحمت خدا و برکاتش بر قومی نازل می شود که این قوم به خدا و رسول او خیانت نکنند.

ص: ۱۹۴

هیچ زمانی ما خود را مستغنی و بی نیاز از موعظه ندانیم. اگر زمانی خدای ناکرده این احساس به ما دست داد که ما دیگر به موعظه محتاج نیستیم و از خودسازی بی نیازیم، به اولین پله سقوط و هلاکت گام گذاشته ایم. هیچ زمانی نباید این توفیق و تلاش از انسان سلب شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و اولیای الهی هم هر روز می فرمودند: «اهدنا الصراط المستقیم».

سعادت مندان این ماه

در این جلسه هم جملاتی از دعای امام سجاد علیه السلام را می خوانیم. حضرت می فرماید: «السلام علیک ما اکثر عتقاء الله فیک؛ سلام بر تو ای ماه رمضان که چه بسیار کسانی که گردنهایشان به خاطر وجود تو از آتش جهنم آزاد شد». و ما اسعد من رعی حرمتک بک؛ و چقدر فراوانند آنهایی که با رعایت حرمت تو به سعادت رسیدند. آنها به خاطر گناه و معصیت نکردن و حفظ شعائر اسلامی، روی شیطان را سیاه کردند. این کلام معصوم علیه السلام است که فرمود: «روزه بگیرد و صدقه بدهد و در راه خدا مجاهده کنی تا روی شیطان سیاه شود و پشتش بشکند». واقعا ماه رمضان تکه ای از بهشت است در دنیا و باختند آنهایی که درک کردند ولی به خوبی از آن استفاده نکردند. سعادت در ماه مبارک

رمضان است. در این دعا امام علیه السلام می فرماید که ماه مبارک رمضان یک همراه و مصاحب است و در چندین جا از عبارات «مصحوب، مصاحب، صاحب» استفاده می کند و از ماه رمضان به عنوان یک همراه، هم صحبت و هم نشین نام می برد که صحبت این همنشین ذکر خداست.

السلام عليك ما كان امحاك من ذنوب؛ سلام بر تو ای ماه رمضان که گناهان را محو کردی.

دقت بکنید که این حرفها، دعای امام است و امام هم تصور نشود که در اینجا تنها در مقام تعلیم باشد. حضرت در مقامی بالاتر از مقام تعلیم قرار دارد.

میقات امت پیامبر

در جلسات گذشته آمد که ماه رمضان میقات امت پیغمبر است. همان گونه که حضرت موسی علیه السلام میقات داشت و پیغمبران دیگر هم میقات داشتند، خداوند امت پیامبر آخر الزمان را امت مرحومه قرار داد و کأنه ماه رمضان را میقات این امت مقرر کرد.

در روایات آمده است که هر کس چهل روز اخلاص پیشه کند، چشمه های حکمت از قلبش به زبانش جاری می شود. ماه رمضان سی روز است؛ امّا در ماه رمضان سحر، شبهای قدر و دعا و تذکر و منبر هم هست و همگی از آثار و برکات ماه مبارک رمضان است که میقات این امت است.

السلام عليك ما كان امحاك من ذنوب و استرك لانواع العيوب؛

سلام بر تو ای ماهی که چه بسیار گناهانی را که محو کردی و انواع عیبها را پوشاندی.

چشم، گوش، شکم و تمام اعضاء و جوارح را مهار کردی. و لذا خیلی اتفاق می افتد که شخصی که شاید خیلی اهل توجه هم نباشد و بی مبالا باشد، در ماه مبارک رمضان رعایت می کند و بسیاری از کارها را کنار می گذارد. بنابراین این ماه یک مهار است. از این جمله امام علیه السلام معلوم می شود که عیبها زیاد است و شیطان هم از همین راه وارد می شود. شیطان به شما که اداری هستید و یا به من طلبه نمی گوید که نماز نخوانید، بلکه برای گمراه کردن ما از راه دیگری وارد می شود؛ از راهی که تناسب با شغل ما دارد. مثلاً برای کسی که پشت میز مغازه هست، بد اخلاقی را پیشنهاد نمی کند؛ بلکه به او کم فروشی و گرانفروشی را پیشنهاد می نماید. برای کسی که پشت میز اداره قرار گرفته است تکبر را و... لذا شیطان با من طور دیگری برخورد می کند و هرگز نمی گوید که توی طلبه نماز نخوان؛ چون از روحانی مردم انتظار نماز دارند و او نمی تواند نماز نخواند. پس شیطان از راهی وارد می شود که طرف مقابلش فکرش را هم نمی کند. در قرآن کریم خداوند می فرماید: «ولا تتبعوا خطوات الشیطان» از گامهای شیطان و از خطوط شیطانی پیروی نکنید. فرمود خطوات شیطان و به صورت جمع آورد و نه «خطوه» و به صورت مفرد که این بیانگر تنوع و تعدد راه های نفوذ شیطان است و این تنوع و تعدد تشخیص را برای انسان مشکل می کند.

ص: ۱۹۷

در فقره دیگری امام علیه السلام می فرماید: «السلام علیک ما اطولک علی المجرمین؛ سلام بر تو ای ماه مبارک رمضان که چقدر بر مجرمان و گناهکاران طولانی بودی». اینکه فرموده اند: المؤمن فی المسجد کالسَّمک فی الماء، والمنافق فی المسجد کالطائر فی القفص؛ بودن مؤمن در مسجد مانند بودن ماهی در آب است، یعنی ماهی داخل آب، اگر از آب بیرون بیاید، می میرد و رابطه مؤمن با مسجد هم این گونه است. ولی حضور منافق در مسجد مانند بودن پرنده در قفس است. ماه مبارک رمضان برای گناهکاران این گونه است؛ چون گناهکاران در این ماه نمی توانند اعمالی را که می خواهند انجام دهند و زمینه های گناه هم یا از بین می رود و یا کم می شود. لذا برای مجرمین طولانی است و آنها دائما در انتظار تمام شدن این ماه هستند. ماه رمضان هر چقدر برای مجرمین طولانی و سخت است برای مؤمنین با عظمت و لذتبخش است. امام سجاده علیه السلام در ادامه همین دعای شریف فرمود: «و اهییک فی صدور المؤمنین؛ ای ماه رمضان، تو چقدر با هیبت و جلال بودی در دلهای انسان های مؤمن». پروردگارا همه ما را از برکات این ایام برخوردار فرما.

۱ _ مروری بر خطبه شعبانیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم

۲ _ روایاتی پیرامون ارزش روزه و روزه داری

۳ _ بعضی اعمال در ماه مبارک رمضان

ص: ۱۹۹

خطبه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در فضیلت ماه رمضان و روزه آن

از حضرت امیر علیه السلام روایت شده که فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، حَظَبْنَا ذَاتَ يَوْمٍ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ، شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ، وَأَيَّامُهُ أَفْضَلُ الْأَيَّامِ، وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ».

امام علی علیه السلام فرمود: حضرت رسول، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم روزی برای ما خطابه ای ایراد فرمود: [حضرت فرمود] ای مردم به حقیقت، ماه خدا با برکت، رحمت و آمرزش خویش، به سوی شما روی می آورد، ماهی که در نزد خداوند بهترین ماههاست، و روزها و شبهایش افضل و ساعاتش بهترین ساعات می باشد.

ماه فیض، کرامت و ضیافت

«وَهُوَ شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ، وَجُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ، أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسِيحُ، وَنَوْمُكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ، وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ، وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ، فَاسْئَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِّيَاتٍ صَادِقَةٍ، وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُوفِّقَكُمْ لِصِيَامِهِ، وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ فَإِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ حَرَّمَ غُفْرَانَ اللَّهِ»

ص: ۲۰۱

فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ»، و این ماهی است که شما در آن به ضیافت و مهمانی خداوند دعوت شدید. و در این ماه مورد کرامت و عنایت خداوند قرار گرفتید، نَفْسِ هایتان در این ماه ثواب تسبیح و تقدیس پروردگار دارد. و خواب شما در این ماه عبادت، و اعمال خیر شما در آن مقبول، و خواسته ها و دعای خیر شما مستجاب است، پس از پروردگار مهربانان با نیت صادقانه، و دل‌های پاک درخواست حاجت کنید، اینکه شما به روزه گرفتن و تلاوت کتاب قرآن خویش توفیق مرحمت فرماید، و آگاه باشید که براستی اشقیا و گمراهان کسانی هستند که از غفران و آمرزش الهی در این ماه بزرگ محروم و بی نصیبند.

آثار تربیتی و اخلاقی روزه برای بشر

«وَأَذْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَعَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَطَشَهُ، وَتَصَدَّقُوا عَلَى فَقَرَائِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ، وَوَقُّرُوا كِبَارَكُمْ، وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ، وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ، وَاحْفَظُوا أَسْتَتَكُمْ، وَغُضُّوا عَمَّا لَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ وَعَمَّا لَا يَحِلُّ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ، وَتَحَنَّنُوا عَلَى آيَاتِ النَّاسِ كَمَا يُتَحَنَّنُ عَلَى آيَاتِكُمْ، وَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ، وَارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالْדُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَواتِكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يَنْظُرُ اللَّهُ مُعَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ، يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيُلْتِيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ».

به یاد آورید از گرسنگی و تشنگی روزه داریتان در این ماه گرسنگی و تشنگی روز قیامت را، و به فقرا و بیچارگان خود «از

ارحام و اهل ایمان» صدقه دهید، و به بزرگان خویش اکرام و احترام نموده، و بر کوچکترها رحمت آورید، و با ارحام خویش صله نموده و دلشان را شاد نمایید، و زبانتان را حفظ و چشمانتان را از چیزی که نگاه به آن بر شما حلال نیست بپوشانید، و همچنین گویشتان را از چیزی که شنیدن آن بر شما حلال نمی باشد برحذر دارید، و بر ایتم مردم رحمت آورید، همان طور که دوست می دارید که به ایتم شما رحم کنند، دستهایتان را به دعا در اوقات نماز به سوی خداوند بلند کنید، که برستی اوقات نماز بهترین ساعات است که خداوند مهربان در وقت نماز از راه رحمت و شفقت به بندگانش می نگرد، اگر با او مناجات کنند، اجابت می فرماید، و لیبیک می گوید، اگر او را ندا دهند، و دعاهایشان مستجاب است اگر او را بخوانند.

در گرو اعمال

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفُكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ وَظُهُورُكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ، فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطَوْلِ سَجْدِكُمْ. وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ - تَعَالَى ذِكْرُهُ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ الْمُصَلِّينَ وَالسَّاجِدِينَ وَأَنْ لَا يُرَوِّعَهُمْ بِالنَّارِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ».

ای مردم به راستی شما مرهون اعمال خویش هستید، پس خویشتن را با استغفار و آمرزش خواهی خود آزاد کنید. و پشت شما از وزر و وبال و گناهانتان سنگین شده، پس با طول سجود خود بارپشتتان را سبک کنید، و بدانید که خداوند (عزّ و تعالی

ذکره) سوگند یاد کرده که نمازگزاران و سجده کنندگان را معذب نماید، و آتش جهنم را به آنان نچشانند، در روز قیامتی که همه به پیشگاه رب العالمین می ایستند.

مزد افطاری

«أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ فَطَّرَ مِنْكُمْ صَائِمًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عِتْقُ رَقَبَةٍ، وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَلَيْسَ كُلُّنَا نَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ: اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ التَّمْرِ، اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشَرْبِهِ مِنْ مَاءٍ».

ای مردم، هر کس از شما مؤمن روزه داری را در این ماه افطاری دهد، در مقابل این عمل، ثواب آزاد کردن یک بنده، و آمرزش گناهان گذشته اش برای اوست.

عرض کردند: «یا رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم، برای همه ما مقدور نیست که به یک صائم و روزه دار افطاری بدهیم.» پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: بترسید از آتش جهنم [بهانه جویی نکنید] و اگر چه یک نصفه خرمایی و یا یک جرعه آب به روزه داری بدهید و به این ثواب بزرگ نائل می آید.

ماه انسان سازی

«أَيُّهَا النَّاسُ، مَنْ حَسَّنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلُقَهُ كَانَ لَهُ جَوَازًا عَلَى الصَّراطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ مِمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ، وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرُّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ»

ص: ۲۰۴

غَضَبُهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيماً أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ قَطَعَ رَحِمَهُ قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحْمَتَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصِلَاوِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِرَأْتَهُ مِنَ النَّارِ وَمَنْ آدَى فِيهِ فَوْضَا كَانَ لَهُ ثَوَابٌ مِنْ آدَى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سَوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَمَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى ثَقَلِ اللَّهِ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخَفَّفَ الْمَوَازِينُ، وَمَنْ تَلَى فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ».

ایها الناس! هر کسی از شما در این ماه خلقتش را نیکو کند، برات عبور از صراط را به دست آورده، در روزی که قدمها در آن می لغزد و می لرزد، و هر کسی در این ماه کار خدومه و اجران خود را سبک نماید، خداوند حسابش را سبک می نماید و «سختگیری نمی کند»، و هر کس در این ماه شرّ خود را از مردم بازدارد، خداوند خشم و سیّخط خود را در قیامت، روز ملاقات، از او باز می دارد، و هر کس در این ماه گرامی دارد و احسان کند یتیمی را، خداوند در روز ملاقات (قیامت) گرامیش می دارد، و هر کس با رَحِم خویش در این ماه صَمَله کند خداوند در روز قیامت هنگام ملاقات با رحمت واسعه خویش او را ملاقات می نماید، و کسی که با رحم خود قطع کند، خداوند روز قیامت رحمت خویش را از او قطع می نماید، و اگر کسی در این ماه نماز مستحبی بخواند، خداوند برائت آزادی از آتش جهنّم را برای او مقرّر می فرماید، و اگر کسی در این ماه فریضه ای (نماز، روزه، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد فی سبیل اللّٰه...) را ادا نماید، برای او ثواب ادای هفتاد فریضه در غیر ماه مبارک رمضان است، و اگر کسی زیاد کند دُرود و

صلوات خود را در این ماه بر من، خداوند میزان عملش را سنگین می نماید «کفه ترازوی اعمال و کارهای نیکش را ثقیل و سنگین می نماید» در روزی که ترازوی اعمال سبک است، و کسی که در این ماه یک آیه از قرآن را تلاوت کند ثوابش برابر یک ختم قرآن است که در غیر رمضان تلاوت کند.

شیاطین در زنجیر

«أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفَتَّحَةٌ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ وَأَبْوَابَ النَّارِ مُعَلَّقَةٌ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ، وَالشَّيَاطِينَ مَغْلُولَةٌ، فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُسَلِّطَهَا عَلَيْكُمْ».

ای مردم! درهای بهشت در این ماه باز است. پس از خدا درخواست کنید که به سوی شما نبندد، و درهای جهنم بسته است از پروردگارتان بخواهید تا به سوی شما نگشاید «یعنی عمل خیر شما در این ماه درهای بهشت را به سوی شما باز نگه می دارد و شما را بهشتی می کند، همچنان که عمل شرّ و گناهانتان که در بسته جهنم را به سوی شما می گشاید»، و شیاطین در این ماه مغلول به زنجیرند، پس از خداوند التماس کنید که تا خداوند او را بر شما مسلط نگرداند.

بهترین اعمال

قالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَقُمْتُ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بَكَى فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ،

ما يُبْكِيكَ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ، أَبْنَى لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ، كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَيِّمُ لِرَبِّكَ وَقَدْ انْبَعَثَ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ شَقِيقَ عَاقِرٍ نَاقِهٍ ثُمُودَ فَضْرَبَكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَذَلِكَ فِي سَلَامِهِ مِنْ دِينِي؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي سَلَامِهِ مِنْ دِينِكَ».

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: پس من برخاستم و گفتم: «یا رسول الله افضل و بهترین اعمال در این ماه چیست؟» حضرت فرمود: «ای ابوالحسن، بهترین اعمال در این ماه پرهیز از حرام خداست.» سپس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم گریست. عرض کردم: «یا رسول الله، چه چیز شما را گریانده؟» فرمود: «یا علی گریه می کنم از حلال شدن خون تو در این ماه، در حالی که تو مشغول به نماز برای پروردگارت هستی، ناگاه شقی ترین مردم اولین و آخرین، و شقی تر از پی کننده ناقه ثمود، ضربتی بر فرق مبارکت می زند، پس از آن خون محاسن شریف خضاب می گردد.»

امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کرد: «یا رسول الله، در این صورت دین من محفوظ هست؟» حضرت فرمود: «در سلامت است دین تو.»

یا علی تو جان منی

«ثُمَّ قَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي، وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي، وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي لِأَنَّكَ مِنِّي، كَنَفْسِي رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ وَاصْطَفَانِي وَإِيَّاكَ، وَاخْتَارَنِي لِلنُّبُوَّةِ، وَاخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ، وَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوَّتِي، يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَأَبُو وَلَدِي وَزَوْجُ ابْنَتِي، وَخَلِيفَتِي عَلَى

أَمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعِيدَ مَوْتِي أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي، أَقْسِمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّكَ لَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ وَآمِنُهُ عَلَى سِرِّهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ» (۱).

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: یا علی! کسی که تو را بکشد به راستی که مرا کشته و کسی که با تو دشمنی کند در حقیقت با من دشمنی کرده، و کسی که به تو ناسزا بگوید مثل آن است که به من ناسزا گفته، زیرا تو از من هستی، مثل نفس و جان من می باشی، روح تو از روح من است، و سرشت و طینت تو از طینت من است. به راستی خداوند من و تو را آفرید، و من و تو را برگزیده، مرا به نبوت و تو را هم برای امامت اختیار کرده است.

بنابراین هر کس امامت تو را انکار کند، نبوت مرا انکار کرده است. یا علی تو وصی من هستی، و پدر فرزندان من، و همسر دخترم [فاطمه] هستی و جانشین من بر ائمت می باشی، در حیاتم و بعد از مرگم. امر تو مثل امر من است، و نهی تو هم مثل نهی من است، سوگند به آن کسی که مرا به نبوت برگزیده، و مرا بهترین مردم و خیر البریه قرار داده، براستی تو هم «حجه الله» و «خلیفه الله» هستی بر خلق او، و امین سرّ خدا می باشی و توئی جانشین خدا بر بندگانش.

ص: ۲۰۸

۱- ۱. روزه، درمان بیماریهای روح و جسم، به نقل از وقایع الایام تبریزی، ص ۲۹ و عیون اخبار الرضا علیه السلام شیخ صدوق رحمه الله .

۱_ قال الباقر عليه السلام: لا تقولوا هذا رمضان، ولا ذهب رمضان، ولا جاء رمضان، فإن «رمضان» اسم من أسماء الله عزّ و جلّ لا يجي ء ولا يذهب و انما يجي ء و يذهب الزّائل، و لكن قولوا شهر رمضان... (۱).

هشام بن سالم می گوید: در محضر امام باقر علیه السلام بودیم که سخن از رمضان شد. امام علیه السلام فرمودند: «نگویید این رمضان است، و نگویید رمضان رفت و یا آمد؛ زیرا رمضان نامی از نامهای خداست که نمی رود و نمی آید [زیرا] که شی ء زائل و نابود شدنی می رود و می آید، بلکه بگوئید ماه رمضان.»

۲_ قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم: يا اسامه، عليك بالصّوم، فانه جنة من النار وإن استطعت ان تأتيك الموت وبطنك جائع فافعل، يا اسامه عليك بالصوم فانه قربه الى الله. (۲).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: ای اسامه، بر تو باد به روزه گرفتن، زیرا روزه سپری است در مقابل آتش جهنّم. هرگاه قدرت داشته باشی

ص: ۲۰۹

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۳۷۶.

۲- ۲. همان، ص ۲۸۵.

که هنگام فرارسیدن اجل و مرگت گرسنه باشی و درون تو خالی باشد از غذا [روزه باشی] این کار را انجام بده.

ای اسامه، بر شما باد به روزه دار بودن؛ زیرا روزه موجب تقرب به سوی خداست.

۳_ قال الصادق عليه السلام : اذا صَمَمْتَ فليصم سمعك و بصرک و شَعْرک... لا يكونَنَّ يوم صومك كيوم فطرك. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «آنگاه که روزه هستی، پس باید گوش و چشم و موی تو هم در حال امساک و روزه باشد... و البته نباید روزی که روزه گرفته ای مانند روز افطارت باشد [که روزه نیستی].

۴_ قال الصادق عليه السلام : «أما فرض الله الصيام ليستوى به الغنى و الفقير...، و ان يذيق الغنى مَسَّ الْجُوع و الأَلَم، لِيَرِقَّ عَلَى الضَّعِيف و يَرْحَمَ الْجَائِع. (۲)

امام صادق علیه السلام می فرماید: «خدا روزه را به این دلیل واجب کرده که میان فقیر و غنی مساوات برقرار شود... و طعم گرسنگی، درد و رنج را به افراد غنی هم بچشانند تا به ضعیفان و گرسنگان ترحم کنند.

۵_ قال رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم : «هو شهر أوّله رحمته، و أوسطه مغفرته، و آخره عتق من النار». (۳)

پیامبر خدا فرمود: [ماه رمضان] آغاز و ابتدایش رحمت و

ص: ۲۱۰

۱- ۱. «الوافی»، ج ۷، ص ۳۳.

۲- ۲. «الوسائل»، ج ۷، ص ۳.

۳- ۳. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۳۴۲.

میانه اش بخشایش و مغفرت الهی و پایانش نجات (بندگان) از آتش است.

۶_ قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «من صام شهر رمضان إيماناً واحتساباً غفر الله له ما تقدم من ذنبه».(۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «هر کس با ایمان (و با اخلاص) ماه رمضان را روزه بگیرد خداوند گناهان گذشته اش را می آمرزد.»

۷_ قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «قال الله تعالى: الصوم لى و انا أجزى به».(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «خداوند متعال فرمود: روزه برای من است و خودم پاداش آن را خواهم داد [یا خودم پاداش آن خواهم بود اگر بخوانیم «أجزی به»].»

۸_ قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «للصائم فرحتان: فرحة عند افطاره، و فرحة يوم يلقى ربه».(۳)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: برای شخص روزه دار دو شادی و خوشحالی است: یکی هنگام افطار و یکی هم روزی که پروردگار خود را ملاقات می کند [قیامت].

۹_ قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: «الصائم فى عبادة الله و إن كان نائماً على فراشه مالم يغب مسلماً».(۴)

ص: ۲۱۱

۱- ۱. «امالی طوسی»، ج ۱، ص ۱۴۹.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۲۵۵.

۳- ۳. همان، ص ۲۵۱.

۴- ۴. همان، ص ۲۴۷.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «روزه دار دائما در حال عبادت خدا است. گرچه در خواب باشد تا زمانی که غیبت مسلمانی را نکند.»

۱۰- قالت فاطمه الزهراء علیها السلام: فرض الله الصيام تثبیتا للإخلاص. (۱)

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: «خداوند روزه را واجب کرد تا اخلاص بندگانش را تثبیت و پایدار نماید.» (۲)

۱۱- قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: «لکلّ شیء زکاه و زکاه الاجساد الصيام.» (۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «برای هر چیزی زکات است و زکات [بدنهای ما] روزه گرفتن است.»

۱۲- قال الباقر علیه السلام: لکلّ شیء ربيع و ربيع القرآن شهر رمضان. (۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: «برای هر چیزی بهار است و بهار قرآن ماه رمضان است.»

۱۳- قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم: مَن تلا فيه آیه من القرآن کان له مثل أجر مَن ختم القرآن فی غیره من الشهور. (۵)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «کسی که آیه ای از قرآن را در ماه رمضان تلاوت کند برای او پاداش یک ختم قرآن در غیر این ماه منظور می شود.»

ص: ۲۱۲

۱- ۱. «علل الشرایع»، ج ۱، ص ۲۲۶.

۲- ۲. مانند کلام فوق از امام علی علیه السلام هم نقل شده است، نهج البلاغه حکمت ۲۴۴.

۳- ۳. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۲۵۵.

۴- ۴. «همان»، ج ۹۶، ص ۳۸۶.

۵- ۵. «عیون اخبار الرضا علیه السلام»، ج ۱، ص ۲۹۶.

۱۴_ قال الكاظم عليه السلام : «دعوه الصَّائِمِ تَسْتَجَابُ عِنْدَ افطاره».(۱)

امام کاظم علیه السلام فرمود: «دعای روزه دار هنگام افطار مستجاب می شود.»

فضیلت شبهای قدر

۱۵_ قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم : إنّ الله اختار من الايام الجُمُعَه، و من الشهور شهر رمضان، و من الليالي ليله القدر.(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: «همانا خداوند از میان روزها جمعه را و از بین ماهها ماه مبارک رمضان را و از شبها شب قدر را برگزید.»

۱۶_ قال الباقر عليه السلام : مَنْ وافق ليلة القدر فقامها غفر الله له ما تقدّم من ذنبه و ما تأخّر.(۳)

امام باقر علیه السلام فرمود: «هر کس شب قدر را درک و آن را به عبادت به پای دارد خداوند گناهان گذشته و آینده اش را می آمرزد.»

۱۷_ قال الباقر عليه السلام : العمل الصالح فيها من الصّلاه و الزكاه و أنواع الخیر، خیرٌ من الف شهرٍ ليس فيها ليلة القدر.(۴)

امام باقر علیه السلام فرمود: به جا آوردن عمل صالح در شب قدر [مانند نماز، زکات، خدمت به دیگران و...] بهتر است از انجام کارهای خیر در هزار ماهی که شب قدر در آن نباشد.

ص: ۲۱۳

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۹۶، ص ۲۵۵.

۲- ۲. همان، ج ۹۷، ص ۷.

۳- ۳. همان، ص ۹.

۴- ۴. «الوسائل»، ج ۷، ص ۲۵۶.

۱۸_ كانت فاطمه عليها السلام : لا- تَدْعُ احداً من اهلها ينام تلك الليلة و تُداويهم بقله الطعام و تتأهب لها من النهار و تقول: مَحْرُومٌ مَنْ حَرَمَ خَيْرَهَا. (۱)

حضرت زهرا عليها السلام همیشه چنین عمل می کرد که نمی گذاشت اهل خانه (فرزندان) در شب قدر بخوابند و آنها را با کم غذا دادن برای بیداری در شب قدر آماده می کرد. و می فرمود: «از رحمت خدا محروم است کسی که از خیر شب قدر محروم شود.»

۱۹_ كان ابو عبدالله عليه السلام مريضاً مُدِنِفاً فَأَمَرَ فَأُخْرِجَ الى المسجد رسول الله صلى الله عليه و آله وسلم فكان فيه حتى أَصْبَحَ لَيْلَهُ ثَلَاثَ و عَشْرِينَ من شهر رمضان. (۲)

امام صادق علیه السلام در شب ۲۳ ماه رمضان در حالی که مریض و تب دار بود، دستور داد آن حضرت را به مسجد النبی صلی الله علیه و آله وسلم بردند و تمام شب را تا به صبح در آنجا مشغول (راز و نیاز و عبادت) بودند.

ص: ۲۱۴

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۹۷، ص ۱۰.

۲- ۲. «امالی الطوسی»، ج ۲، ص ۲۸۹.

بعضی اعمال ماه رمضان (۱)

غسل های ماه رمضان

* غسل شب اول ماه رمضان و روز اول آن. (۲)

* غسل شب های (فرد ماه مثل شب سوّم و پنجم، تا آخر). (۳)

* غسل شب سیزدهم ماه.

* غسل شب پانزدهم.

* غسل شب های قدر (شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوّم ماه).

* غسل آخر شب بیست و سوّم.

* غسل شب ۲۵ و ۲۷ و ۲۹ ماه و شب آخر آن. (۴)

* غسل شبهای دهه آخر ماه. (۵)

ص: ۲۱۵

۱-۱. در این قسمت از جزوه تهیه شده بخش تحقیقات آستانه مقدسه بهره برده شده است.

۲-۲. مفاتیح الجنان، اعمال ماه رمضان.

۳-۳. توضیح المسائل حضرت امام قدس سره ، غسل های مستحبی.

۴-۴. مفاتیح الجنان، اعمال ماه رمضان.

۵-۵. رساله حضرت امام قدس سره ، بخش غسل های مستحبی.

* در هر شب ماه رمضان دو رکعت نماز خوانده شود. در هر رکعت بعد از حمد، سه مرتبه سوره قل هُوَ اللَّهُ بعد از سلام نماز بگوید: «سُبْحَانَ مَنْ هُوَ خَفِیْظٌ لَا یَغْفُلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ رَحِیْمٌ لَا یَعْجَلُ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ دَائِمٌ لَا یَلْهُو». و بعد از آن هفت مرتبه (سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ) بگوید. سپس بگوید: «سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ يَا عَظِیْمُ اغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الْعَظِیْمَ». بعد از آن ده مرتبه صلوات بفرستد. کسی که این نماز را بخواند خداوند هفتاد هزار گناه او را می آمرزد. (۱)

* خواندن هزار رکعت نماز در مجموع ماه رمضان به این ترتیب است که: در دهه اوّل و دوّم هر شبی بیست رکعت بخواند. هشت رکعت بعد از نماز مغرب و دوازده رکعت بعد از نماز عشا. در دهه آخر شبی سی رکعت بخواند. هشت رکعت بعد از نماز مغرب و بیست و دو رکعت بعد از آن و سیصد رکعت باقیمانده را هم در سه شب قدر (۲۳ - ۲۱ - ۱۹) شبی صد رکعت بخواند که مجموع آن می شود هزار رکعت. بر مؤمنین است از درک فضیلت این نمازها غافل نباشند. (۲)

* خواندن چهار رکعت نماز در شب سیزدهم ماه. در هر رکعت

ص: ۲۱۶

۱-۱. «مفاتیح الجنان»، اعمال ماه رمضان.

۲-۲. همان.

حمد و بیست و پنج مرتبه سوره توحید «قُلْ هُوَ اللَّهُ» خوانده شود.

* خواندن دو رکعت نماز در شب سیزدهم ماه. در هر رکعت بعد از حمد، سوره «یَاسَ، الْمُلُکَ و توحید را بخواند.

* خواندن همین نماز در شب چهاردهم و پانزدهم ماه. منتهی در اولی چهار رکعت و در دومی شش رکعت خوانده شود. در روایت می فرماید: هر کس این نماز را در این سه شب بخواند گناهانش آمرزیده می شود ولو به عدد قطره‌های باران و برگ درختان و ریگ بیابان باشد.

* در شب پانزدهم صد رکعت نماز بخواند. در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید خوانده شود. از حضرت علی علیه السلام نقل شده که: «هر کس این عمل را انجام دهد خداوند ده فرشته می فرستد تا دشمنان را از او دور نمایند و سی فرشته هنگام مرگ می فرستد که او را از آتش (و عذاب) حفظ نمایند».(۱)

* در شب آخر ماه ده رکعت نماز خوانده شود و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه «قُلْ هُوَ اللَّهُ»، و در رکوع ده مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید. بعد از سلام نماز هم هزار مرتبه «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اِغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلَوَاتَنَا وَصِيَامَنَا وَقِيَامَنَا».

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: چنین شخصی سر از سجده بردارد مگر اینکه خداوند «اعمال» ماه رمضان او را قبول فرماید و از

ص: ۲۱۷

* نمازهایی مخصوص هر شب از ماه رمضان وارد شده است که هر کدام دارای فضیلت و پاداشی عظیم است. طالبین می توانند کیفیت خواندن این نمازها را در مفاتیح الجنان و بحارالانوار (۲) و کتب مربوطه مطالعه نمایند و سزاوار است در صورت امکان به خواندن آنها همت نمایند.

اعمال دیگر ماه رمضان

* ذکر و دعا _ در این ماه دعا و صلوات و استغفار بسیار باید نمود و ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را بسیار باید گفت. روایت شده است که امام سجّاد علیه السلام در ماه رمضان (تا می توانست) تکلم نمی کرد مگر به دعا و ذکر خدا (از «سبحان الله» و «الله اکبر») و استغفار.

آداب افطار

الف: روزه خود را با غذای حلال افطار کند. بهتر است با خرما افطار کند که ثواب نمازش چهارصد برابر می شود.

ب: هنگام افطار این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ لَكَ صُيْمْتُ وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ» اگر این دعا را بخواند خداوند به او ثواب روزه داران آن روز را عنایت می فرماید.

ص: ۲۱۸

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، اعمال ماه رمضان.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۹۷، ص ۳۸۱.

ج: در لقمه اول بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ اِغْفِرْ لِي» تا خداوند او را بیامرزد.

در روایت می فرماید: «آخر هر روز ماه رمضان خداوند هزار هزار نفر را از آتش جهنم آزاد می کند. از خدا بخواه که ترا از آنها قرار دهد».

د: در وقت افطار سوره قدر (إِنَّا أَنْزَلْنَاهَا)، را بخواند. «خواندن هزار مرتبه سوره قدر در هر شب ماه رمضان در روایت نقل شده است».

صدقه و افطاری دادن در ماه رمضان

۱- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: تَصَدَّقُوا عَلَى فَقَرَاءِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: (در ماه رمضان) صدقه بدهید به فقرا و مساکین (انسان های نیازمند).

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: مَنْ فَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ (عَزَّ وَجَلَّ) عِتْقُ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که (در این ماه) روزه دار مؤمنی را افطاری دهد همانند این است که «بنده ای» را در راه خدا آزاد کرده باشد، (و این عمل او) باعث آمرزش گناهان گذشته او خواهد بود.

ص: ۲۱۹

۱- ۱. «عیون اخبار الرضا»، ج ۱، ص ۲۹۶ - ۲۵۹.

۲- ۲. همان.

۳_ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ، اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشَرْبِهِ مِنْ مَاءٍ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خود را از آتش «جهنم» دور کنید «با افطاری دادن» گرچه با نصف خرما و شربتی از آب باشد.

آداب سحر ماه رمضان

الف: سحری خوردن. و لو بسیار کم مثل خوردن یک دانه خرما و یا آشامیدن جرعه ای آب. در روایت می فرماید: پروردگار متعال و فرشتگان صلوات و درود می فرستند بر کسانی که در سحرها، استغفار می کنند و سحری می خورند.

ب: خواندن سوره قدر (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ). هر کس هنگام افطار و سحری خوردن این سوره را بخواند (در فاصله زمانی) بین افطار و سحر برای او ثواب شهید در راه خدا را می نویسند.

ج: خواندن دعای سحر (اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ بَهَائِكَ بِبَهَائِهِ) تا آخر که امام رضا علیه السلام فرمود: حضرت باقر علیه السلام در سحرهای ماه رمضان این دعا را می خواند.

خواندن دعای ابوحمزه ثمالی که از دعاها بسیار عالی است و امام سجّاد علیه السلام در سحر ماه رمضان آن را می خواند. بر ما است که از خواندن این دعای شریف غفلت نکنیم.

د: خواندن نافله شب و پرداختن به عبادت در هنگام سحر.

ص: ۲۲۰

متأسفانه عامه مردم از این امر مهم غفلت می نمایند و تمام هم آنها از بیدار شدن هنگام سحر، خوردن سحری می باشد. در اینجا چند روایت در رابطه با اهمیت شب زنده داری و اقامه نماز شب ذکر می نمائیم. (۱)

۱_ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ نُورٌ. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: نماز شب (باعث) روشنایی (دل انسان) است.

۲_ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ. (۳)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وسلم به علی علیه السلام فرمود: «مواظبت کن» بر خواندن نماز شب. (و این فرمایش را چهار مرتبه تکرار فرمود).

۳_ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّى وَانْقَضَ امْرَأَتُهُ فَصَلَّتْ. (۴)

رسو خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: رحمت خدا بر آن مردی باد که خود برای نماز شب برخیزد و همسرش را هم برای نماز شب بیدار کند.

۴_ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَاةُ اللَّيْلِ تُبَيِّضُ الْوَجْهَ، ... وَصَلَاةُ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرِّزْقَ. (۵)

ص: ۲۲۱

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، اعمال ماه رمضان.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۴۱، ص ۱۷.

۳- ۳. «همان»، ج ۷۴، ص ۳۵۲.

۴- ۴. «سنن بیهقی»، ج ۲، ص ۷۰، خ ۱۴۵۰.

۵- ۵. «علل الشرایع»، ص ۳۶۳.

امام صادق علیه السلام فرمود: نماز شب (باعث) نورانی شدن صورت و جلب (ازدیاد) شدن روزی می باشد.

۵_ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَلَاةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ. (۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: نماز شب مؤمن گناهان روز او را از بین می برد.

۶_ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ... صَوْتَ قَارِئِ الْقُرْآنِ وَصَوْتَ الَّذِينَ يَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ. (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: پروردگار متعال دوست دارد صدای کسی را که قرآن می خواند و صدای کسانی را که سحرگاهان استغفار می کنند.

۷_ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : ثَلَاثَةٌ مَعْصُومُونَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ: أَلَدَّاكِرُونَ اللَّهَ ، وَالْبَاكُونَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ ، وَالْمُسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ. (۳)

آنان که (همیشه) به یاد خدا هستند، و کسانی که (از خوف خدا) گریانند و استغفار کنندگان در سحرگاهان از (وسوسه های) ابلیس و لشکریان او محفوظ خواهند بود.

۸_ قَالَ لُقْمَانُ لِأَبْنِهِ: يَا بَنِيَّ! لَا يَكُونُ الدَّيْكَ أَكْثَرَ مِنْكَ، يَقُومُ فِي وَقْتِ السَّحْرِ وَيَسْتَغْفِرُ، وَأَنْتَ نَائِمٌ! (۴)

ص: ۲۲۲

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۸۳، ص ۱۲۶.

۲- ۲. «مستدرک الوسائل»، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳- ۳. همان.

۴- ۴. همان.

لقمان به پسرش فرمود: پسر جان! مبادا خروس (سحری) از تو زیر کتر باشد (و او سحرگاه بیدار باشد و به زبان خود) استغفار کند در حالی که تو خواب باشی!

شب قدر

الف: فضیلت شبهای قدر

* قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنَ الْأَيَّامِ الْجُمُعَةَ وَمِنَ الشُّهُورِ شَهْرَ رَمَضَانَ وَمِنَ اللَّيَالِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: همانا خداوند از میان روزها جمعه را و از بین ماهها ماه رمضان را و از میان شبها شب قدر را برگزید.

* قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ تُغْفَلَ عَنْ لَيْلِهِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَلَيْلَهُ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ أَوْ يَنَامَ أَحَدٌ تِلْكَ اللَّيْلَةَ. (۲)

امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم «مردم را» از بی توجهی و غفلت از (شب زنده داری و عبادت در) شب ۲۱ و ۲۳ ماه رمضان؛ و از خوابیدن در شب قدر نهی می فرمود.

* قَالَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ: مَحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَيْرِهَا. (۳)

حضرت زهرا علیها السلام فرمود: از رحمت خدا محروم است کسی که از خیر (و رحمت) شب قدر محروم شود.

ص: ۲۲۳

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۹۷، ص ۷.

۲- ۲. همان.

۳- ۳. «همان»، ج ۹۷، ص ۱۰.

* قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَأَنْوَاعِ الْخَيْرِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ. (۱)

امام باقر علیه السلام فرمود: انجام دادن عمل صالح در شب قدر (مثل نماز و زکات و انواع کارهای خیر) بهتر است از (انجام آن عمل) در هزار ماهی که شب قدر در آن نباشد.

* قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : صَبِيحُهُ يَوْمَ لَيْلَةِ الْقَدْرِ مِثْلُ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَأَعْمَلْ وَاجْتَهِدْ. (۲)

امام صادق علیه السلام فرمود: (روز بعد از) شب قدر هم (در فضیلت) همانند شب قدر است پس (در آن) عمل صالح انجام بده و (در عبادت خدا) بکوش.

ب: سیره اهل بیت علیهم السلام در شب قدر

۱_ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ : إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَطْوِي فِرَاشَهُ وَيَشُدُّ مِثْرَازَهُ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَكَانَ يُوقِظُ أَهْلَهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ. (۳)

علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در دهه آخر ماه رمضان «بستر استراحت» خود را جمع کرده «و» آماده عبادت شبانه می شدند» و خانواده خود را هم «در شب بیست و سوم ماه» امر به بیداری «و عبادت» می فرمودند.

۲_ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا كَانَتْ لَيْلَةُ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثَ

ص: ۲۲۴

۱- ۱. «الوسائل»، ج ۷، ص ۲۵۶.

۲- ۲. «بحار الانوار»، ج ۹۷، ص ۱۱.

۳- ۳. «همان»، ج ۹۷، ص ۱۰.

وَعِشْرِينَ أَخَذَ فِي الدُّعَاءِ حَتَّى يَزُولَ اللَّيْلُ. (۱)

همیشه امام باقر علیه السلام تمام شب بیست و یکم و بیست و سوم ماه رمضان را، تا طلوع صبح مشغول به دعا (و راز و نیاز با خدا) بود.

ج: اعمال مشترک شب قدر

۱_ غسل شب های قدر که بهتر است نزدیک غروب آفتاب آنها را انجام دهند و نماز مغرب را با غسل بخوانند. البته برای نماز باید وضو هم بگیرند.

۲_ در هر شب قدر دو رکعت نماز بخوانند و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه سوره توحید (قُلْ هُوَ اللَّهُ) خوانده شود و بعد از نماز، هفتاد مرتبه «اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ - وَاتُوبُ إِلَيْهِ» بگویند.

در حدیث است: از جای خود بلند نشود (کسی که این نماز را بخواند) مگر اینکه خدا، او و پدر و مادرش را بیامرزد.

۳_ قرآن بر سرگرفتن، به کیفیتی که در مفاتیح بیان شده است.

۴_ احیا و شب زنده داری و عبادت در این شب ها که جهت توجّه و اهمیت بیشتر چند روایت را در این رابطه ذکر می نمایم.

* روایت شده که هر کس احیا کند شب قدر را (به عبادت و دعا) گناهانش آمرزیده شود ولو به تعداد ستارگان آسمان و به سنگینی کوهها و به وزن «آب» دریاها باشد. (۲)

ص: ۲۲۵

۱- ۱. «بحار الانوار»، ج ۹۷، ص ۱۶.

۲- ۲. «اقبال الاعمال»، سید ابن طاووس، ص ۱۸۶.

﴿ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ : مَنْ أَحْيَى لَيْلَةَ الْقَدْرِ حَوَّلَ عَنْهُ الْعَذَابُ إِلَى السَّنَةِ الْقَابِلَةِ. (۱) ﴾

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: کسی که «شب زنده داری کند» در شب قدر، تا سال آینده عذاب از او برداشته می شود.

۵- زیارت امام حسین علیه السلام (زیارت مخصوص شب های قدر).

﴿ در روایت است که شب قدر از آسمان هفتم و عرش الهی ندا می رسد که خداوند آمرزید کسی را که به زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده باشد. (۲) ﴾

﴿ قَالَ الْجَوَادُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ... صَافَحَهُ رُوحُ أَرْبَعَةِ وَعِشْرِينَ أَلْفَ مَلَكٍ وَنَبِيٍّ كَفَّلَهُمْ يَشْتَأْذُنُ اللَّهُ فِي زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ. (۳) ﴾

امام جواد علیه السلام فرمود: کسی که امام حسین علیه السلام را (شب بیست و سوم ماه رمضان) زیارت کند (به دیدار او می آیند) بیست و چهار هزار فرشته و پیامبری که در آن شب (به اذن پروردگار) به زیارت امام حسین علیه السلام آمده اند.

﴿ امام صادق علیه السلام می فرماید: هر کس قبر امام حسین علیه السلام را در ماه رمضان زیارت کند و در راه زیارت بمیرد، برای او حسابی نخواهد بود به او گفته می شود: «داخل بهشت شو بدون هیچ

ص: ۲۲۶

۱- ۱. «همان»، «اعمال شب نوزدهم»، ص ۱۸۶.

۲- ۲. «همان»، سید ابن طاووس، ص ۲۱۲.

۳- ۳. «همان»، ص ۲۱۳.

۶_ علامه مجلسی می فرماید: بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا برای دنیا و آخرت خود و پدر و مادر و خویشان و برادران مؤمن می باشد و گفتن ذکر و صلوات هر چه که بتواند. (۲)

۷_ خواندن صد رکعت نماز، که بهتر است در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید (قُلْ هُوَ اللَّهُ) بخواند. (۳)

د: اعمال مخصوص شبهای قدر

شب نوزدهم

۱_ صد مرتبه: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بگویند.

۲_ صد مرتبه بگویند: «اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام».

۳_ دعای مخصوص این شب (در مفاتیح الجنان) را بخوانند.

شب بیست و یکم

۱_ در این شب که فضیلت آن از شب نوزدهم بیشتر است، همان اعمال شبهای قدر را انجام دهند و در عبادت و احیای آن کوشش نمایند. احیای آن به مذاکره و مباحثه های علمی بهتر است.

۲_ از این شب شروع کند به خواندن دعاهاى مخصوص

ص: ۲۲۷

۱- ۱. «مفاتیح الجنان»، زیارت امام حسین علیه السلام در شب قدر.

۲- ۲. «مفاتیح الجنان»، اعمال شب قدر.

۳- ۳. «همان».

شبهای دهه آخر ماه رمضان که در مفاتیح ذکر شده است.

شب بیست و سوم

۱_ سوره های «عنکبوت» و «روم» و «دخان» را بخواند.

۲_ سوره قدر (إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ) را هزار مرتبه بخواند.

۳_ دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ» را تا آخر در تمام حالات تکرار نماید.

۴_ دعا‌های مخصوص شب بیست و سوم را بخواند.

۵_ هر مقدار از قرآن را که می تواند بخواند و دعا‌های صحیفه سجّادیّه را مخصوصاً دعای «مکارم الاخلاق» و دعای «توبه» خوانده شود.

لازم به ذکر است که اهل بیت علیهم السلام به شب بیست و سوم ماه رمضان عنایت خاصی داشتند و احتمال دارد که شب قدر همین شب باشد. چنانچه حضرت رسول صلی الله علیه و آله وسلم به شخصی که از قبیله (جُهَنّ) بود احیا و عبادت این شب را معین فرمود. بنابراین نباید از این شب با عظمت غفلت کرد و هر سه شب قدر «مخصوصاً» این شب را باید به عبادت و استغفار و دعا سپری نمود.

درباره این شب در روایت است که: قَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَصَلَّى فِيهَا مِائَةَ رُكْعَةٍ وَسَمِعَ اللَّهَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَكَفَاهُ أَمْرٌ مِنْ يُعَادِيهِ وَأَعَادَهُ مِنَ الْعَزَقِ وَالْهَدْمِ وَالشَّرْقِ وَمِنْ شَرِّ السَّبَاعِ وَرَفَعَ عَنْهُ هَوْلَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَخَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ

ص: ۲۲۸

وَنُورُهُ يَتَلَأَلُ لِأَهْلِ الْجَمْعِ وَيُعْطَى كِتَابُهُ بِيَمِينِهِ... (۱).

امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که (شب زنده داری کند) در شب بیست و سوم ماه رمضان و صد رکعت نماز بخواند (به شرط صحت اعمال و عقاید دیگرش) خداوند به زندگی او وسعت عنایت می فرماید و شر دشمنانش را کفایت می کند و او را از «مرگ نابهنگام» نجات می دهد، و ترس از منکر و نکیر (دو فرشته سؤال قبر) را از او برمی دارد و بیرون می آید از قبرش در حالی که نور (چهره اش) بر اهل قیامت پرتو افکنی می نماید. و نامه عملش را به دست راستش خواهند داد....

دعای شب بست و هفتم

* در شب بیست و هفتم ماه رمضان امام سجاد علیه السلام از اوّل شب تا آخر شب این دعا را می خواند:

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي التَّجَافِي عَنْ دَارِ الْعُزُوْرِ وَالْاِنَابَةَ اِلَى دَارِ الْخُلُوْدِ وَالِاسْتِعْدَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ حُلُوْلِ الْفُوْتِ:

«پروردگارا دوری گزیدن از خانه فریب (دنیا) را روزی من فرما، و بازگشت به سوی خانه جاویدان (آخرت) و آمادگی برای مرگ را پیش از فرارسیدنش روزی من گردان» (۲).

ص: ۲۲۹

۱- ۱. «اقبال الاعمال»، ص ۲۱۴.

۲- ۲. «مفاتیح الجنان»، اعمال شب ۲۷ ماه رمضان.

* غسل در این شب مستحب است.

* زیارت امام حسین علیه السلام .

* خواندن سوره «انعام» و «کهف» و «یاس» و گفتن صد مرتبه: «اسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

* خواندن دعای مخصوص این شب که در مفاتیح الجنان ذکر شده است.

* خواندن دعای وادع که دعای چهل و پنجم صحیفه بهترین دعای وداع است، ولی دعای مختصر آن این است که بگوید:
اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِنَا أَيَّاهُ، فَإِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَلَا تَجْعَلْنِي مَحْزُومًا. هر کس این دعا را بخواند یا زنده ماند و به ماه رمضان آینده می رسد و یا اگر مرگش فرا رسید مورد آمرزش و رحمت بی پایان الهی قرار می گیرد. (۱)

* ده رکعت نماز بخواند. در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه (قُلْ هُوَ اللَّهُ) خوانده شود و در رکوع و سجده ده مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ». بعد از خواندن ده رکعت هزار مرتبه (اسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ) بگوید. بعد از آن به سجده برود و بگوید: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا إِلَهَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَتَقَبَّلْ مِنَّا صَلَواتَنَا وَصِيَامَنَا وَقِيَامَنَا.

ص: ۲۳۰

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: سر از سجده بر ندارد مگر اینکه خداوند او را بیامرزد و «اعمال» ماه رمضان او را قبول کند و از گناهانش بگذرد. (۱)

* درباره فضیلت شب آخر ماه رمضان امام سجّاد علیه السلام می فرماید: إِنَّ لِلَّهِ (تَعَالَى) فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ سَبْعِينَ أَلْفَ عَتِيقٍ مِنَ النَّارِ... فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أُعْتِقَ فِيهَا مِثْلُ مَا أُعْتِقَ فِي جَمِيعِهِ. (۲)

امام سجّاد علیه السلام می فرماید: همانا خداوند متعال در هر شب ماه رمضان هفتاد هزار هزار «گناهکار» را از (جهنم) آزاد می کند. سپس در شب آخر ماه رمضان به تعداد آزادشدگان در تمام ماه را از آتش دوزخ آزاد می نماید.

روز آخر ماه

* دعای روز آخر را که در صحیفه سجّادیه آمده بخوانند. دعای مختصر آن روز این است:

سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَى أَجْنَحٍ مِثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ، يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ، إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ بَارِئِ النَّسَمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْمُصَوِّرِ، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ الْأَزْوَاجِ كُلِّهَا، سُبْحَانَ اللَّهِ جَاعِلِ

ص: ۲۳۱

۱- ۱. «اقبال الاعمال»، ص ۲۴۱.

۲- ۲. «همان»، ص ۲۶۱.

الظُّلُمَاتِ وَالنُّورِ، سُبْحَانَ اللَّهِ فَالِقِ الْوَحْيِ وَالنَّوَى، سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ كُلِّ شَيْءٍ سُبْحَانَ اللَّهِ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى سُبْحَانَ اللَّهِ
مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

این دعا را روز آخر ماه رمضان سه مرتبه بخوانند. (۱)

* چون این روز، برای اکثر مردم روز ختم قرآن است خواندن دعای ختم قرآن بسیار مناسب می باشد. مخصوصاً دعای چهل
و دوم صحیفه سجّادیه، و دعایی کوتاه در ختم قرآن از علی علیه السلام نقل شده است که از خواندن آن غفلت نشود و آن
این دعاست: «اللَّهُمَّ اشْرَحْ بِالْقُرْآنِ صَدْرِي وَاشْدِدْ تَعْمِلُ بِالْقُرْآنِ يَدَيَّ وَنُورُ بِالْقُرْآنِ بَصِيرِي وَأَطْلِقْ بِالْقُرْآنِ لِسَانِي وَأَعِنِّي عَلَيْهِ مَا
أَبْقَيْتَنِي فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ». (۲)

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين.

ص: ۲۳۲

۱- ۱. «اقبال الاعمال»، ص ۲۶۲.

۲- ۲. «مفاتيح الجنان»، اعمال روز آخر ماه رمضان.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفاً ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱. JAVA

۲. ANDROID

۳. EPUB

۴. CHM

۵. PDF

۶. HTML

۷. CHM

۸. GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱. ANDROID

۲. IOS

۳. WINDOWS PHONE

۴. WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتاهای خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

